



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



شهید مصطفی خمینی در نگاه تاریخ

نویسنده: جواد ملازمی پور قرجدانفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهید مصطفی خمینی در نگاه تاریخ

نویسنده:

جواد ملایی پورقرجه داغی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	شهید مصطفی خمینی در نگاه تاریخ
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۲	دیباچه
۱۴	پیش گفتار
۱۴	اشاره
۱۷	سال شمار
۱۸	فصل اول: ویژگی های فردی
۱۸	اشاره
۱۹	۱. اصالت خانوادگی
۱۹	۲. ولادت
۱۹	۳. دوران کودکی و نوجوانی
۲۱	۴. ازدواج
۲۳	فصل دوم: ویژگی های شخصیتی
۲۳	اشاره
۲۴	۱. ویژگی های فردی
۲۴	اشاره
۲۴	الف) هوش و استعداد
۲۵	ب) جامعیت
۲۶	ج) عبادت
۲۷	د) ارادت عملی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم
۲۹	ه) خودسازی و صفات پسندیده اخلاقی
۳۱	و) دقت و پشتکار

۳۱ (ز) آزاداندیشی
۳۲ (ح) بهره‌گیری از فرصت‌ها
۳۲ ۲. ویژگی‌های خانوادگی
۳۴ ۳. ویژگی‌های اجتماعی
۳۴ اشاره
۳۴ (الف) خوش رفتاری
۳۶ (ب) مهربانی و فروتنی
۳۶ (ج) کمک به دیگران
۳۷ (د) پیوند با توده مردم
۳۹ فصل سوم: شخصیت علمی
۳۹ اشاره
۴۰ ۱. آغاز تحصیلات
۴۱ ۲. تحصیلات حوزوی
۴۳ ۳. مقام علمی
۴۴ ۴. ویژگی‌های تدریس
۴۶ ۵. استادان
۴۷ ۶. شاگردان
۴۸ ۷. آثار و نگاشته‌ها
۴۹ ۸. معرفی برخی آثار
۵۲ فصل چهارم: اندیشه‌ها
۵۲ اشاره
۵۳ ۱. اندیشه کلامی
۵۴ ۲. هدف نهایی از دانش‌اندوزی
۵۵ ۳. اندیشه فرهنگی
۵۷ ۴. بینش سیاسی
۵۷ اشاره

۵۸	الف) اهمیت طرح حکومت اسلامی
۵۹	ب) پیوند دین و حکومت اسلامی
۶۰	ج) نه شرقی، نه غربی؛ حکومت اسلامی
۶۲	د) حکومت اسلامی جهانی
۶۴	فصل پنجم: زندگی سیاسی
۶۴	اشاره
۶۵	۱. فعالیت سیاسی از آغاز تا قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲
۶۶	۲. فعالیت سیاسی از قیام ۱۵ خرداد تا واقعه کاپیتولاسیون
۷۵	۳. فعالیت سیاسی از واقعه کاپیتولاسیون تا دستگیری
۷۸	۴. آزادی مشروط و اقامت چند روزه در قم
۸۰	۵. تبعید به ترکیه
۸۳	۶. تبعید به عراق
۸۶	۷. سکونت در نجف اشرف و ادامه فعالیت سیاسی
۸۹	۸. فعالیت در ایام حج
۹۰	۹. برخورد با حزب بعث عراق و دستگیری در نجف اشرف
۹۳	۱۰. موضع گیری سیاسی
۹۵	۱۱. ارتباط با خواص و پیوند با نیروهای مبارز ایران، عراق و دیگر کشورها
۹۷	فصل ششم: شهادت
۹۷	اشاره
۹۹	۱. خواب شگفت انگیز
۹۹	۲. پرواز به سرای جاودان
۱۰۴	۳. انتشار خبر شهادت و تعطیلی حوزه علمیه نجف اشرف
۱۰۴	۴. اشک ریختن امام خمینی رحمه الله با مرثیه اهل بیت علیهم السلام
۱۰۵	۵. نظر پزشکی و پیشنهاد کالبد شکافی
۱۰۶	۶. دلناری دادن به مادر داغدیده و همسر مصیبت زده
۱۰۶	۷. شام غریبان

۸. تشییع جنازه و خاک سپاری ----- ۱۰۷
۹. وصیت نامه ----- ۱۱۰
۱۰. بازتاب های شهادت ----- ۱۱۱
- اشاره ----- ۱۱۱
- الف) برپایی مجالس یاد بود و بزرگداشت در نجف اشرف ----- ۱۱۲
- ب) امام خمینی رحمه الله و شهادت فرزند ----- ۱۱۴
- ج) برپایی مجالس یادبود و بزرگداشت در قم ----- ۱۱۵
- د) بازتاب خبر شهادت در ایران ----- ۱۱۷
- ه) بازتاب خبر شهادت در خارج از ایران ----- ۱۱۹
- و) واکنش رژیم شاه ----- ۱۲۰
- ز) واکنش شاه ----- ۱۲۲
- ح) بازتاب شهادت در رسانه ها و مطبوعات داخلی و خارجی ----- ۱۲۳
- ط.) مراسم چهلمین روز شهادت ----- ۱۲۵
۱۱. اهداف رژیم شاه از شهادت حاج آقا مصطفی ----- ۱۲۸
- فصل هفتم: پی آمدهای شهادت ----- ۱۳۰
- اشاره ----- ۱۳۰
۱. گسترش نفوذ و محبوبیت امام خمینی رحمه الله ----- ۱۳۱
۲. تثبیت رهبری امام خمینی رحمه الله ----- ۱۳۱
۳. آشکار شدن ماهیت ضد اسلامی رژیم شاه ----- ۱۳۲
۴. بیداری روز افزون مردم و حضور در صحنه ----- ۱۳۲
۵. زمینه سازی قیام ۱۹ دی مردم قم ----- ۱۳۳
۶. سرعت یافتن روند انقلاب اسلامی ----- ۱۳۳
۷. ایجاد وحدت و یکپارچگی در میان نیروهای مخالف رژیم شاه ----- ۱۳۴
۸. اثرگذاری در جنبش مقاومت اسلامی فلسطین و لبنان ----- ۱۳۴
- فصل هشتم: شهید مصطفی خمینی رحمه الله در نگاه بزرگان ----- ۱۳۶
- اشاره ----- ۱۳۶

۱. امام خمینی رحمه الله - ۱۳۷
۲. مقام معظم رهبری - ۱۳۸
۳. حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی رحمه الله - ۱۳۹
۴. آیت الله حاج سید رضا بهاء الدینی رحمه الله - ۱۴۰
۵. آیت الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی «دام ظلّه» - ۱۴۰
۶. آیت الله احمد جنتی «دام ظلّه» - ۱۴۱
۷. آیت الله شیخ جعفر سبحانی «دام ظلّه» - ۱۴۱
۸. حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی «دام ظلّه» - ۱۴۲
- فصل نهم: برگزیده ادب فارسی - ۱۴۳
- اشاره - ۱۴۳
۱. متون ادبی - ۱۴۴
- سپیده گشای انقلاب - ۱۴۴
۲. اشعار - ۱۴۸
- فصل دهم: همراه با برنامه سازان - ۱۴۹
- اشاره - ۱۴۹
- پیشنهاد کلی (بایدها و نبایدهای کلی برنامه سازی) - ۱۵۰
- پیشنهادهای برنامه ای و موضوع های برنامه سازی - ۱۵۰
- پرسش های مسابقه ای - ۱۵۱
- پرسش های مردمی - ۱۵۲
- پرسش های کارشناسی - ۱۵۴
- کتاب نامه - ۱۵۶
- درباره مرکز - ۱۵۸

مشخصات کتاب

سرشناسه: ملایی پور، جواد

عنوان و نام پدیدآور: شهید مصطفی خمینی در نگاه تاریخ / تدوین جواد ملایی پور قرجه داغی.

مشخصات نشر: قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ۷۶۰۰ ریال: ۹۶۴-۸۶۰۶-۲۰-X

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۱۹] - ۱۲۰؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: خمینی، مصطفی، ۱۳۰۹ - ۱۳۵۶. -- سرگذشتنامه

موضوع: مجتهدان و علما -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره: BP۱۰۲/۱۲ /خ ۸م ۱۳۸۳ ۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۰۲۱۶۸

ص: ۱

اشاره

دیباچه

شهید آیت الله حاج آقا مصطفی رحمه الله از شخصیت های برجسته و کم نظیر جهان اسلام بود که در عرصه علم و عمل و جهاد و اجتهاد به قله های بلند کمال دست یافت. او عالمی اندیشمند و ژرف نگر بود که به کمک اندیشه و خرد ناب، راه را از بی راه باز می شناخت و هیچ گاه در تاریکی ها و بر سر دوراهی ها، حیران نشد. او راه امام خمینی رحمه الله را با چراغ خرد از ده ها راه که فرارویش بود، باز شناخت و آن را شفاف ترین و راه گشادترین آن ها یافت.

شهید حاج آقا مصطفی خمینی در علوم معقول و منقول، مانند: فقه، اصول، تفسیر، رجال، فلسفه، عرفان و... از جامعیت ویژه ای برخوردار بود. افزون بر جامعیت در دانش، ویژگی های برجسته اخلاقی، عرفانی، اجتماعی و سیاسی، وی را الگوی کمال یافته همگان ساخت.

او عالمی سیاست مدار، دیده بانی تیزنگر و دشمن شناسی چیره دست و به فرموده امام خمینی رحمه الله، امید آینده اسلام بود. او به اسلام ناب می اندیشید و هیچ گاه در این راه از پای فرو ننشست تا آن جا که خود را تقدیم جانان کرد و ره پرافتخار شهادت را پویید.

نوشتار حاضر، تلاش اندکی است برای آشنایی به جلوه هایی از زندگی

پرنور این عالم شهید سعید که به منظور کاربست در برنامه های صدا و سیما تنظیم گردیده است. با سپاس از پژوهشگر ارجمند، جناب آقای جواد ملایی پور قرجه داغی که در گردآوری و تدوین این اثر ما را یاری کردند، آن را به برنامه سازان گران قدر تقدیم می کنیم.

اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

اشاره

پیش‌گفتار

و لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.... (آل عمران: ۱۶۹ و ۱۷۰)

هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. * آن‌ها به خاطر نعمت‌های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند....

شهادت، گونه‌ای از سعادت، رستگاری و پیروزی است.

با نگاهی به دفتر تاریخ، جلوه‌هایی زیبا و صفحاتی گلگون و سرخ‌فام، چشم‌ها را به خود خیره می‌کند و گل‌سرخ را به یاد می‌آورد که بوی ایمان و رنگ شهادت دارد.

سراسر تاریخ، به ویژه تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی ایران با نام و یاد شهیدان آراسته و عطرآگین است؛ با دیدن کلمه مقدس «شهید»، کلام نورانی امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام «فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ» و خاطره‌های جان‌سوز کوفه و کربلا و دیگر لاله‌زاران، دیگر بار در ذهن نقش می‌بندد.

در این میان و بر گلبهرگی از تاریخ، نام و چهره فرزند امام خمینی، شهید آیت‌الله حاج سید مصطفی خمینی رحمه الله می‌درخشد؛ دلیر مردی از خاندان اهل

بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، مجاهدی خستگی ناپذیر و عالمی ربّانی که زندگی اش در این گیتی، «امید آینده اسلام» و شهادتش «از الطاف خفّیه الهی» بود. اطاعت خالصانه حاج آقا مصطفی خمینی از خداوند، درک عمیق او از قرآن و زندگی سیاسی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و آگاهی گسترده اش از نابسامانی ها و فسادهای اجتماعی، او را به میدان سیاست و مبارزه آورده و در راه پیروزی، استوار، شکّیا و بی قرار ساخته بود.

او در قلب انقلاب، شهر مقدس خون و قیام قم، همانند دیگر جوانان مؤمن، شجاع و با غیرت این سرزمین دشمن ستیز، مبارزه با طاغوت را وظیفه خود می دانست و در پرتو هدایت های امام خمینی رحمه الله، فعالیت های سیاسی خویش را آغاز کرد.

او سال های دور از وطن و تبعید را به عشق رضایت آفریدگار و به شوق توفیق همسایگی با امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام و زیارت سید و سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام سپری می کرد و با اصرار بر ادامه دادن راه، به دوستان مژده پیروزی می داد: «در راه آزادی کشته ها خواهیم داد و بالاخره پیروزی، ثمره پایداری است».

هرچند حاج آقا مصطفی خمینی در این راه شهید شد و در طول یک سال و اندی از ادامه حکومت ستمشاهی طاغوت، گاهی با یاد شهادت او، ابرهائی از غم، آسمان چشمان ایرانیان را تیره و تار می کرد و در دل شب، باران اشک، سرخی و گرمای آتش داغ فرزند را از چهره رهبر انقلاب می زدود، سرانجام با پایان شب تاریک و طولانی، صبح سپید پیروزی فرا رسید و حکومت ولایت فقیه بر سراسر ایران نور گسترده شد.

زندگی نامه آن گل محمدی تنها یک زندگی نامه نیست، بلکه بخشی از تاریخ و فرهنگ یک ملت است. گرامی داشت یاد و خاطره آن عارف شهید، در واقع، گرامی داشت مقام امام خمینی رحمه الله و ارزش های اسلامی و انقلابی است.

مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای _ «دام ظلّه» _ این واقعیت را چنین خاطر نشان کرده است:

صبر و بردباری حضرت امام خمینی رحمه الله در فراق حاج آقا مصطفی خمینی، چهره آن حضرت را در مقابل دیدگان ملت ایران مانند خورشید فروزان کرد. بنابراین، تجلیل از مقام و منزلت حاج آقا مصطفی خمینی، در واقع، احترام به حضرت امام رحمه الله و تجلیل از ارزش های اسلامی و انقلابی محسوب می شود. (۱)

۱- در دیدار با دست اندرکاران برگزاری کنگره بزرگداشت شهید مصطفی خمینی رحمه الله؛ حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶، ص ۳۷۷.

ص: ۸

سال شمار

سال شمار

۱۳۰۹: تولد.

۱۳۱۶: آغاز تحصیلات ابتدایی

۱۳۲۴: آغاز تحصیلات حوزوی

۱۳۲۶: جشن عمامه گذاری

۱۳۳۱: شرکت در درس خارج فقه آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله

۱۳۳۱: ازدواج با دختر آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری رحمه الله

۱۳۴۳ ۱۴ آبان: بازداشت توسط مزدوران رژیم شاه

۱۳۴۳ ۸ دی: آزادی از زندان

۱۳۴۳ ۱۳ دی: دستگیری مجدد و انتقال به تهران

۱۳۴۳ ۱۴ دی: تبعید به ترکیه

۱۳۴۴: تبعید به عراق

۱۳۴۶: تدریس خارج اصول در نجف اشرف

۱۳۵۶: شهادت

فصل اول: ویژگی های فردی

اشاره

فصل اول: ویژگی های فردی

زیر فصل ها

۱. اصالت خانوادگی

۲. ولادت

۳. دوران کودکی و نوجوانی

۴. ازدواج

۱. اصالت خانوادگی

۱. اصالت خانوادگی

درباره اصالت شهید حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله کافی است یادآوری شود که او منسوب به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و فرزند امام خمینی است و اصالتش همان اصالت امام رحمه الله.

مادر حاج آقا مصطفی، همسر امام خمینی رحمه الله، خانم خدیجه ثقفی، دختر مرحوم حجت الاسلام آقای ثقفی، بانویی با ایمان، پاکدامن و دارای اخلاق اسلامی، از خانواده ای اصیل، محترم و مذهبی است. (۱)

۲. ولادت

۲. ولادت

شهید حاج سید مصطفی خمینی در دوازدهم رجب سال ۱۳۴۹ ه. ق، برابر با آذر سال ۱۳۰۹ ه. ش، در شهر مقدس قم، در خانه جهاد و اجتهاد، به دنیا آمد. نام او را «محمد» نهادند و لقبش را به یاد جدّ شهیدش، «مصطفی» و کنیه اش را «ابوالحسن». (۲)

۳. دوران کودکی و نوجوانی

۳. دوران کودکی و نوجوانی

آقا مصطفی در خانه پاک و بی آلاش امام خمینی رحمه الله و در آغوش مادری پاکدامن و با محبت و در محیطی پر از معنویت و صفا و صمیمیت رشد کرد.

۱- نک: خاطرات آیت الله پسندیده رحمه الله، به کوشش: محمد جواد مرادی نیا، چاپ اول، ۱۳۷۴، تهران، چاپ مؤسسه انتشارات سوره، نشر موسسه چاپ و انتشارات حدیث، ص ۵۲.

۲- کمیته علمی کنگره شهید آیت الله سید مصطفی خمینی رحمه الله، یادها و یادمان ها از شهید آیت الله سید مصطفی خمینی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ج ۱، ص ۲۹.

آقا مصطفی کم کم می شکفت، او کودکی دوست داشتنی شده بود و شیرینی ویژه ای به خانواده می بخشید. او را در شش سالگی به مکتب فرستادند و یک سال بعد به دبستان رفت.

وی باهوش و بازیگوش بود. به بازی علاقه فراوان داشت و بازی های کودکانه اش گاه همه را به تعجب وا می داشت. شجاعت و بی باکی اش از همان کودکی آشکار بود.

یک روز که صحن مطهر حرم حضرت معصومه علیهاالسلام لبریز از جمعیت بود، ناگهان مردم متوجه شدند پسر بچه خردسالی در لبه مناره ای بلند، پاهای خود را به بیرون مناره آویزان کرده است؛ بانوان حاضر از دیدن این منظره، به وحشت افتادند که مبادا این پسربچه از بالای مناره به پایین پرتاب شود. همسر امام خمینی رحمه الله نیز این کودک را دید و گفت: این پسربچه به جز فرزند من، مصطفی نمی تواند باشد.

مادرش درست حدس زده بود، غیر از آقا مصطفی کسی چنین جرأتی را در آن سن و سال نداشت. امام خمینی نیز این منظره را تماشا کرده بود و شب از او پرسید: «تو به چه جرأتی این کار را کردی و فکر نکردی به پایین پرت می شوی؟» او پاسخ داد: «من اطمینان داشتم که نمی افتم».

او به شنا بسیار علاقه مند بود؛ در مسابقه های شنای قم شرکت می کرد و در ورزش شنا از بهترین شناگران قم بود. پس از به پایان رساندن دبستان با تشویق پدر، تحصیلات طلبگی را آغاز کرد و در صراط مستقیم، به سوی

۴. ازدواج

۴. ازدواج

مدت ها در خانواده امام خمینی رحمه الله صحبت از مورد مناسبی بود که آقامصطفی بتواند با او ازدواج کند، تا این که شایع شد آقامصطفی با آقا مرتضی حائری رحمه الله فامیل شده است، به طوری که آقا مصطفی در خانه می گفت: «وقتی آقای حائری از صحن حرم بیرون می آید، رفقا می گویند که پدرزنت آمد!»

وقتی این شایعه به گوش امام رحمه الله رسید، یک شب از همسرش پرسید: «دختر آقای حائری را دیده ای؟»

مادر آقامصطفی کمی توضیح داد. سپس امام رحمه الله پیشنهاد کرد: «چطور است این دروغ را راست کنیم؟» مادر آقامصطفی گفت: «هر طوری صلاح می دانید.»

فردا صبح، امام رحمه الله به آقای حائری پیام فرستاد که ظهر همان روز آن ها جواب دادند. باز امام رحمه الله پیام داد که همان شب برای صحبت به منزل آقای حائری رحمه الله می روند و همان شب به خواستگاری رفتند و قرار عقد گذاشته شد. سرانجام آقامصطفی در سن ۲۲ سالگی با دختر استاد، آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری رحمه الله ازدواج کرد. وی نوه استاد آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمه الله، دختری سازگار و ساده زیست بود. او سادگی را در منزل پدر تمرین کرده بود و پس از ازدواج، توان زندگی با عالمی زاهد را با خود به

۱- روح الله حسینیان، ستاره صبح انقلاب، چاپ اول، ۱۳۷۹، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صص ۱۳ و ۱۴.

خانه بخت آورد؛ خانه ای که زهد، زینت آن بود. این خانم تا آخر عمر همسرش هیچ گاه از سادگی زندگی و کوچکی خانه زبان به شکایت نگشود.

زندگی آقامصطفی از ابتدا با سادگی آغاز شد و این ساده زیستی و بی آلایشی تا پایان عمر وی ادامه یافت. حاصل این ازدواج، چهار فرزند بود؛ اولین آن ها یک دختر بود که مننثیت گرفت و از دنیا رفت. دو فرزند دیگر آن شهید که یکی پسر و دیگری دختر است، اکنون از یادگارهای او هستند. آخرین فرزندش، در جریان حمله وحشیانه نیروهای ساواک به خانه و دستگیری وی برای تبعید کردن به ترکیه، سقط و شهید شد. (۱)

۱- یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۳۱ و ۳۲؛ ستاره صبح انقلاب، صص ۲۰، ۲۱، ۶۲ و ۶۴.

فصل دوم: ویژگی های شخصیتی

اشاره

فصل دوم: ویژگی های شخصیتی

زیر فصل ها

۱. ویژگی های فردی

۲. ویژگی های خانوادگی

۳. ویژگی های اجتماعی

۱. ویژگی های فردی

اشاره

۱. ویژگی های فردی

زیر فصل ها

الف) هوش و استعداد

ب) جامعیت

ج) عبادت

د) ارادت عملی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

ه. (خودسازی و صفات پسندیده اخلاقی

و) دقت و پشتکار

ز) آزاداندیشی

ح) بهره گیری از فرصت ها

الف) هوش و استعداد

الف) هوش و استعداد

شهید حاج آقامصطفی خمینی رحمه الله از استعداد ذاتی شگفت انگیز، هوش سرشار و زیرکی و زرنگی ویژه ای برخوردار بود.

او در درک و فهم مطالب علمی به گونه ای با استعداد بود که در همان آغاز سخن و طرح درس، به اندیشه استاد پی می برد و آن را به ذهن می سپرد. پرسش ها و اشکال های مفیدی را مطرح می کرد که هم برای استاد و هم برای شاگردان، سرمایه تحقیق بود. همه کسانی که حاج آقامصطفی خمینی را از نزدیک می شناختند، به هوش سرشار و سرعت بالای درک و فهم وی به عنوان یکی از ویژگی های او اعتراف دارند. (۱) همین توانایی ها سبب شد که افزون بر دست یابی به مدارج عالی علمی و اجتهاد در جوانی، در دیگر امور زندگی نیز به موفقیت های چشمگیری دست یازد.

هوش، استعداد، کار و تلاش علمی حاج آقامصطفی در راه به دست آوردن دانش های گوناگون، او را به درجه ای از کمال علمی رساند که نه تنها بر دانش های رایج حوزه احاطه و چیرگی کامل یافت، بلکه در دیگر دانش ها نیز تخصص و مهارت کافی یافت و گنجینه دانش های بسیار گردید. او در دوران جوانی از چهره های برجسته علمی حوزه و در ردیف استادان مشهور بود.

۱- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، کوثر، چاپ دوم، ۱۳۷۳، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ج ۱، ص ۲۹۱؛ حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۳۵۸.

حاج آقامصطفی موصوف بود به جامعیت در علوم معقول و منقول، مانند عرفان، تفسیر، علم رجال، فقه، اصول و حتی بسیاری از علوم دیگر که در حوزه های علمیه قم و نجف مطرح نبود. (۱) او افزون بر جامعیت در علم و دانش، ویژگی های پسندیده اخلاقی، عرفانی، اجتماعی و سیاسی و... را نیز دارا بود. ممکن است افراد با استعداد و باهوش در دانش های گوناگون به مرحله اجتهاد برسند، ولی دانشمندی که با فراگیری همه این دانش ها، تخصص ها، فضایل و کمال ها، در مسایل اجتماعی و سیاسی، پیشگام و از تیزبینی و توان تحلیل قوی بهره مند باشد و در میدان مبارزه، با شجاعت، پرچم اسلام را پیشاپیش امت اسلامی بر دوش کشد، کم است.

ج) عبادت

ج) عبادت

از ویژگی های حاج آقامصطفی خمینی، عبادت فراوان، شب زنده داری و راز و نیاز نیمه شب به بارگاه پروردگار بود. هیچ کس ندیده است که او سحر خیزی اش را حتی در شرایط دشوار ترک کرده باشد؛ همسر او از رابطه شبانه وی با خدا چنین یاد کرده است: «همیشه شب ها بیدار بود و تا صبح به دعا و نیایش می پرداخت و من اکثراً صدای او را که با صدای بلند گریه می کرد، می شنیدم». (۲)

۱- علی ربانی خلخالی، شهدای روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر، چاپ دوم، قم، انتشارات مکتب الحسین علیه السلام، ص ۲۶۱؛ واحد پژوهش های تاریخی بنیاد انقلاب اسلامی و نشر ذر، راز توفان، چاپ اول، ۱۳۷۶، تهران، چاپ آزاده، نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ص ۳۴۰.

۲- یادها و یادمان ها، ج ۲، ص ۴۰۱؛ ستاره صبح انقلاب، ص ۸۶.

این ها، اعمال معمولی وی بود. در روزهای ویژه بیش تر عبادت می کرد. در ماه مبارک رمضان، نیمه های شب به حرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام می رفت و زیارت جامعه کبیره و زیارت های ویژه و هزار بار سوره مبارکه «قدر» را می خواند و تا سحر به شب زنده داری و مناجات مشغول بود. در دهه سوم ماه مبارک رمضان در مسجد کوفه معتکف می شد و به عبادت می پرداخت. حاج آقامصطفی با قرآن انس فراوان داشت، نماز شب می خواند و همیشه در حال ذکر بود. (۱)

او دو بار به حج مشرف شد و خانه خدا را زیارت کرد. وی عارفی بلندمرتبه بود که برای رسیدن به معبود، به طریقت و سیروسلوک متعقد بود و شریعت را سخت پاس می داشت؛ به نماز بسیار علاقه مند بود و هنگام نماز، شادی و سرور در چهره اش نمایان؛ به نماز جماعت بسیار اهمیت می داد؛ به گونه ای که در گرما گرم دوران مبارزه با رژیم هرگاه کارهایشان به درازا می کشید، به دوستانش چنین یادآور می شد: «بلند شوید و اول وقت نماز بخوانید، سپس به کار ادامه دهید». (۲)

(د) ارادت عملی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

(د) ارادت عملی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

حاج آقامصطفی به پیامبر اسلام و اهل بیت او عشق می ورزید و هرگاه فرصت می یافت به زیارت آن بزرگواران علیهم السلام می شتافت.

او در قم و حتی در دوره اوج فعالیت های سیاسی بسیار به زیارت حضرت

۱- یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۱۵۱-۲۰۲؛ راز توفان، ص ۳۴۴؛ ستاره صبح انقلاب، صص ۸۶، ۸۷، ۸۹.

۲- نک: ستاره صبح انقلاب، صص ۸۹، ۹۰ و ۹۶.

معصومه علیها السلام می رفت. (۱) حاج آقامصطفی رحمه الله در طول عمر با برکت خود، دوبار به حج مشرف شد (۲) و علاوه بر زیارت خانه خدا به زیارت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه بقیع علیهم السلام رفت و عشق خود را به آنان اظهار کرد.

او در عراق نیز به زیارت امامان معصوم علیهم السلام می رفت و به آنان ابراز علاقه می کرد. در ماه مبارک رمضان وی نیمه های شب به حرم امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام می رفت و به زیارت و عبادت می پرداخت.

او به همه معصومان علیهم السلام عشق می ورزید و در هر فرصتی به زیارت آنان می شتافت، ولی عشق او به امام حسین علیه السلام در اوج بود و سالی چند بار مسافت یکصد کیلومتری نجف تا کربلا را با پای پیاده می پیمود.

حاج آقامصطفی در طول اقامت در نجف، در مناسبت های زیارتی حضرت سیدالشهدا علیه السلام مانند ایام محرم، اربعین، عرفه، رجب و شعبان، همیشه عاشقانه و پیاده، پیشگام کاروان، چه در گرمای طاقت فرسای تابستان و چه در سوز سرمای زمستان، به کربلا می رفت. هنگام رفتن سراپای وجودش معرفت بود و یاد خدا را در دل ها زنده می کرد؛ او پیشاپیش کاروان می رفت و دوستان پشت سرش. به درخواست وی یکی از همسفران گاه مرثیه می خواند و گاه دعا و زیارتی. کاروان غرق معنویت بود؛ رهگذران وقتی آن چهره نورانی و صورت زیبای ملکوتی و آن اندام رشید را می دیدند که عارفانه با پای برهنه بر شنزارهای بیابان، در لابه لای خارها، سخت در تکاپوست، می ایستادند و تا

۱- ستاره صبح انقلاب، ص ۴۱.

۲- ستاره صبح انقلاب، ص ۹۶.

دوردست با چشمانی حیران، آن سید عاشق را بدرقه می کردند. (۱)

حاج آقامصطفی با زیارت عاشورا، اُنسی ویژه داشت و آن را منشوری در برابر همه ستمگران تاریخ می دانست و جلوه گر شکوه شهادت (۲)؛ او در مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام شرکت می کرد و خود نیز هر صبح جمعه مجلس روضه ای داشت. (۳)

ه) خودسازی و صفات پسندیده اخلاقی

ه. (خودسازی و صفات پسندیده اخلاقی

حاج آقامصطفی به خودسازی و جهاد اکبر توجه زیادی داشت و از نظر روحی توانسته بود خود را بسازد و در خودسازی، زهد، تهذیب نفس، سیروسلوک و عرفان، موفقیت چشم گیری یافته بود. از شهرت طلبی و مقام پرستی به شدت دوری می جست و در هیچ جا «خود» را مطرح نمی کرد.

او زاهدانه می زیست و از رفاه و لذت های دنیوی چشم می پوشید و اجازه نمی داد نفس کام جو، او را به تن پروری عادت دهد. زهد، زینت زندگی اش بود و این ویژگی هیچ گاه در طول زندگی وی، دستخوش دگرگونی نشد.

او پیشانی اش از جای مهر، قالب گرفته بود؛ زیرا بیش تر شب ها تا صبح به عبادت می پرداخت. چهره ای شاد و رفتاری متواضعانه داشت؛ با طلاب و همسفران خود خاکی و خوش صحبت بود و چنان با همراهان مأنوس می شد که هیچ کس تشخیص نمی داد او کیست. اهل تکبر نبود؛ هنگام احوال پرسی

۱- ستاره صبح انقلاب، صص ۸۶، ۸۷ و ۸۸.

۲- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۱۸۴.

۳- یادها و یادمان ها، ج ۱، ص ۳۵۵.

همیشه تبسمی بر لب داشت و در مجلس وی، کسی جرأت نمی کرد غیبت، تهمت یا اهانتی مطرح کند، اگر هم کسی چیزی می گفت، تذکر می داد و به شکلی از آن جلوگیری می کرد. ساده زیستی، بی آلاچی، بی پیرایگی، فروتنی، مهربانی، باصفایی، وفاداری، فداکاری، شکیبایی، پایداری، شهامت و شجاعت برخی دیگر از صفات پسندیده اخلاقی وی بود.

او با پدر و مادر، خویشاوندان و دوستان، مهربان بود و به آن ها احترام می گذاشت. به خانه خویشاوندان می رفت و از مشکلاتشان می پرسید تا به آن ها کمک کند؛ در برابر آنان احساس مسؤولیت می کرد، البته احساس مسؤولیت در حاج آقا مصطفی به روشنی در تمام امور زندگی اش از درس خواندن گرفته تا امور اجتماعی دیده می شد. (۱) او افزون بر فراگیری دانش، رسالت خود را در وراثت پیامبران علیهم السلام، نجات انسان های مظلوم، محروم و نادان، مبارزه با ستم گری حاکمان، برپایی حکومت الهی و جامعه اسلامی می جست.

او در کنار پدر، مقاوم و استوار ایستاد و از آن همه آزار رژیم پهلوی، خم به ابرو نیاورد؛ با لبخندش، دوستان و مبارزان را راسخ می ساخت و دشمنان را خُرد و خوار. مردانگی، خستگی ناپذیری، استواری و شجاعت او در برابر ناگواری ها و نرمش و فروتنی وی در برابر خلق خدا، ریشه در ذکرهای درونی، سیرروحي و زمزمه سحری او داشت؛ چون وی ولایت مدار و شیفته

آل رسول صلی الله علیه و آله وسلم بود. (۱)

(و) دقت و پشتکار

(و) دقت و پشتکار

حاج آقا مصطفی در هر زمینه ای گامی نهاد، از همان آغاز، دقت و پشتکار را به همراه داشت و یکی از دلایل موفقیت و پیشرفت او در زمینه های گوناگون، همین دقت و پشتکارش بود.

استاد شهید رحمه الله دانش پژوهی بود که رمز موفقیت را از همان آغاز دانش اندوزی، در دقت و پشتکار یافته بود؛ او با وجود برخورداری از هوش و استعداد ذاتی از کوشش و تلاش علمی هیچ گاه نکاست و سرانجام به درجه ای بالا از دانش و کمال دست یافت. (۲)

شهید محلاتی رحمه الله در این باره گفته است: «... [حاج آقا مصطفی رحمه الله] گاهی اوقات یک هفته از منزل بیرون نمی آمد و یک رشته علمی را دنبال می کرد...». (۳)

(ز) آزاداندیشی

(ز) آزاداندیشی

آزاداندیشی نعمتی الهی است که هر کس این ویژگی را داشته باشد، از اندیشه ای سالم برخوردار است و در هر انتخابی می تواند بهترین ها را برگزیند. آزاداندیشی در انتخاب بهترین دین، بهترین دانش، بهترین راه، بهترین هدف، بهترین همسر، بهترین دوست و در دیگر انتخاب ها، به انسان کمک می کند.

۱- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۱۸۴.

۲- کمیته علمی کنگره شهید آیت الله سید مصطفی خمینی، مجموعه مقالات، کنگره شهید آیت الله سید مصطفی خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۷، تهران، چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر، نشر شاهد، ص ۵۸؛ حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، صص ۳۶۰ و ۳۶۱.

۳- روزنامه کیهان، ۱/۸/۱۳۶۱.

وی از دانشوران جوانی بود که چون از توانایی های علمی گسترده و خوبی برخوردار بود، از همان آغاز به آرای بزرگان با دیده نقد می نگریست و با پشتوانه دلیل و برهان، سخن و دیدگاه های خود را هر چند مخالف با نظر بزرگان بود، ابراز می کرد. (۱)

ح) بهره گیری از فرصت ها

ح) بهره گیری از فرصت ها

کسانی که از لحظه لحظه عمر به شایستگی بهره می برند، دیر یا زود به هدف می رسند و فرشته پیروزی را در آغوش می گیرند؛ بدین جهت پیشوایان دین، بارها و بارها غنیمت شمردن فرصت ها را به پیروان خویش سفارش کرده اند. شهید حاج آقامصطفی خمینی رحمه الله این رمز موفقیت را خیلی زود شناخت و با تلاش فراوان از کم ترین فرصت، بیش ترین بهره ها را برد. از این رو، چراغ در دست، به دنبال دانش و حکمت گشت و هر جا دانشمندی یافت، از خرمن دانش و فضل او توشه بر گرفت. به طور کلی، او بر اوقات خویش بسیار حریص و سختگیر بود. او نه تنها از فرصت های عادی کمال استفاده را می برد، بلکه به هنگام گرفتاری و سختی، حتی در زندان یا تبعید، می کوشید از هدف باز نماند و اوقات گران بهایش بیهوده هدر نرود. (۲)

۲. ویژگی های خانوادگی

۲. ویژگی های خانوادگی

شهید حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله در خانه علم و تقوا، جهاد و اجتهاد دیده به جهان گشود و در کانون گرم خانواده ای با ایمان، پاکدامن، مهربان و مذهبی که سیاستش از کالبد دیانتش سرچشمه می گرفت، رشد کرد. او در

۱- مجموعه مقالات، ص ۵۹.

۲- مجموعه مقالات، صص ۵۷ و ۵۸؛ حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، صص ۳۵۹ و ۳۶۰.

دامن راستی و درستی پرورش یافت و در آغوش حماسه و غیرت دینی قد کشید. تکلیف مداری، دلاوری و پایداری پدر در پاسداری از احکام و قوانین دینی، از او جوانی شجاع، بی آرایش، هوشیار و دین مدار ساخت. اخلاق، پند و نظم پولادین پدر، لحظه های عمر او را بارور کرد و آه ها و آوای شبانه اش، او را تا ملکوت، اوج داد؛ پدری که خود در اوج بود و دشمن را بر موج می نشاند و سرانجام به توفیق و اراده الهی، ستمگران را از کاخ بر خاک افکند.

حاج آقامصطفی در کنار امام خمینی رحمه الله همانند ستاره ای در کنار ماه در شبی مهتابی بود. او به پدر عشق می ورزید و به وی احترام می گذاشت و نسبت به امام رحمه الله مهربان، غمخوار، حامی، یار، یاور، مشاور، هم نشین و هم صحبت بود.

او با همه افراد خانواده خود مهربان بود و به آن ها احترام می گذاشت. در مقابل، وی نیز مورد علاقه و احترام خانواده بود. خواهر حاج آقامصطفی، خانم فریده مصطفوی از جایگاه خانوادگی وی چنین یاد کرده است:

اخوی شهیدم، اولین فرزند پسر حضرت امام رحمه الله و مورد علاقه شدید پدر و مادر بود... ایشان به عنوان اولین فرزند و تا سال ها بعد، تنها پسر، تحت تربیت مستقیم امام رحمه الله قرار گرفت، تا آن جا که بر درس و تحصیل، رفت و آمد و دوستانش نظارت مستقیم داشتند... رفتارشان با ما خواهران در کمال محبت بود، ولی ما در عین علاقه، از ایشان حساب می بردیم... با اعضای خانواده گرم و صمیمی بود... به مادرمان علاقه زیادی داشت... نسبت به خانواده و فرزندان، زیاد اظهار علاقه می کرد و در عین حال، در تربیت ایشان می کوشید....

حضرت امام رحمه الله را تنها نمی گذاشت... ایشان فرزند، دوست و حامی امام

و بسیار مراقب حال ایشان بودند... برای ایشان، امام رحمه الله هم رهبر و مرجع و هم پدر بودند. روابطشان با امام رحمه الله خیلی صمیمی بود. برای امام رحمه الله احترام بسیار قایل بودند و امام رحمه الله هم متقابلاً چنین حالتی داشتند... ما همیشه می گفتیم خوشا به حالش که این اندازه قدر پدر و مادر را می داند. ایشان با خانواده اش هم خیلی مهربان و صمیمی بود... (۱)

۳. ویژگی های اجتماعی

اشاره

۳. ویژگی های اجتماعی

شهید حاج آقامصطفی رحمه الله در جامعه به عنوان دانشمندی روحانی و سید، محترم، باوقار، باادب، خوش اخلاق، مهربان، فروتن و دوست داشتنی شناخته شده بود. او به صله رحم مقید بود و آداب معاشرت را رعایت می کرد. با مجتهدان و استادان هم نشین می شد و با آنان در کمال احترام و ادب، سخن می گفت. به عیادت بیماران می شتافت و در کمک به نیازمندان پیشگام بود. این چنین بود که اکنون استادان، دوستان و شاگردان او، از وی به نیکی یاد می کنند.

الف) خوش رفتاری

الف) خوش رفتاری

حاج آقامصطفی با مراجع، استادان، دوستان، خانواده، همسایگان و هم سفران و... بسیار خوش برخورد بود و همیشه تبسمی بر لب داشت. در سلام دادن پیشی می گرفت و در جلسه ها بامتانت، وقار و ابهت شرکت می کرد. خوشرو، مهمان نواز، مهربان، با ادب، باصفا و صمیمی بود. به دیدار خویشاوندان، دوستان و آشنایان می رفت و با آنان با محبت و احترام رفتار می کرد. در عیادت بیماران درنگ نمی کرد. در پیشگاه امام خمینی رحمه الله با محبت

و با ادب بود و از وی اطاعت می کرد. (۱)

او با علما و مجتهدانی مانند: آیت الله العظمی خویی رحمه الله، آیت الله العظمی حکیم رحمه الله، آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله، آیت الله العظمی شاهرودی رحمه الله، آیت الله حائری رحمه الله و آیت الله سبحانی ارتباط داشت و هر چند خود از جهت علمی پیشرفت قابل توجهی کرده بود، همیشه در برابر آنان، روحیه شاگردی و حالت فروتنی خود را حفظ می کرد. (۲)

حاج آقامصطفی در حوزه نجف به عنوان یک مجتهد، مشهور بود، ولی وقتی همراه استادش از اتاق خارج می شد، زودتر می دوید و کفش استاد را جفت می کرد؛ او دست استادانش را می بوسید و هرچه از لحاظ علمی رشد می کرد، مردمی تر می شد.

برخورد او به گونه ای بود که هیچ کس با او احساس غریبی نمی کرد. با عرب زبانان نیز رابطه و گفت و گو داشت، چه روحانی، چه غیر روحانی. با نژادهای دیگر مانند لبنانی ها، سوری ها، مصریان، سعودی ها، افغانان، هندی ها و پاکستانی ها هم رابطه برقرار کرد. وقتی کسی به او مراجعه می کرد و مطلب علمی می پرسید، با حوصله و وقار به او پاسخ می داد و گاهی، مدتی طولانی با وی به صحبت می نشست. (۳)

۱- یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۲۳۲ و ۲۳۳؛ ستاره صبح انقلاب، ص ۱۹.

۲- ستاره صبح انقلاب، صص ۸۳ - ۸۵.

۳- ستاره صبح انقلاب، صص ۸۳ - ۸۵.

(ب) مهربانی و فروتنی**(ب) مهربانی و فروتنی**

از ویژگی های دیگر حاج آقامصطفی خمینی، مهربانی و فروتنی وی نسبت به علما، استادان، دوستان، همسایگان، همسفران و خانواده بود. او همیشه با مردم به گونه ای محبت آمیز رفتار می کرد، ولی در برابر افراد زورگو، ستمگر، متکبر، مغرور و دشمنان اسلام فروتنی نداشت و حتی حاضر نبود یک لحظه با آنان معاشرت داشته باشد. (۱)

(ج) کمک به دیگران**(ج) کمک به دیگران**

دستگیری از نیازمندان و پشتیبانی از محرومان و مظلومان، از جمله ویژگی های حاج آقامصطفی خمینی بود. او به پیروی از امامان معصوم علیهم السلام این اخلاق نیک را فراموش نمی کرد و برطرف کردن نیاز دیگران و شاد ساختن دل آنان را موجب خشنودی پروردگار می دانست؛ از این رو در کمک رساندن به خویشاوندان، دوستان، همسایگان و آشنایان کوتاهی نمی ورزید. (۲)

خانم فریده مصطفوی، خواهر حاج آقامصطفی، از این ویژگی وی چنین یاد کرده است:

نسبت به همسایه ها هم بسیار مهربان بود. هر وقت به مسافرت می رفتند، به منزل آن ها سرکشی می کرد و در غیاب بزرگ خانواده، خانواده خود را می فرستاد تا اگر مشکلی دارند، حل کند. هرکدام از دوستان حاج آقامصطفی رحمه الله که معمولاً همسن و سال ایشان بودند، دچار گرفتاری می شدند، به ایشان مراجعه می کردند و او هم مضایقه نمی کرد.

۱- ستاره صبح انقلاب، صص ۱۹، ۸۴؛ یادها و یادمان ها، ج ۲، ص ۱۵۱.

۲- یادها و یادمان ها، ص ۳۳۷.

وظیفه شناس بود، نسبت به دیگران احساس وظیفه می کرد؛ گویا تعهدی داشت که باید به مردم کمک کند....(۱)

(د) پیوند با توده مردم

(د) پیوند با توده مردم

حاج آقامصطفی با توده مردم ارتباط داشت و خود را تافته جدا بافته نمی دانست و بر اثر اخلاق نیک خود، در میان مردم، از احترام و محبوبیت ویژه ای برخوردار بود.

فروتنی و تواضع حاج آقا مصطفی، موجب علاقه مندی طبقات مختلف مردم نسبت به وی بود. برای او عرب و عجم فرق نمی کرد؛ حتی عرب ها و کاسب های نجف می آمدند و با وی احوال پرسی می کردند و اگر پرسشی داشتند، مطرح می کردند.

او گاهی به صحن و حرم مطهر امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام می رفت، عبا را پهن می کرد و با طلاب و مردم هم نشین و هم صحبت می شد. وقتی برای زیارت به کربلا مشرف می شد، در مراسم شادی و عزای عرب های نجفی و کربلایی شرکت می کرد.

حاج آقامصطفی سالی چهار یا پنج بار در موسم زیارتی امام حسین علیه السلام مانند ماه شعبان و محرم، مسافت میان نجف و کربلا را که ده ها روستا در مسیر آن بود، پیاده می پیمود. در این مسیر روستاییان شیفته اخلاق و رفتار حاج آقامصطفی رحمه الله می شدند و هرگاه به نجف می رفتند، به دیدار او هم شتافتند

ایرانی‌هایی که به عراق می‌رفتند و هم‌چنین بسیاری از عراقی‌ها، لبنانی‌ها، سوری‌ها، پاکستانی‌ها و افغانی‌هایی که مقلد امام خمینی رحمه الله بودند، در نجف علاوه بر دیدار با امام خمینی رحمه الله، با حاج آقا مصطفی نیز دیدار و گفت‌وگو داشتند و گاهی به واسطه دوستی با او، به مقام والای امام خمینی رحمه الله پی می‌بردند و دوستدار و مقلد وی می‌شدند. (۱)

فصل سوم: شخصیت علمی

اشاره

فصل سوم: شخصیت علمی

از همان کودکی، آثار بزرگواری در چهره حاج آقا مصطفی هویدا بود^(۱) و استعدادهای خدادادی او در پرتو هدایت های امام خمینی رحمه الله، یکی پس از دیگری می شکفت. افزون بر نقش اساسی پدر، ویژگی های ذاتی، تحقیق و مطالعه گسترده و کوشش همیشگی خود حاج آقامصطفی، زمینه را برای رشد و پیشرفت علمی وی فراهم ساخت؛ به گونه ای که او در همان جوانی، به مقام اجتهاد، فضایل اخلاقی و کمالات معنوی آراسته شد.

۱. آغاز تحصیلات

۱. آغاز تحصیلات

حاج آقا مصطفی خمینی از شش سالگی روانه مکتب شد و در هفت سالگی به دبستان رفت. او تحصیلات ابتدایی را تا کلاس پنجم در مدرسه های باقریه و سنایی در شهر مقدس قم به پایان رساند.

علاقه فراوان حاج آقامصطفی به اسلام و روحانیت به همراه تشویق و راهنمایی های پدر بزرگوار و دوستان دلسوزش، او را به پیوستن به صف طلاب حوزه و قرار گرفتن در ردیف سربازان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف واداشت؛ از این رو، رشته دانش حوزوی را برگزید و تحصیلات طلبگی را آغاز نمود و برگ مهمی در زندگی وی ورق خورد.^(۲)

۱- مجموعه مقالات، ص ۵۳.

۲- نک: ستاره صبح انقلاب، صص ۱۴، ۳۰؛ شهدای روحانیت شیعه، ص ۲۶۱.

۲. تحصیلات حوزوی

۲. تحصیلات حوزوی

حاج آقامصطفی خمینی از پانزده سالگی به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. (۱) او ابتدا نزد امام خمینی رحمه الله درس خواند و پس از چند سال به مدرسه فیضیه رفت و در درس های معقول و منقول دیگر استادان شرکت جست. (۲) تلاش و پشتکار و استعداد ذاتی او سبب شد علوم مقدماتی را در کم ترین زمان ممکن فراگیرد.

حاج آقا مصطفی در هفده سالگی معمم شد. امام خمینی رحمه الله در جشن عمامه گذاری او، عده ای از دوستان را دعوت کرد و با تشریفات و دعاها و ویژه، عمامه بر سر وی نهاد. او شاد و مسرور، با همان لباس مقدس روحانیت از مهمان ها پذیرایی کرد و دوستان به وی تبریک گفتند؛ آن روز برای حاج آقامصطفی و افراد آن مجلس، به خاطره ای جالب و شیرین تبدیل شد. (۳) او سطح عالی را از استادان برجسته حوزه علمیه قم فرا گرفت و در ۲۲ سالگی دوره سطح عالی را به پایان رساند و دوره تخصصی اصول و فقه (دوره خارج) را آغاز کرد. در خارج فقه، از مجتهدان آن زمان، مانند: آیت الله العظمی حجت رحمه الله، آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله و... و در اصول، از حوزه درس امام خمینی رحمه الله بهره برد. وی پس از رحلت آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله در حوزه درس فقه امام خمینی

۱- مجموعه مقالات، ص ۱۰۱؛ حوزه، ش ۸۱ - ۸۲، ص ۳۵۶.

۲- نک: یادها و یادمان ها، ج ۲، ص ۳۷۶.

۳- نک: یادها و یادمان، ج ۱، ص ۳۰؛ و ج ۲، ص ۳۷۶.

رحمه الله شرکت کرد و با تلاش پی گیر در فراگیری دانش، پس از اندکی، به مقام بالای اجتهاد رسید. وی در کنار فراگیری دانش فقه و اصول از دانش های دیگر همچون تفسیر، عرفان، کلام، فلسفه، تاریخ، رجال، درایه، نجوم و هیئت و... نیز غافل نبود.

روح کاوشگر و دانش پژوه وی، او را بر آن داشت تا از هر دانشی خوشه ای برچیند که در این امر بسیار موفق بود؛ از این رو، در دانش های گوناگون حوزوی تخصص داشت و هنوز سی سال از عمر شریفش نگذشته بود که جامع علوم معقول و منقول شد.

حاج آقامصطفی دانشجویی را منحصر به درس های رایج حوزه نمی دانست و بدان بسنده نمی کرد، بلکه در علوم غیرحوزوی نیز با ژرف نگری و دقت کافی به مطالعه و مباحثه می پرداخت.

زمانی که در نجف اشرف سکونت اجباری گزید، با این که خود را از حضور در حوزه درس استادان بزرگ نجف بی نیاز می دید، در حلقه درس آنان حضور می یافت. او می خواست با حضور خود در درس بزرگان، علاوه بر استفاده از شیوه تدریس، از مبانی علمی و نکات قوت و کاستی احتمالی آن ها نیز آگاهی یابد. پس به مباحث مطرح شده از سوی استادان به دیده نقد می نگریست که دستاورد برخی از آن درس ها، به صورت جزوه ارزشمندی با عنوان «دروس الاعلام النجف الاشرف» در بین آثار آن شهید به چشم می خورد.^(۱)

۱- نک: حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۳۵۶، ۳۵۷؛ مجموعه مقالات، صص ۵۳ و ۵۴؛ شهدای روحانیت شیعه، ص ۲۶۱.

۳. مقام علمی**۳. مقام علمی**

شهید حاج آقامصطفی خمینی به توفیق خداوند و با بهره‌گیری از هوش و استعداد سرشار خود، محیط علمی و معنوی خانواده و با کوشش علمی فراوان و مطالعه و تحقیق گسترده، توانست در دوران جوانی به تخصص در دانش‌های مختلف حوزوی، مدارج بالای علمی و مقام والای اجتهاد دست یابد و آثار ارزشمندی در علوم گوناگون از جمله فقه، اصول، تفسیر و فلسفه و... از خود به یادگار بگذارد.

او در حوزه علمیه قم و هم‌چنین حوزه علمیه نجف اشرف به عنوان یک چهره برجسته علمی، مدرّس و مجتهد، مشهور بود. علما و روحانیان ایران و عراق به شخصیت معنوی و علمی و مبارزاتی وی احترام می‌گذاشتند و به آینده‌ی امیدها بسته بودند. (۱)

شهید حاج آقامصطفی رحمه الله درباره مقام اجتهاد خود چنین توضیح داده است:

در دوران عمرم فقط چند سالی پس از رسیدن به سن بلوغ، تقلید کردم و خیلی زود به درجه اجتهاد رسیدم و از تقلید بی‌نیاز شدم. (۲)

- ۱- نک: شهدای روحانیت شیعه، ص ۲۶۱؛ علی بّری دیزجی، محمد رضا مطیعیان، مجید ترکاشوند، روزها و رویدادها، چاپ اول، ۱۳۷۷، چاپ مرکز خدمات فرهنگی، انتشارات زهد، ج ۳، ص ۱۲۱؛ گروه تاریخ دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، تاریخ ایران در دوران معاصر، ۱۳۷۳، تهران، چاپ شرکت افست «سهامی عام»، شرکت چاپ و نشر ایران، ص ۲۰۵.
- ۲- یادها و یادمان‌ها، ج ۱، ص ۲۰۰.

مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه ای _ «دام ظلّه» _ از شخصیت علمی حاج آقامصطفی در حوزه علمیه چنین یاد کرده است: بنده ایشان را به عنوان یک چهره برجسته حوزه علمیه قم از سال های قبل می شناختم. وقتی به قم رفته بودیم، در درس فقه و اصول امام، ممتازترین کسی که بر طبق سنت و شیوه درس های حوزه علمیه، گستاخانه با امام از مباحث علمی دم می زد و اشکال می کرد، او بود. (۱)

آیت الله فاضل لنکرانی _ «دام ظلّه» _ درباره فضیلت علمی حاج آقامصطفی خاطرنشان ساخته است:

... از نظر فضیلت علمی به نظر من، سالیان دراز بود که مرحوم حاج آقامصطفی رحمه الله یک مجتهد مسلم کامل و صاحب نظر در فقه، اصول، فلسفه، رجال، تفسیر و دیگر علوم اسلامی بود.... (۲)

۴. ویژگی های تدریس

۴. ویژگی های تدریس

استاد شهید رحمه الله با ژرف اندیشی، دقت نظر و برجستگی های ویژه ای که داشت، از ابتدای تحصیل، هر کتاب درسی را که فرا می گرفت، آمادگی تدریس آن را نیز داشت. بیش تر علوم مقدماتی، حتی دانش فلسفه را پس از فراگیری، در همان ایام جوانی تدریس کرده بود.

او در سال ۱۳۴۰ ه. ش، در مدرسه حجّتیّه قم، تدریس حکمت برپاداشت و افزون بر تدریس شرح منظومه در مسجد محمدیه قم، اسفار اربعه ملاصدرای

۱- روزنامه اطلاعات، ش ۱۸۸۸۰، ۱/۸/۱۳۶۸.

۲- مجموعه مقالات، ص ۵۶؛ حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، صص ۳۵۸ و ۳۵۹.

شیرازی را نیز به طور خصوصی برای چند نفر تدریس می کرد. حاج آقامصطفی رحمه الله در حوزه علمیه قم از استادان موفق به شمار می آمد و درس وی مورد پسند فضلالی بسیاری بود.

مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه ای _ «دام ظلّه» _ از چهره علمی و حوزوی و مقام استادی حاج آقامصطفی رحمه الله چنین یاد کرده است:

... او یک مدرّس معروف بود. فلسفه درس می داد، فقه درس می داد و به عنوان یک چهره برجسته در میان طلاب حوزه و فضلا و مدرسین، معروف بود....(۱)

وقتی توفیق اجباری حضور در حوزه علمیه کهن نجف اشرف نصیب وی شد، با وجود سن کم، در آن حوزه نیرومند به تدریس پرداخت. پس از اندکی، خوش درخشید و حوزه درس بارونقی بنیان نهاد و شاگردان بسیاری دور وی حلقه زدند و از خرمن دانش او فیض بردند.

حاج آقامصطفی از سال ۱۳۴۶ ه. ش، به درخواست عده ای از طلاب و فضلالی نجف، تدریس خارج اصول را آغاز کرد و تا پایان عمر شریف و با برکت خویش، به مدت ده سال یک دوره اصول فقه را با سبک تخصصی جدید، تدریس کرد که دستاورد آن، چند جلد کتاب «تحریرات فی الاصول» بود که مورد استفاده طلاب، فضلا و علمای حوزه های علمیه است.(۲)

استاد با بیانی زیبا و شیوا، ژرف و روان و با احاطه کافی بر دیدگاه های پ

۱- مجموعه مقالات، ص ۵۶؛ حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، صص ۳۵۸ و ۳۵۹.

۲- نک: حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۳۶۲؛ مجموعه مقالات، صص ۶۰ و ۶۱.

یشگامان دانش و با دسته بندی مطالب اصلی به صورت مختصر و مفید، نغز و پر مغز، درس را ارائه می داد. برخی نکته هایی که او در جلسه های درس رعایت می کرد، عبارت بودند از:

۱. تعیین موضوع مورد بحث؛
۲. تحقیق و پژوهش گسترده پیش از بیان درس؛
۳. طرح دیدگاه های امام خمینی رحمه الله ؛
۴. واقع نگری و تطبیق مسایل با واقعیت های جامعه؛
۵. سفارش به خودسازی و تهذیب نفس پیش از آغاز درس. (۱)

۵. استادان

۵. استادان

برخی از استادان حاج آقا مصطفی در حوزه علمیه قم را می توان چنین بر شمرد:

۱. آیت الله العظمی امام خمینی رحمه الله : فلسفه، کلام، حکمت، خارج فقه و اصول.
۲. آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله : خارج فقه.
۳. آیت الله العظمی حُجَّت رحمه الله : خارج فقه.
۴. آیت الله العظمی داماد رحمه الله : خارج فقه.
۵. علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله : فلسفه و کلام.
۶. آیت الله سلطانی طباطبایی رحمه الله : فقه و اصول.
۷. آیت الله شهید صدوقی رحمه الله : فقه و اصول.

۸. آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری رحمه الله : مکاسب شیخ انصاری رحمه الله.

۹. آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی: بخشی از ادبیات و لمعه دمشقیه.

۱۰. سید ابوالحسن رفیعی قزوینی: فلسفه و حکمت. (۱)

نام برخی از استادان او در حوزه علمیه نجف اشرف از این قرار بوده است:

۱۱. آیت الله العظمی امام خمینی رحمه الله : خارج فقه.

۱۲. آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی رحمه الله : خارج اصول.

۱۳. آیت الله العظمی سید محسن حکیم رحمه الله : خارج فقه.

۱۴. آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی رحمه الله : خارج اصول.

۱۵. آیت الله بجنوردی. (۲)

۶. شاگردان

۶. شاگردان

حاج آقامصطفی از آغاز جوانی به امر تدریس و پرورش نیروی علمی و معنوی اهمیت می داد و به اعتراف بسیاری از بزرگان، در شمار استادان موفق زمان خود بود. فضلا و دانش پژوهان بسیاری در حوزه های علمیه قم و نجف اشرف از کلاس درس اصول، فقه و فلسفه او بهره برده اند که نام برخی از آنان به شرح زیر است:

۱. سید محمد سجادی: محقق و مصحح آثار خطی حاج آقا مصطفی (اصول و تفسیر).

۱- نک: مجموعه مقالات، ص ۵۳؛ حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، صص ۲۳۳، ۳۵۶ و ۳۵۷؛ ستاره صبح انقلاب، صص ۱۴، ۱۵ و ۳۰؛ شهدای روحانیت شیعه، ص ۲۶۱.

۲- راز توفان، ص ۳۳۴؛ ستاره صبح انقلاب، صص ۸۰، ۸۱؛ حوزه، ش ۸۲ _ ۸۱، صص ۲۷۳، ۳۷۴؛ مجموعه مقالات، ص ۵۴.

۲. حجت الاسلام و المسلمین شیخ ابراهیم فاضل فردوسی.
۳. حجت الاسلام و المسلمین حلیمی کاشانی.
۴. حجت الاسلام و المسلمین سید رضا برقی.
۵. حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد حکمت گنابادی.
۶. حجت الاسلام سید علی اکبر محتشمی.
۷. حجت الاسلام و المسلمین رازی زاده (علی پور): محقق و مصحح کتاب صدم استاد رحمه الله.
۸. حجت الاسلام و المسلمین امامی.
۹. حجت الاسلام و المسلمین سید احمد خمینی رحمه الله ؛ وی در زمانی که در ن_جف ب_ود، ح_دود چهار یا پنج ماه در حوزه درس اصول استاد شرکت کرد.(۱)

۷. آثار و نگاهته ها

۷. آثار و نگاهته ها

شهید حاج آقامصطفی خمینی رحمه الله، همگام با فراگیری دانش های گوناگون حوزه، دست به قلم برداشته بود و نکته های سودمند درسی، پژوهش های علمی و اندیشه های خود را می نگاشت. البته برخی از آثار او در هجوم وحشیانه دژخیمان ساواک به خانه امام خمینی رحمه الله همراه با حدود سه هزار جلد کتاب نفیس امام رحمه الله به غارت رفته است. مجموع آثاری که در قم، زندان، ترکیه و نجف اشرف از وی به جا مانده و از سوی خود او و نزدیکانش از آن یاد شده و در شمار نگاهته هایش در کتاب های مختلف به چشم می خورد، چهل و یک اثر است.

بیش تر آثار علمی به جا مانده از این استاد شهید به صورت خطی است و تنها سه عنوان از نگارش های استاد چاپ شده که عبارتند از: «تفسیر قرآن» در چهار جلد، «تحریرات فی الاصول» در سه جلد و «کتاب الصوم». دیگر آثار استاد چاپ نشده و در کتاب خانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله در قم برای حفظ و نگهداری از گزند حوادث روزگار، به امانت گذاشته شده است. البته کار تحقیق و تصحیح و آماده سازی آن ها برای چاپ، از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله در حال انجام است که به تدریج، چاپ و منتشر خواهد شد. (۱)

۸. معرفی برخی آثار

۸. معرفی برخی آثار

الف) تفسیر قرآن: در چهار جلد، به تحقیق و تصحیح آقای سید محمد سجادی؛ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است. این اثر، نتیجه پژوهش ها و ژرف اندیشی های گسترده استاد در ده سال است که به گونه ای جدید در سیر تفسیرنگاری فراوی علاقه مندان گذاشته شده است.

این تفسیر با خطبه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در وصف قرآن و تقدیم اثر به پیشگاه سیدالشهداء، امام حسین علیه السلام آغاز شده است. این اثر ارزشمند، سوره «حمد» و ۲۶ آیه از سوره «بقره» را دربردارد.

نویسنده با نگرشی فراگیر و بهره گیری از تخصص های گوناگون و دانش های رایج حوزه و سبک ها و برداشت های علمای تفسیر، به بحث

۱- نک: مجموعه مقالات، صص ۶۴ _ ۶۷؛ حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، صص ۳۶۳، ۳۶۴ و ۳۷۱.

پرداخته و در این اثر ناتمام، ردّ پای ماندگاری در دانش تفسیر و قرآن پژوهی از خود به یادگار گذاشته است. (۱)

ب) تحریرات فی الاصول: در سه جلد از سوی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است. جلد نخست در سال ۱۳۶۵ ه. ش، در ۵۶۱ صفحه به چاپ رسیده و جلد دوم و سوم در سال ۱۳۷۲ ه. ش، در ۶۴۵ و ۸۶۲ صفحه چاپ و منتشر شده است. این اثر دایره المعارف گونه در دانش اصول، در یازده مقصد سامان یافته است. (۲)

ج) کتاب الطهاره: این کتاب نخستین نگارش مستقل فقهی استاد، در فقه استدلالی و سرسلسله آثار فقهی گسترده در مسایل گوناگون، با عنوان کتاب کبیر است. (۳)

د) احکام الخلل فی الصلاه: این اثر ارزنده فقهی، به شیوه فقه استدلالی و به گونه ای مستقل، در باب خلل نماز نگارش یافته و بخش عمده مباحث خلل نماز را در یازده مسئله دربردارد. (۴)

ه) کتاب الصوم: این اثر به تصحیح محمد علی رازی از سوی انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، در ۲۳۳ صفحه به چاپ رسیده است. (۵)

و) الفوائد و العوائد: این اثر از یادداشت های پراکنده استاد در دانش های

۱- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، صص ۳۶۴ و ۳۶۵.

۲- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۳۶۶.

۳- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۳۶۸.

۴- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۳۶۸.

۵- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۳۷۰.

گوناگون مانند فقه، اصول، کلام، عرفان و... فراهم آمده است. نویسنده با روش فنی و در قالب اصطلاحات پیچیده علمی، پاره ای از دیدگاه‌هایی را که در دانش‌های یاد شده مطرح است، به بوته نقد و بررسی گزارده است؛ از جمله به مباحث سودمندی درباره معاد جسمانی، دعا و ثواب و عقاب اعمال پرداخته که مطالعه آن برای پژوهشگران و اهل نظر بسیار سودمند است. (۱)

ص: ۴۲

فصل چهارم: اندیشه ها

اشاره

فصل چهارم: اندیشه ها

همان گونه که خُرمی، شادابی، زیبایی و عطر گلستان ناشی از گل های آن است، پاکی، غیرتمندی، جوانمردی و خوبی انسان نیز از زیبایی، بی آلاچی، درستی و بلندی اندیشه ها و نیت های خالص و خدایسندانه اوست.

شهید حاج آقامصطفی خمینی رحمه الله، دانشی فراگیر و اندیشه ای ژرف و همه سونگر داشت. او با دقت و ژرف نگری خاص خود بسیاری از چشم اندازهای اندیشه دینی را برای فهم، تدریس و تبلیغ کاوید و با نگاهی عمیق به اُفق های گوناگون دانش، به سهم و توان خویش، در رشد و پرباری آن کوشید.

خانم معصومه حائری یزدی، همسر حاج آقا مصطفی درباره اندیشه های وی چنین گفته است:

او مردی بالا-تر از همه چیزهایی که شما فکر می کنید، بود. افکار او خیلی بالا- و بلند بود و یک جور دیگر فکر می کرد و بالاخره درک ایشان از مسایل طور دیگری بود....(۱)

۱. اندیشه کلامی

۱. اندیشه کلامی

با اندکی درنگ در مسایل کلامی مطرح شده از سوی حاج آقامصطفی در تفسیر قرآن، به آموزه ها، اصول، روشن فکری و اندیشه های کلامی وی می توان پی برد. این نگرش روشن می کند که اندیشه کلامی آن بزرگوار از مکتب ملاصدرا رحمه الله اثر پذیرفته و او براساس مبانی فکری و روش های پذیرفته شده در حکمت متعالیه اندیشیده و در مسایل به کاوش می پرداخته است. او در بحث های کلامی از قرآن، عرفان و برهان بهره جسته و با ابزار عقل و دل،

۱- یادها و یادمان ها، ج ۲، ص ۴۰۱.

وحی را کاویده و باورهای دینی را استوار ساخته است. او آیات و فهم قرآنی را اصل و محور قرار داده و یافته های دل را همانند یافته های عقل، اعتبار بخشیده و نه تنها بندگی را با خرد ورزی در ستیز ندیده، بلکه از نشاندن آن دو (بندگی و خرد ورزی) بر سفره گسترده قرآن غفلت نورزیده است. (۱)

۲. هدف نهایی از دانش اندوزی

۲. هدف نهایی از دانش اندوزی

این ره توشه اخلاقی که در ادامه تفسیر اولین آیه سوره مبارکه «حمد» آمده، یکی از ده ها پند و رهنمود اخلاقی و عرفانی است که در تفسیر ارزشمند، ژرف، پرمایه و ناتمام حاج آقا مصطفی آمده است؛ موعظه ها و پنجهایی که هر کدام، گوشه ای از سفرهای معنوی و جایگاه بلند عرفانی و اخلاقی وی را حکایت می کند:

ای برادر حقیقی ام و ای عزیزم! گول ژرف نگری ها و مسائل دقیقی که در این کتاب هاست، نخور و به درک کلیات و ظرایف علوم قانع مشو؛ چه با این همه، حمال معانی و مفاهیم و بارکش لطایف و ظرایف گردی. از اخبار و آثار، به ظواهر آن ها که خود حجاب و پوشش حقایق اند، بسنده مکن. آنچه وظیفه توست، آن است که در ربّی که تو را پرورید و از روی لطف و عنایت، ناخوشایندی ها را از تو بازداشت و نعمت هایش را بر تو فرو ریخت، تدبّر کنی.

دانش ها، فن ها، مسائل فکری و برتری هایی از این دست، مادامی که قلب تو را متحوّل و نورانی نکنند و اخلاق شایسته را در تو پدید نیاورند،

۱- نک: حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۲۳۶.

تاریکی و سیاهی اند که در مسیر آینده تو (دنیا، برزخ، قیامت و...) مایه سنگینی و بال تو خواهند بود....

... اگر شیفتگی و عشق درجانت پدید آمد، بر تو باد به فزونی آن تا در قلب تو غیر او هیچ نماند....

بکوش که همه وجودت در گرو خواسته امر و مصروف مقاصد او گردد. از مهم ترین خواسته های خداوند، اقدام و اهتمام به کارهای مسلمانان و هدایت بشر به راه راست است؛ پس تو هم در گسیل مردم و توجه آنان به آخرت و کوچک کردن دنیا نزد آنان و بزرگ کردن دینداری در دلشان، مظهر اسم «ربّ» باش که خداوند، یار و مددکار است. (۱)

۳. اندیشه فرهنگی

۳. اندیشه فرهنگی

شهید حاج آقامصطفی خمینی رحمه الله فرهنگ اسلام را برگزیده بود و آن را بهترین فرهنگ می دانست. او جهانیان را به دین اسلام که کامل ترین و بهترین دین ها و دارای بهترین فرهنگ هاست، هدایت و دعوت می کرد.

ایران و ایرانیان عنوانی است که می توان برای یکی از مقاله های دست نویس حاج آقا مصطفی نهاد؛ این مقاله درباره خطر تهاجم فرهنگی قبل از انقلاب و حاکی نگرانی، ناخرسندی و ناراحتی او از فرهنگ حاکم بر جامعه ایران آن زمان است. وی در این مقاله، ایرانیان را به گرایش بیش تر به فرهنگ اسلام و

۱- نک: حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، صص ۱۸۶ _ ۱۹۰؛ سید مصطفی خمینی، تفسیر القرآن الکریم، مرداد ۱۳۶۲، چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، ج ۱، صص ۳۱۱ _ ۳۱۳.

تشکیل حکومت اسلامی رهنمون می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

اکنون که ایران، زندان آزادگان، جوانان، بزرگ مردان، خردسالان و تبدیل [به] حبس و تبدیل به جهنم برای همگان شده و در این زمان که ایران مهد فحشا و منکر که عفت قلم شرم از بیان و گفتار آن را دارد و مهد برای تربیت دودمان پهلوی و رذل صفتان و این خاندان بی شرم و بی آبرو گشته و در این عصر که ایران چون جزیره شناور به دست این و آن و شرق و غرب، چپ [و] راست می باشد و در این وقت که چون عروسکی در دست بیرخویان و درندگان درآمده تا آن که ایران که مهد دلیران است و مَقَرَّ اسلام و شیعیان و خاصان از اولیای خداست، به کلی ویران شده و شمال و جنوب آن به دست مستعمران دور و نزدیک قسمت شده و اکنون که این کشور اسلام پرور و مؤمن دوست، چون گویی پیش پای دشمنان انسانیت و ضد خلق و این خانواده از خدا بی خبر است، محتاج به حرکتی نوین و جانبازی های با عقیده یقین و احتیاج شدید به فداکاری از هر جانب و هر سو و به هر کیفیت که در دست امکان است، می باشد.

ملت شریف ایران باید بهتر از پیش بداند که این زرق و برق و صورت سازی، دام جدید و گسترده به خاطرِ خاطره های شومی که استعمار در سر می پرورد، است؛ آنان خوب و بهتر از هر کس می دانند که اقتصاد کشور چه نوسانی را طی می کند. و ذخایر این ملک و ملت به دست چه کسانی و در کدام اسکله ای پهلوی می گیرد....

باید با سیر یک حکومت عادلانه، راه های صعب و سخت تر را پس از طرح و پی ریزی طی کنند و در جهت یک دولت عادلانه و گسترده که به خواست خدا بسیار نزدیک است، جنبش همه جانبه به خود گیرند و

در این روش، از هیچ کمک فکری و عملی به یکدیگر کوتاهی نکنند و خوب درک کنند که هیچ ملتی با سستی و خوش گذرانی و تن پروری به آینده نوین نرسیده و نمی بایست انتظار آن را داشت. از گذشته اسلام و گذشتگان خود پند گیرند....

... با کاغذ پاره هایی که به دست تاریخ سپرده می شود، دیگر نمی توان کاری پیش برد و عمل صحیحی انجام داد. با تحزب، تشکل و ایجاد کتابخانه ها و انجمن ها برای خُرد و ریز و درشت و محفل های بزرگ و کوچک ممکن است یک شبکه سرتاسری ساخت و یک جوش و خروش سروسامان دار به راه انداخت....

صدای خود و فریاد آزادی خواه خویش را به مجامع بین المللی برسانید، گرچه آنان هم از جانب داری این پلید صفتان و احمقان و بی شرمان دور نیستند....

و مهم در راه رسیدن به یک راه و روش علی صفت و علی دوست و علی خواه، دست به دست یکدیگر داده و این بنای ظلم و ستم از بیخ و بن برکنند؛ دست همه خلق های ستمکش را می بوییم و می بوسیم. (۱)

۴. بینش سیاسی

اشاره

۴. بینش سیاسی

دین مداری و حاکمیت اسلام، انگیزه اصلی حرکت سیاسی و اجتماعی آقامصطفی خمینی بود و مشی سیاسی وی از آیات قرآن کریم، سیرت پیامبر و امامان علیهم السلام مایه می گرفت و در پرتو تجربه های تاریخی ملت ها جلوه گر می شد.

اندیشه های سیاسی و اجتماعی آقامصطفی، بستری جدا از آرمان های اسلام، امام خمینی رحمه الله و انقلاب نداشت. او علاوه بر آن که دست پرورده عرفان و دانش امام خمینی رحمه الله بود، خود نیز آراسته به توان علمی و اندیشه های انقلابی بود.

او ژرف اندیش و دورنگر بود؛ به احکام و دستورهای سیاسی و اجتماعی اسلام، آشنایی کامل داشت و فقیهانه از میان دشواری ها راه می گشود و در اُفق های روشن راه می پیمود. کندوکاو و دقت در تاریخ، شیوه های سیاسی ابرقدرت ها و پی گیری خیزش های انقلابی معاصر، تجربه های گران بهایی به او بخشیده بود تا بتواند سیر رخدادها را پیش بینی و فرجام کار را بنگرد و پیش از وقوع رخداد، خود را برای رویارویی با آن آماده سازد. به مطالعه کارنامه نهضت های ضد استعماری آسیا و آفریقا علاقه مند بود و به مبارزان سفارش می کرد با بهره گیری از سرگذشت اجتماعی مسلمانان و دستاوردهای نهضت های آزادی بخش، بر توان مبارزاتی خود بیفزایند.

امام خمینی رحمه الله پیش از انقلاب اسلامی، به گونه ای فراگیر و گسترده به بیان لزوم تشکیل حکومت اسلامی در ایران می پرداخت که حاج آقامصطفی نیز در این راه کوشش های فراوانی کرد و همانند پدر بر برقراری حکومت اسلامی اصرار ورزید و سرانجام جان خویش را فدای پیروزی اسلام ساخت. او از زوایای گوناگونی به حکومت اسلامی می اندیشید که آن ها را می توان چنین برشمرد:

الف) اهمیت طرح حکومت اسلامی

الف) اهمیت طرح حکومت اسلامی

امام خمینی رحمه الله با طرح و پی گیری لزوم تشکیل حکومت اسلامی، از دیگر

اندیشمندان اسلامی نیز تحقیق و بررسی آن را خواستار شد.^(۱) شهید سیدمصطفی خمینی رحمه الله از جمله کسانی بود که به این درخواست امام خمینی رحمه الله پاسخ مثبت داد و رساله ای را با عنوان الاسلام و الحکومه درباره ولایت و حکومت اسلامی و مسایل مربوط به آن نگاشت و افزون بر این، در ضمن دیگر مباحث فقهی استدلالی خویش نیز، به تناسب موارد، به این امر توجه فراوان نشان داد. او درباره اهمیت طرح حکومت اسلامی خاطر نشان ساخته است:

شعار حکومت اسلامی، یک شعار موسمی و گذرا نیست؛ شعاری است که قرن ها می توان پای آن سینه زد و برای تحقق آن تلاش کرد.^(۲)

(ب) پیوند دین و حکومت اسلامی

(ب) پیوند دین و حکومت اسلامی

تشکیل حکومت اسلامی یک دستور دینی است و سیاست و حکومت، پیوندی ناگسستنی با دین دارد. شهید حاج آقامصطفی خمینی رحمه الله درباره پیوند دین و حکومت _ به طور خلاصه _ چنین نگاشته است:

قوانین اسلامی، سعادت بشر را در همه عرصه ها بر می آورد؛ زیرا اسلام برای تمام مرحله ها و زوایای گوناگون زندگی، در امور فردی و اجتماعی، برنامه دارد. اسلام دین دنیا و آخرت است. اسلام، بشر را تنها به آخرت فرا نمی خواند، بلکه دین، سیاست بزرگی است که همه سعادت های جزئی، کلی، دنیوی و اخروی را در بر دارد. به همین جهت است که اسلام مسایل گوناگون روحی، مادی، فردی و اجتماعی را

۱- نک: حوزه، ش ۸۲ _ ۸۱، ص ۲۸۲.

۲- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، صص ۲۸۲ و ۲۸۳.

داراست، به خلاف قانون های دیگر ملت ها که در احکام فردی و معنوی ناتمامند، تا چه رسد به امور دنیای آنان. (۱)

او درباره همکاری با حکومت های ستم پیشه بیان داشته است:

سرّ این که پذیرش امور حکومتی از سوی حاکمان ستم، حرام است، مگر در موارد خاص، این است که حکومت عادل، سرچشمه همه خوبی های دنیا و آخرت است و حکومت ستم، سرچشمه همه بدی هاست. بنابراین، به حکم عقل لازم است که حکومت ستم هرچند با مبارزه منفی، سرنگون و به جای آن حکومت عدل تشکیل گردد. پس از دقت و درنگ همین نکته از روایات باب نیز استفاده می شود. (۲)

بازداری شدید معصومان علیهم السلام از پذیرش ولایت و حکومت از سوی حکومت های ستم و هم چنین یاری آنان، به سبب گرایش ائمه به از بین بردن حکومت ستم و برانگیختن ملت مسلمان به تشکیل حکومت حق است. (۳)

ج) نه شرقی، نه غربی؛ حکومت اسلامی

ج) نه شرقی، نه غربی؛ حکومت اسلامی

حاج آقامصطفی رحمه الله همکاری با افرادی را که به اسلام پای بند نبودند و یا مبارزه آنان برای رسیدن به هدف های غیراسلامی بود، نمی پذیرفت و از سرزنش دیگران بیمی به خود راه نمی داد.

و از هرگونه همکاری و همراهی با کمونیست های ایرانی که سرلوحه برنامه هایشان، دین زدایی بود و نیز با مارکسیست ها که شعارشان در مبارزه با

۱- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۲۸۷.

۲- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۲۸۸.

۳- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۲۸۸.

شاه: «مبارزه در راه آزادی و شکست استعمار غرب با ایدئولوژی و ابزار شرق» بود، خودداری می کرد و از آنان دوری می جست.

کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، تشکیلاتی بود با ادعای مبارزه با رژیم شاه. گرایش رهبران این تشکیلات به جناح چپ و دور شدن از خط فکری اسلام و روحانیت، سبب شد که از واقعیت های جامعه ایران دور افتند و مبارزه مردم ایران با شاه را حرکتی غیر مذهبی، با هدف رسیدن به جامعه دموکراتیک از نوع شرقی آن بیندارند. سران این گروه با تکیه بر هدف های مشترک، خواهان حمایت روحانیان از آنان بودند. شهید حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله با آگاهی های گسترده ای که از مشی سیاسی کنفدراسیون داشت، در نامه ای به دانشجویان، آنان را از فرو افتادن در دام انحراف برحذر داشت و به آنان هشدار داد روش این گروه که مبارزه با شاه را بدون محوریت مذهبی و روحانیت دنبال می کند، اشتباه است و مبارزه بدون همکاری مردم مسلمان راه به جایی نخواهد برد.

گروه دیگری که آن مجتهد مجاهد از نزدیک شدنشان احساس خطر می کرد، لیبرال ها و گروه های ناخالص اسلامی بودند؛ این گروه که نظریه اسلام مترقی و مبارزه را در سر می پروراندند، با آن بخش از گفته های سیاسی امام خمینی رحمه الله که درباره مبارزه با رژیم شاه بود، همراه بودند، ولی اصل مهم و بنیادینی چون حکومت اسلامی و ولایت فقیه را که امام رحمه الله آن روزها در نجف تدریس می کرد، برنتابیدند و آن را به شیوه ای که خود باور داشتند، مخالف آزادی پنداشتند و شایسته طرح در جهان امروز ندانستند. این گروه

می کوشیدند با نام همکاری در مبارزه با شاه، روحانیان را با خود همراه کنند تا از این راه به امام رحمه الله نزدیک شوند.

بازدارنده مهم راه نفوذ و رشد این شیوه تفکر در حوزه، آقامصطفی خمینی بود. او با مطالعه نوشته های آنان و گفت و گو با رهبرانشان، به انحراف این فکر از اسلام، فقهامت و ولایت پی برد. او ماهیت این گروه را بر امام رحمه الله آشکار ساخت و طلاب مبارز نجف را از پی آمدهای ناگوار همراهی با این افراد، برحذر داشت. گذشت زمان نشان داد که لیبرال ها پس از پیروزی نهضت، خط فکری امام رحمه الله را نپذیرفتند و در برابر اندیشه های والای او ایستادند و آن را ارتجاعی و کهنه خواندند. اگر امام خمینی رحمه الله قاطعانه در برابر افراد لیبرال غرب زده نمی ایستاد و آنان را از صحنه سیاسی و فکری انقلاب اسلامی دور نمی کرد، شاید امروز انقلاب را سرنوشتی دیگر بود. (۱)

(د) حکومت اسلامی جهانی

(د) حکومت اسلامی جهانی

شهید آقامصطفی خمینی رحمه الله دارای آرمان های بلند بود و اندیشه و کوشش او به مرزهای ایران محدود نمی شد. همان گونه که فکر رهایی مردمان ایران را داشت، در پشتیبانی دیگر محرومان جهان نیز، احساس تکلیف می کرد و رهایی مستضعفان را از چنگال استثمار و استعمارگران شرق و غرب از رسالت های هر مسلمان برمی شمرد.

او انقلاب اسلامی را ویژه مرزهای ایران نمی دانست و بر این باور بود که مرزهای جغرافیایی نباید مسلمانان را از یکدیگر جدا کند و باید تا هر جا که

اسلام هست، برای جویایی از حال مسلمانان پیش رفت؛ دشمن دیگر مسلمانان، دشمن ماست و در گرفتاری ها و سختی ها وظیفه داریم آنان را کمک کنیم.

در آن روزها که فلسطینیان و مردم لبنان، همانند امروز در مبارزه با غاصبان اسرائیلی شرایط سختی داشتند و روزهای دشواری را می گذراندند و یاری به رزمندگان و آوارگان جنگ، که هر روز بر شمارشان افزوده می شد، مسئله اصلی دنیای اسلام بود، حاج آقامصطفی، همانند امام خمینی رحمه الله از پشتیبانان و یاران جنبش آزادی بخش فلسطین بود. او با درک جایگاه حساس لبنان در مبارزه با اسرائیل و همکاری با علما و رزمندگان و آوارگان لبنانی، با همدردی با مردم جنگ زده و تشویق مبارزان، روحیه آنان را برای درگیری با صهیونیست جهانی شاداب و تقویت می کرد. (۱)

فصل پنجم: زندگی سیاسی

اشاره

فصل پنجم: زندگی سیاسی

یکی از جالب ترین جلوه های زندگی شهید حاج آقامصطفی خمینی رحمه الله، زندگی سیاسی اوست. حاج آقامصطفی از آغاز، در کانون انقلاب و راهنمای مبارزان بود. او برای رهبری نهضت، بازویی نیرومند و در بحران های مبارزاتی، صاحب نظری نیک رأی به شمار می رفت و جسارت و شور انقلابی اش از نوجوانی زبانزد حوزویان بود.

او مبارزی هدفدار بود و جز به پیروزی اسلام و برقراری حکومت اسلامی راضی نمی شد. در سراسر زندگی خویش برای دست یابی به این هدف کوشید و سرانجام پس از تلاش های طاقت فرسا و تحمل سختی ها، دشواری ها، ناگواری ها و زندان، در تبعیدگاه جان خود را فدای اسلام و انقلاب اسلامی کرد و با شهادت خویش، پایه های سست حکومت ستمگران را لرزاند و آنان را به سراشیبی شکست راند.

۱. فعالیت سیاسی از آغاز تا قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

۱. فعالیت سیاسی از آغاز تا قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

حاج آقامصطفی در زمان تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱ ه. ش، در عتبات عالیات بود، ولی از ابتدای سال ۱۳۴۲ و حمله ددمنشان رژیم ستمشاهی پهلوی به مدرسه مبارکه فیضیه (دوم فروردین ۱۳۴۲؛ برابر با سالروز شهادت امام صادق علیه السلام)، حاج آقامصطفی همانند یک سرباز مطیع و فداکار، در خدمت به نهضت اسلامی و رهبر آن، کمر همت بست و از آن پس، مردم را به مبارزه علیه شاه فراخواند.

حضور پیوسته و فعال حاج آقامصطفی از آغاز نهضت در کنار پدر

بزرگوارش، باعث شده بود تا فولاد وجودش آبدیده شود و از اوایل مبارزات عمومی و آشکار علیه رژیم پهلوی، معنای ژرف این مبارزه را درک کند و خود یکی از رهبران حماسه ها شود.^(۱)

او حکومت شاه را غیر شرعی و غیرقانونی می دانست و با طرفداران کودتای ۲۸ مرداد سخت برخورد می کرد.^(۲)

۲. فعالیت سیاسی از قیام ۱۵ خرداد تا واقعه کاپیتولاسیون

۲. فعالیت سیاسی از قیام ۱۵ خرداد تا واقعه کاپیتولاسیون

پس از دستگیری امام خمینی رحمه الله در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، رژیم شاه چنین می پنداشت که نهضت اسلامی رو به آرامی و سکوت خواهد گذاشت و خروش مردم در گذران زمان خاموش خواهد شد، ولی حاج آقامصطفی با گردآوردن مردم، فشار افکار عمومی برای آزادی امام خمینی رحمه الله را روز به روز بیش تر کرد و در نهایت، اسباب آزادی امام رحمه الله را فراهم آورد.^(۳)

مرحوم حاج سید احمد خمینی درباره نقش شهید حاج سید مصطفی خمینی رحمه الله در قیام مردمی ۱۵ خرداد و پیش از آن چنین گفته است:

در آغاز مبارزات، بسیاری از مسئولیت های پخش اعلامیه ها و رساندن اخبار به امام رحمه الله و گرفتن اعلامیه ها و تشکل دوستان از سراسر کشور و به طور کلی مسایل حساس مبارزه به دست ایشان [شهید سید مصطفی خمینی رحمه الله] انجام می گرفت. همیشه سعی می کرد که واقعیات را به امام

۱- روزها و رویدادها، ج ۳، ص ۱۲۱.

۲- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۳۲۱.

۳- مجموعه مقالات، ص ۷۳.

رحمه الله برساند که امام رحمه الله در فرصت مناسب تصمیمات لازم را در زمینه های مختلف اتخاذ فرمایند. در واقعه تاریخی ۱۵ خرداد، ایشان به صحن مطهر رفته و در آن جا سخنرانی می کنند که آن سخنرانی باعث اجتماع زیاد مردم و در نتیجه بروز حوادث بعد از آن می گردد و در هنگامی که امام را از زندان به خانه محصورى در تهران منتقل کردند، من به اتفاق ایشان به تهران آمده و خدمت امام رحمه الله رسیدیم که شهید حاج آقامصطفی رحمه الله در اولین برخورد سؤال کردند که حالا تکلیف چیست؟ و ما باید از همین امروز شروع کنیم که مردم دلسرد نشوند و فکر نکنند که قضیه تمام شده است. (۱)

به دنبال حمله وحشیانه دژخیمان و مأموران رژیم شاهنشاهی به مدرسه مبارکه فیضیه در دوم فروردین ۱۳۴۲، امام خمینی رحمه الله اعلامیه ای صادر کرد و در آن، این اقدام مذبحخانه را محکوم، رژیم را رسوا و آمادگی خود را برای شهادت اعلام کرد.

رژیم پهلوی که دریافته بود امام در افشاگری، شخص شاه را نشانه رفته است، در صدد چیدن توطئه ای علیه امام برآمد و به منظور احضار وی به دادسرای قم، به پرونده سازی علیه امام اقدام کرد. زمانی که مأمور ابلاغ برای تسلیم احضاریه به بیت امام مراجعه کرد، در تماس با حاج آقامصطفی، مأموریت خود را برای او بازگو کرد و ملاقات با امام رحمه الله را از وی خواستار شد تا بدین وسیله احضاریه را به امام تسلیم کند. حاج آقامصطفی که متوجه توطئه دستگاه وابسته قضایی شاه شده بود و حاضر نبود به هیچ وجه این

احضاریه به دست امام برسد، به بهانه این که امام احضاریه را نخواهد پذیرفت، درخواست مأمور را رد کرد. مأمور ابلاغ اظهار داشت: «اجازه دهید من احضاریه را به ایشان ارائه دهم، هرچند ایشان از پذیرفتن آن خودداری کنند؛ فقط این اعلامیه به رؤیت ایشان برسد، کافی است». حاج آقامصطفی رحمه الله اجازه این کار را نیز به او نداد و با پذیرفتن هرگونه مسئولیتی از ناحیه این برخورد خود، تأکید کرد: «من صلاح نمی دانم شما به حضور ایشان بروی و نمی گذارم که این اعلامیه به رؤیت ایشان برسد. شما می توانی به مقامات مافوق خودت گزارش دهی که من مانع انجام مأموریت شما شده ام و از ابلاغ احضاریه جلوگیری کرده ام».^(۱)

بعد از ظهر عاشورای سال ۱۳۴۲، امام خمینی رحمه الله در مدرسه فیضیه در حضور گسترده روحانیان، مردم و عزاداران امام حسین علیه السلام، در سخنرانی مهمی، به طور مستقیم، شاه و اربابانش را هدف حملات خود قرار داد.

به دنبال سخنان حماسی و کوبنده امام خمینی رحمه الله در عصر عاشورای ۱۳۸۳ ه. ق، برابر با ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ ه. ش، کماندوها و چتربازان رژیم در تاریکی شب وارد قم شدند و اطراف خانه امام را به محاصره در آوردند. آنگاه چندتن از مزدوران شاه در ساعت ۳ بامداد ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ واردخانه شدند. امام آن شب در خانه حاج آقامصطفی استراحت می کرد، از این رو، مأموران نتوانستند او را پیدا کنند و بنابراین به کتک زدن چند نفر از کارکنان منزل امام پرداختند.

۱- مجموعه مقالات، صص ۷۴ و ۱۰۴.

مدت کوتاهی پس از ورود مأموران به خانه حاج آقامصطفی، امام، که برای اقامه نماز شب بیدار شده بود، متوجه یورش مأموران شد و به حاج آقامصطفی خبر داد که سربازان شاه برای دستگیری من آمده اند. حاج آقامصطفی که محافظت از پدر را وظیفه خود می دانست، برای آگاهی از ماجرا به پشت بام رفت. امام بی درنگ آماده شد و به کوچه آمد و بر سر درخیمان فریاد برآورد:

روح الله خمینی منم. چرا این بیچاره ها را کتک می زنید؟ این چه رفتار وحشیانه است که با مردم می کنید؟ چرا به اصول انسانی پای بند نیستید؟ این چه وحشی گری هاست که از شما سر می زند؟ (۱)

پس از آن، مأموران، امام را دستگیر کردند.

وی می خواست خود را از بالای بام و از ارتفاع چند متری، به داخل کوچه افکند، ولی امام او را از این کار بازداشت. پس به کوچه دوید و کوشید تا از بردن امام خمینی رحمه الله جلوگیری کند، ولی نتوانست. رهبر بزرگ انقلاب در این لحظه متوجه شد که یکی از کماندوهای رژیم قصد دارد تا به سوی فرزندش، سید مصطفی رحمه الله شلیک کند که ناگهان امام به فرزندش اشاره کرد از ماشین وی دور شود. حاج آقامصطفی که می خواست واکنش نشان دهد، به دستور امام از این کار منصرف شد، ولی برای خبر کردن مردم محل، فریاد سر داد: «مردم! خمینی را بردند».

نیروهای رژیم، امام را به تهران منتقل کردند. ابتدا وی را به باشگاه افسران و ساعت ۵ صبح به پادگان قصر بردند و پس از ۱۹ روز، او را از پادگان قصر

۱- تاریخ ایران در دوران معاصر، صص ۱۷۱ و ۱۷۲؛ نهضت امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۵۱۱.

به یادگان عشرت آباد فرستادند.

گفتنی است آن شب با فریاد حاج آقامصطفی، همسایگان از خواب بیدار شدند و سرآسیمه از خانه ها بیرون آمدند. آنان شتابان خود را به خانه رهبر انقلاب رساندند و حاج آقامصطفی را مانند شمعی در میان گرفتند؛ مردم از منزل امام رحمه الله تا چهار راه شهدا اجتماع کردند، ولی اتومبیل به سرعت رفته بود.

حاج آقامصطفی رحمه الله آن شب جمعیت انبوهی را که به دور او حلقه زده بودند، به آرامش فرا خواند تا صبح شود و تصمیم لازم گرفته شود. (۱)

صبحگاهان، حاج آقامصطفی رحمه الله برای خنثی سازی توطئه رژیم، پیشاپیش انبوه جمعیت به طرف حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام حرکت کرد. آنگاه که به چهار راه شهدا رسیدند، با گروهی از مأموران پلیس روبه رو شدند که با بلندگو از مردم می خواستند پراکنده شوند، ولی با دیدن واکنش شدید حاج آقامصطفی رحمه الله و مردم خشمگین، فرار کردند.

مردم قم به رهبری فرزندان برومند امام خمینی رحمه الله از خیابان ارم (خیابان آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله کنونی) و میدان آستانه عبور کردند و وارد صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام شدند و به شعار دادن پرداختند. پس از سخنرانی برخی از علما، فریاد اعتراض مردم نسبت به اقدام نابخردانه رژیم شاه، فضای قم را آکنده از احساسات انقلابی و حماسی ساخت.

مراجع و علمای قم نیز پس از اطلاع از دستگیری امام در بیت آیت الله

العظمی گلپایگانی رحمه الله اجتماع کردند و پس از تنظیم اعلامیه ای، از بیت وی واقع در خیابان چهارمردان (خیابان انقلاب کنونی) روانه حرم مطهر شدند و در اجتماع مردم حضور یافتند.

مزدوران شاه که خود را در تنگنا دیدند، ابتدا با تیراندازی به سوی مردم، از حرکت بیش تر آن ها جلوگیری کردند و سپس با به کار بردن تانک و توپ و مسلسل، خون ریزی بی سابقه ای به راه انداخت. رژیم چون دید نمی تواند مردم غیور و مسلمان شهر قم را سرکوب سازد، هواپیماهای بمب افکن را به قم گسیل کرد تا در صورت لزوم، شهر را بمباران کنند. این هواپیماها وارد آسمان قم شدند و با شکستن دیوار صوتی و مانورهای هوایی کوشیدند اهالی شهر را هراسان سازند. (۱)

شهید حاج آقامصطفی رحمه الله که در صحن روبه روی ایوان آئینه، روی منبر کوتاهی نشسته بود، با شدت ناراحتی، از حضور مردم سپاس گزاری کرد و گفت:

من از شما مردم خوب و غیرتمند قم که به مناسبت بازداشت پدر پیرم، این همه ناراحت و نگران هستید و این احساسات را ابراز می دارید، تشکر می کنم. این ادامه حضور شما در صحنه سبب می شود که پدرم زودتر آزاد گردد و به خدمت شما بیاید... هیئت حاکمه با ایستادن در برابر اراده ملت به وحشیانه ترین وجهی، ملت را به مبارزه قهرآمیز می کشاند. (۲)

۱- مجموعه مقالات، صص ۷۶ و ۱۰۳.

۲- ستاره صبح انقلاب، صص ۴۲ و ۴۳.

او در این سخنرانی کوتاه همچنین از حکومت خواست تا پدرش را که در نیمه شب دستگیر کرده اند و به مکان نامعلومی برده اند، هر چه زودتر بازگردانند و مردم را از نگرانی بیرون آورند و نیز از مردم خواست که دست از تظاهرات بردارند و به خانه های خود بروند. (۱)

مردم از صحن حرم بیرون آمدند و به راه پیمایی در خیابان ها پرداختند. هنوز از حرم دور نشده بودند که با یورش دژخیمان و رگبار مسلسل روبه رو شدند. در خیابان تهران - قم و در سر چهار راه ها، دسته ای از جمعیت از چهار طرف محاصره شدند و زیر آتش قرار گرفتند و در نقاط دیگر نیز مردم را مانند گل های پرپر شده به زمین ریختند و سرانجام با آدم کشی فراوان توانستند مردم را پراکنده سازند. قیام مردم قم که از ساعت ۷ صبح شروع شده بود، تا ساعت ۵ بعد از ظهر ادامه داشت. (۲)

پس از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و بازداشت امام خمینی رحمه الله، فعالیت حاج آقا مصطفی از یک سو، برای آزادی امام رحمه الله و از دیگر سو، برای برافراشته نگه داشتن پرچم مبارزه و رهبری آن متمرکز شده بود. او اعلامیه هایی را تهیه می کرد و برای روحانیان می فرستاد و دستورهای امام را که از داخل زندان به روش های گوناگون، از سوی برخی افسران مسلمان و زندانیان به دستش می رسید، اجرا می کرد تا مبادا آتش مبارزه خاموش شود. اولین نوشته ای که از سوی امام خمینی رحمه الله از زندان، برای او فرستاده شد، وصیت نامه امام رحمه الله بود.

۱- مجموعه مقالات، صص ۷۶ و ۷۷.

۲- تاریخ ایران در دوران معاصر، ص ۱۷۳.

ساواک نیز که پس از بازداشت امام خمینی، حاج آقا مصطفی را زیر نظر داشت، فعالیت های او را مورد به مورد گزارش می داد. (۱)

حاج آقا مصطفی علاوه بر تلاش برای آزادی امام و حفظ رابطه با علمایی که برای دفاع و حمایت از امام خمینی رحمه الله به تهران مهاجرت کرده بودند، مصمم بود بیت رهبری بسته نشود و به عنوان سمبل مبارزه، مرکز آمد و شد یاران و هواداران رهبری باشد؛ (۲) خانه ای که آشیانه کبوتران مهاجر مبارز شده بود. حاج آقا مصطفی با بسیج افکار عمومی بر ضد رژیم پهلوی، برای برافروخته نگاه داشتن شعله های انقلاب کوشید.

رژیم شاه در یازده مرداد ۱۳۴۲، امام خمینی رحمه الله را از زندان به یکی از خانه های تیمی ساواک در داوودیه در شمال تهران منتقل کرد. در پی ازدحام سیل آسای مردم و علمای خواهان ملاقات با امام و غافل گیر شدن ساواک، پس از یک روز، دیدار با امام رحمه الله ممنوع شد. دو روز بعد، امام به خانه ای تحت نظر ساواک در قیطریه انتقال یافت. حاج آقا مصطفی از آن تاریخ تا حدود پنج ماه در خدمت پدر بزرگوارش بود و به طور مستقیم نقش رابط میان رهبر و ملت مسلمان ایران را ایفا می کرد که این موضوع نگرانی ساواک را موجب شده بود.

شهید حاج آقا مصطفی رحمه الله در همه حال یار و یاور امام خمینی رحمه الله بود و

۱- مجموعه مقالات، صص ۷۷ _ ۱۰۴؛ ستاره صبح انقلاب، صص ۴۵ و ۴۶.

۲- ستاره صبح انقلاب، ص ۴۴.

پیام او را به مردم می‌رساند. (۱) سرانجام تلاش‌های حاج آقا مصطفی، ساواک را خسته کرد. سپهبد نصیری، رئیس شهربانی کل کشور و فرمانده نظامی تهران، وی را احضار کرد. (۲) او از رفتن به نزد وی سر باز زد، ولی پس از مدتی با اصرار و اجبار یکی از افسران ارتش به نام عصار، نزد سپهبد نصیری رفت. نصیری به او گفت:

ما نمی‌خواهیم وضعی پیش آید که شما را دستگیر کنیم، گزارش‌های مرتبی می‌رسد که شما با عناصر ناراحت و اخلاص‌گر در رابطه هستید. اگر این برنامه را ادامه دهید، ناچاریم شما را دستگیر کنیم. (۳)

امام خمینی رحمه الله در فروردین ۱۳۴۳ از تحت نظارت و کنترل رژیم آزاد شد و به قم آمد. بدین ترتیب، قم شور دیگری یافت و دیدارهای شبانه روزی مردم با امام آغاز شد. (۴) با آزادی امام، بهاری دیگر برای مبارزه فرا رسید و حاج آقا مصطفی رحمه الله خرمی، نشاط، جنب و جوش و تکاپوی تازه‌ای یافت.

رژیم پهلوی در صدد بود تا بتواند به واسطه حاج آقا مصطفی در افکار امام خمینی رحمه الله نفوذ کند و او را تحت تأثیر و کنترل خود قرار دهد، ولی روح بزرگ و فکر والای آن مجاهد فرهیخته و برخوردارهای خشن وی با مزدوران دولتی به آنان فهماند که فرزند امام هوشیارتر و قاطع‌تر از آن است که بتواند وی را وسیله اهداف شیطانی خود قرار دهند. ناامیدی آنان زمانی افزون‌تر شد

۱- نک: ستاره صبح انقلاب، صص ۴۶ و ۴۷، مجموعه مقالات، صص ۷۷-۱۰۴؛ تاریخ ایران در دوران معاصر، ص ۱۸۴.

۲- ستاره صبح انقلاب، ص ۴۸.

۳- مجموعه مقالات، ص ۷۸.

۴- نک: ستاره صبح انقلاب، ص ۵۰؛ تاریخ ایران در دوران معاصر، ص ۱۸۴.

که گزارش فعالیت های سیاسی برون مرزی حاج آقا مصطفی منعکس شد. (۱)

۳. فعالیت سیاسی از واقعه کاپیتولاسیون تا دستگیری

۳. فعالیت سیاسی از واقعه کاپیتولاسیون تا دستگیری

امام خمینی رحمه الله پس از تصویب کاپیتولاسیون، تصمیم گرفت با سخنرانی و افشاگری، عمق خیانت شاه را برای مردم بازگو کند. رژیم شاه با شنیدن این خبر، به وحشت افتاد و با حيله ها و ترفندهای گوناگون کوشید از عملی شدن این تصمیم امام جلوگیری کند و او را از حمله به امریکا باز دارد. رژیم ناچار درصدد برآمد به صورت غیر مستقیم و به اسم نصیحت و پندر و اندرز، نقشه اش را اجرا کند. از این رو، حسن مستوفی، پسر خاله امام را که تا حدی بی طرف و آبرومند بود، به عنوان واسطه برگزید و وی را روانه قم کرد. او چند روز قبل از سخنرانی امام وارد قم شد و پس از کوشش فراوان برای ملاقات با امام و موفق نشدن، در دیداری با حاج آقا مصطفی، با پیامی تهدیدآمیز، امام را از هرگونه حمله به امریکا برحذر داشت و هشدار داد در صورت موضع گیری امام علیه امریکا، با واکنش شدید روبه رو خواهد شد.

حاج آقا مصطفی رحمه الله با قاطعیت به او پاسخ داد:

آیت الله خمینی به وظیفه خود هر جور که صلاح بداند، عمل می کند. این گونه حرف ها هم نمی تواند ایشان را در اجرای وظیفه و رسالتی که برعهده دارد، به تجدید نظر وادارد. (۲)

امام خمینی رحمه الله در چهارم آبان ۱۳۴۳ برابر با بیستم جمادی الثانی ۱۳۴۸ ه. ق، سالروز خجسته میلاد بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام در

۱- مجموعه مقالات، ص ۷۹.

۲- مجموعه مقالات، صص ۸۰، ۸۱، ۱۰۷ و ۱۰۸.

ساعت هشت و نیم صبح و در حضور انبوه جمعیت مردم قم، به سخنرانی تاریخی و مهمی پرداخت. (۱) او افزون بر این سخنرانی آتشین، اعلامیه ای نیز بر ضد تصویب کاپیتولاسیون صادر کرد که دیگر علمای اسلام نیز با صدور اعلامیه ها و سخنرانی هایی مخالفت خود را با این قانون ننگین و همراهی شان را با رهبر انقلاب ابراز کردند.

از آن جا که رژیم نمی توانست وجود رهبر انقلاب را تحمل کند، در ۱۳ آبان ۱۳۴۳، این پرچمدار اسلام و انقلاب و مشعلدار آزادی را شبانه دستگیر و بی درنگ به ترکیه تبعید کرد. (۲)

حاج آقا مصطفی پس از آگاهی از دستگیری امام خمینی سخت برآشفته و برای خاموش نشدن شعله انقلاب و پشتیبانی رهبری، مردم را به دادخواهی فراخواند و در همان ساعات اولیه صبح، همراه با سیل خروشان روحانیان و مردم قم برای گفت و گو و انجام اقداماتی جهت آزادی رهبر انقلاب، به سوی منازل علما و مراجع رهسپار شد. بدین ترتیب همگام با مردم قهرمان قم با فریاد اعتراض آمیز خویش، جو سکوت و وحشت را شکست. این در حالی بود که رژیم از صبح، حکومت نظامی برقرار کرده و مانع تجمع مردم در صحن حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام شده بود.

او پس از آگاه کردن علما و بازاریان از دستگیری امام رحمه الله و مذاکره با آیت الله میرزا هاشم آملی رحمه الله، بنا بر پیامی از بیت آیت الله العظمی مرعشی نجفی

۱- صحیفه امام، ج ۱، صص ۴۰۹ - ۴۲۴؛ کوثر، ج ۱، صص ۱۶۹ - ۱۷۸.

۲- نک: تاریخ ایران در دوران معاصر، ۱۸۶ و ۱۸۷.

رحمه الله مبنی بر این که او مخفیانه خود را به آیت الله برساند، به تنهایی از بی راهه، خود را به بیت وی رساند و به رایزنی و گفت و گو با آیت الله العظمی مرعشی رحمه الله پرداخت. هنوز چند لحظه ای از ورود او به منزل آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله نگذشته بود که ناگهان کماندوها و دژخیمان شاه وارد بیت شدند و او را در ساعت ۱۰ صبح، دستگیر کردند و به شهربانی قم بردند.

حاج آقا مصطفی را همان روز به تهران منتقل کردند و در ساعت ۲۱ به زندان قزل قلعه تحویل دادند. در تاریخ ۱۴/۸/۴۳ پس از بازجویی مفصلی، قرار بازداشت موقت برای وی صادر شد. (۱) البته حاج آقا مصطفی در زیر برگه قرار بازداشت خود چنین نگاشت:

باسمه تعالی. ۱۴/۸/۴۳، به اصل قرار و کیفیت بازداشت و به قرار بازداشت کننده معترضم.

سید مصطفی خمینی. (۲)

این مجاهد خستگی ناپذیر در گسترش نهضت اسلام و به ویژه محکومیت کاپیتولاسیون، نقش ویژه و فعالی داشت و بدین جهت، نامه ها و اعلامیه های گوناگونی تنظیم و منتشر می کرد. یکی از این نامه ها که به اسم اهالی قم مبنی بر نفرت و انزجار از کاپیتولاسیون تنظیم کرده بود و در هنگام بازداشت همراهش بود، به دست ساواک افتاد. (۳)

۱- ستاره صبح انقلاب، صص ۵۵ _ ۵۷؛ مجموعه مقالات، صص ۸۱، ۱۰۹ و ۱۱۰؛ خاطرات آیت الله پسندیده، ص ۱۱۳.

۲- ستاره صبح انقلاب، ص ۵۷.

۳- مجموعه مقالات، ص ۸۳.

گفتنی است زندان، او را در اهداف خود و در روحیه سازش ناپذیرش استوارتر کرد. او با اخلاق اسلامی خود دیگر زندانیان را تحت تأثیر قرار داد و به هدایت آنان همت گمارد. (۱) حاج آقا مصطفی ۵۷ روز در زندان بود. (۲) او در زندان به هم زندانی خود، شهید شیخ فضل الله محلاتی رحمه الله و کالت داد: «اگر مرا تبعید کردند، یا از بین بردند، شما از جانب من اجازه دارید که سهم امام را بگیرید و هر طور که می توانید صرف زندگی خانواده زندانی ها کنید و همین طور در حوزه...» (۳)

وقتی خیر زندانی شدن حاج آقا مصطفی در ترکیه به امام خمینی رحمه الله رسید، امام زندان را جهت ورزیدگی و آمادگی او برای آینده، ثمربخش دانست و همان گونه شد که امام پیش بینی کرده بود. (۴)

۴. آزادی مشروط و اقامت چند روزه در قم

۴. آزادی مشروط و اقامت چند روزه در قم

تلگراف ها، اعلامیه ها، سخنرانی ها و درخواست های علما از رژیم، برای آزادی حاج آقا مصطفی موجب شد سران رژیم پس از بحث و تبادل نظر، به این نتیجه برسند که حاج آقا مصطفی را با پای خود و بدون هیچ سر و صدا و جنجالی به ترکیه نزد پدرش تبعید کنند و او نمود سازند که وی به میل و علاقه خود به ترکیه رفته است.

۱- مجموعه مقالات، ص ۸۳؛ ستاره صبح انقلاب، ص ۵۷.

۲- مجموعه مقالات، ص ۱۱۰؛ خاطرات آیت الله پسندیده رحمه الله، ص ۱۱۳.

۳- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، صص ۳۲۲ و ۳۲۳.

۴- ستاره صبح انقلاب، ص ۵۹؛ مجموعه مقالات، ص ۸۴.

بر اساس این محاسبات، سرهنگ مولوی، رئیس ساواک تهران در زندان نزد حاج آقا مصطفی رفت و گفت: «شما می توانید به ترکیه نزد پدرتان بروید.» او وقتی از تمایل و آمادگی وی برای سفر به ترکیه اطمینان یافت و نقشه ساواک را در این مرحله موفق دید، به او مژده آزادی داد و با وی قرار گذاشت که بدون سر و صدا وارد قم شود و جنجالی به پا نکند و تاریخی را نیز مشخص کرد تا او در تهران حاضر باشد. در نتیجه، در تاریخ ۸/۱۰/۱۳۴۳ برابر با ۲۴ شعبان ۱۳۸۴، حاج آقا مصطفی به صورت مشروط از زندان آزاد شد. (۱)

او فردای آن روز ساعت ۹ صبح وارد قم شد و بی درنگ برای زیارت حضرت معصومه علیها السلام به سوی حرم مطهر شتافت. مردم با دیدن او، پروانه وار گرد وی جمع شدند و از وی استقبال کردند. ایشان پس از زیارت به دیدار آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله رفت. آیت الله که در حرم مشغول تدریس بود، با دیدن حاج آقا مصطفی درس را تعطیل کرد و او را در آغوش کشید. پس از اندک استراحت و گفت و گو، حاج آقا مصطفی پیشاپیش مردمی که او را همراهی و بدرقه می کردند، به سوی خانه خود حرکت کرد. این استقبال و همراهی باشکوه مردم، برای رژیم سخت گران آمد و خشم و نگرانی حکومت را برانگیخت. پس از آزادی حاج آقا مصطفی، بار دیگر دیدارها آغاز شد و او به منزله جانشین رهبر انقلاب، نهضت را ادامه داد. (۲)

۱- نک: خاطرات آیت الله پسندیده رحمه الله، ص ۱۱۳؛ ستاره صبح انقلاب، ص ۵۹.

۲- خاطرات آیت الله پسندیده رحمه الله، ص ۱۱۳

۵. تبعید به ترکیه

۵. تبعید به ترکیه

در حالی که ساواک بر اساس برنامه پیشین خود درصدد فراهم آوردن مقدمات سفر حاج آقا مصطفی به ترکیه بود، او در دید و بازدیدها با علمای قم و دوستان، آنان را از قصد سفر به ترکیه آگاه کرد. آنان این امر را توطئه ای از سوی ساواک قلمداد کردند. حاج آقا مصطفی نیز، پیشنهاد ساواک را نقشه، حيله و دامی از سوی آنان برای تبعید وی با پای خود به ترکیه دانست. بنابراین، از رفتن به ترکیه منصرف شد و در موعد مقرر به تهران نرفت. دو روز پس از آزادی او، ساعت ۹ صبح، سرهنگ مولوی تلفنی با او تماس گرفت و پس از سلام و احوال پرسی، دلیل تأخیرش را پرسید و گفت: «زودتر کارهایتان را انجام دهید و بیایید تهران تا برای اعزام به ترکیه آماده شوید.» حاج آقا مصطفی در پاسخ گفت: «من این پیشنهاد را بررسی کردم، با علما مشورت کردم. بزرگان حوزه با رفتن من از قم مخالفت کرده اند. من از رفتن به ترکیه منصرف شده ام... رفتن من از قم صلاح نیست.»

به گفته آیت الله پسندیده رحمه الله، حاج آقا مصطفی پاسخ داد: «مادرم اجازه نمی دهد و من برخلاف میل مادرم کاری نمی کنم.» مولوی گفت: «نه باید بروید و الا دستور دارم به زور شما را اعزام کنم.»

حاج آقا مصطفی گفت: «اگر مسئله زور و دستگیری است، چرا من خود این کار را انجام دهم. هر کاری دلتان می خواهد، انجام دهید.»

سرهنگ مولوی که غافل گیر شده بود، با عصبانیت شروع به توهین و جسارت به وی و دیگر علما کرد و حاج آقا مصطفی نیز قاطعانه و به مراتب شدیدتر، پاسخ او را داد و هر دو تلفن را قطع کردند. حاج آقا مصطفی، ماجرا

را برای دوستان بازگو کرد و آنان مطمئن شدند که وی به زودی دستگیر و تبعید خواهد شد.

بعد از ظهر همان روز، فرستاده ساواک قم نزد او آمد تا دستور رئیس خود را مبنی بر حرکت به تهران برای رفتن به ترکیه ابلاغ کند. آقا مصطفی همان پاسخ صبح را داد. از آن پس، پی گیری های ساواک شدیدتر شد. مسئولان امنیتی از این که آقا مصطفی نقشه آنان را نقش بر آب کرده بود، سخت عصبانی بودند.

سرانجام در حالی که بیش از پنج روز از آزادی فرزند امام نگذشته بود، در ۱۳ دی ۱۳۴۳ ه. ش، برابر با ۲۹ شعبان ۱۳۸۴ ه. ق، سرهنگ بدیعی، رئیس ساواک قم همراه با عده ای از مقامات ساواک به صورت وحشیانه ای به خانه او یورش بردند و وی را دستگیر و روانه تهران کردند.^(۱)

این یورش ساواک چنان وحشیانه بود که موجب شد همسر حاج آقا مصطفی، ضربه روحی و جسمی شدید ببیند و دو روز بعد، بچه خود را سقط کند و به کسالتی طولانی دچار شود.^(۲)

شهید حاج آقا مصطفی رحمه الله پس از انتقال به تهران و گذراندن شب در باشگاه نخست وزیری، روز بعد در ساعات اولیه بامداد با هواپیما به ترکیه تبعید شد.^(۳) او آن شب در باشگاه نخست وزیری، به منظور برطرف کردن نگرانی مادر و همسر خویش که شاهد دستگیری وی بودند، نامه ای برای آنان

۱- ستاره صبح انقلاب، صص ۶۱ و ۶۲؛ خاطرات آیت الله پسندیده رحمه الله، ص ۱۱۴.

۲- نک: مجموعه مقالات، ص ۸۷؛ یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۳۱ و ۳۲.

۳- خاطرات آیت الله پسندیده رحمه الله، ص ۱۱۴.

نوشت تا مقداری از نگرانی و ناراحتی آنان بکاهد. او در این نامه با توصیف محل استقرار خود، در مورد فرزندانش به حاج احمد آقا خمینی سفارش هایی کرد.^(۱)

شهید حاج آقا مصطفی رحمه الله درباره دیدارش با امام خمینی رحمه الله پس از ورود به ترکیه گفته است:

وقتی به محضر امام در «بورسیا» وارد شدم، تا چشم امام به من افتاد، اولین سؤالی که کرد، گفت: «با پای خود آمدی یا شما را آوردند؟» گفتم: «نه، مرا آوردند.» گفت: «اگر با پای خود آمده بودی همین الآن شما را برمی گرداندم.»^(۲)

حاج آقا مصطفی در ترکیه، برنامه غذایی مناسبی برای امام تنظیم کرد و گاهی او را به گردش می برد. یکی دیگر از برنامه های روزانه امام و آقا مصطفی بحث علمی فقهی بود.^(۳) سفر به ترکیه به فرزند امام فرصت داد تا افزون بر پرستاری از امام و انجام کارهای وی از محضر آن معلم اخلاق و فقیه بزرگ، استفاده های معنوی و علمی ببرد. علاوه بر این، در فرصت هایی که پیش می آمد، با مسافران و دانشجویان ایرانی پیوند برقرار می کرد و با فرستادن نامه و پیام، مردم را به بیداری و ادامه نهضت دعوت می کرد.^(۴)

او در تبعیدگاه افزون بر این که یار و یاور و هم نشین مناسبی برای امام و

۱- مجموعه مقالات، ص ۸۸.

۲- مجموعه مقالات، ص ۱۱۱.

۳- ستاره صبح انقلاب، صص ۶۸ و ۶۹.

۴- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۳۲۳.

باعث چشم روشنی وی بود، پیام رسان نهضت اسلامی نیز به شمار می آمد و از هر فرصتی برای هدایت مبارزه و افشاگری استفاده می کرد. به همین دلیل، روزی رئیس سازمان امنیت ترکیه نزد امام خمینی رحمه الله آمد و از فعالیت های سیاسی فرزندش، سیدمصطفی شکایت کرد. (۱) حاج آقا مصطفی همراه پدر و رهبر خود حدود یک سال در ترکیه به سر بُرد و عاقبت هر دو به عراق تبعید شدند. (۲)

۶. تبعید به عراق

۶. تبعید به عراق

رژیم ترکیه به دلیل نگرانی خود از تبعیدگاه بودن کشورش برای مردان اسلام، از رژیم ایران خواست تا امام را به کشور دیگری تبعید کند. رژیم ایران هم به دلایلی تصمیم گرفت امام و فرزندش را از ترکیه به نجف در عراق تبعید کند. رژیم ایران از این تبعید اهدافی را دنبال می کرد که برخی از آن ها عبارت بودند از:

۱. خوشحال کردن امت مسلمان ایران به سبب مهاجرت رهبرشان از کشور غیر مذهبی ترکیه به کشور مذهبی عراق؛

۲. دور ماندن رهبری نهضت از ایران؛

۳. محو شدن و کم رنگ شدن جلوه و شکوه امام با رفتن به کشور مرجع خیز عراق و به ویژه شهر عالمان بزرگ شیعه، نجف اشرف.

گفتنی است همه نقشه های رژیم به زیانش تمام شد؛ زیرا علاوه بر

۱- مجموعه مقالات، ص ۱۱۲.

۲- مجموعه مقالات، صص ۱۸۹_ ۱۱۲.

درخشش مقام فقاہت امام خمینی رحمہ اللہ در نجف، اجتہاد و مقام علمی پسرش نیز در نجف زبانزد همگان شد و پدر و پسر توانستند نہضت ایران را از نجف رہبری کنند.

پس از گذشت حدود یک سال از تبعید حاج آقا مصطفی بہ ترکیہ، در ۱۳ مہر ماہ ۱۳۴۴ ه. ش، برابر با ۹ جمادی الثانی ۱۳۸۵ ه. ق، امام خمینی رحمہ اللہ و فرزندش، حاج آقا مصطفی بہ تبعید گاہ دوم؛ یعنی عراق فرستادہ شدند. (۱)

آن دو عالم مجاہد مہاجر، سبک بال و عاشقانہ بہ سوی بغداد پرواز کردند و در فرود گاہ بغداد غریبانہ از ہواپیما پیادہ شدند؛ مأموران ہمراہ خداحافظی کردند و حاج آقا مصطفی ہم با لبخندی از آن ہا خداحافظی کرد.

در گذرنامہ آنان هیچ نشانی نبود کہ مأموران با استفادہ از آن، بہ این واقعیت رهنمون شوند کہ این دو مسافر کہ اکنون بہ عراق آمدہ اند، با میلیون ہا دل عاشق پیوند دارند. نام «خمینی» آن روز نیز نامی مشہور و موج انگیز بود، ولی در باور هیچ مأموری در فرود گاہ بغداد نمی گنجید کہ اکنون این اوست کہ سادہ و بدون تشریفات با آنان روبہ روست.

امام خمینی رحمہ اللہ ابتدا کاظمین را برای زیارت انتخاب کرد. آنان با یک تاکسی بہ کاظمین رفتند و اتاقی را در مسافر خانہ رازی اجارہ کردند.

پس از مقداری استراحت، امام برای زیارت بہ حرم رفت و حاج آقا مصطفی خود را بہ تلفن خانہ رساند. او با آیت اللہ العظمی سید محمد شیرازی رحمہ اللہ کہ در کربلا سکونت داشت و از موقعیت خوبی برخوردار بود، تماس

گرفت و ورود امام را به وی اطلاع داد. آیت الله العظمی شیرازی رحمه الله به علما و مردم، ورود امام خمینی رحمه الله به کاظمین را خبر داد. خبر ورود امام و حاج آقا مصطفی چون رعد و برقی در آسمان عراق خودنمایی کرد و سیل عاشقان از شهرهای نجف، کربلا، سامرا و بغداد برای استقبال به سوی کاظمین سرازیر شدند.^(۱)

عبدالسلام عارف، رئیس جمهور عراق، یکی از وزیران خود را برای خوش آمد گویی خدمت امام خمینی رحمه الله فرستاد. کاظمین نیز غرق در شادی و هیجان بود. آقا مصطفی مشغول پذیرایی بود و به برنامه ریزی برای استقبال از امام در شهرهای سامرا، کربلا و نجف و تهیه مکانی برای سکونت او می اندیشید.

امام خمینی رحمه الله و فرزندش پس از دو روز اقامت در کاظمین برای زیارت امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام به سامرا رفتند. آنان پس از مراسم استقبال و زیارت، به مدرسه میرزای شیرازی رحمه الله رفتند که در آن جا به مناسبت ورود آن ها به عراق، مجلس جشنی برپا بود.

فردای آن روز، امام خمینی رحمه الله به سوی کربلا حرکت کرد. کربلاییان نیز به استقبال آمده بودند؛ در کربلا، غوغایی برپا بود و شور و نشاط موج می زد. حاج آقا مصطفی نگران جان پدر بود و خود را موظف به پاسداری از پدرش می دانست. او دست ها را به دور پدر حلقه کرده بود تا فشار جمعیت را کنترل کند. هیکل و بازوان قوی و سینه پهن او آن روز برای حفظ آن قلب تپنده امت

۱- خاطرات آیت الله پسندیده رحمه الله، ص ۱۱۵؛ ستاره صبح انقلاب، صص ۷۳ و ۷۴.

به کار آمدند. آنان یک هفته در کربلا ماندند و سپس به سوی نجف اشرف مهاجرت کردند.^(۱)

۷. سکونت در نجف اشرف و ادامه فعالیت سیاسی

۷. سکونت در نجف اشرف و ادامه فعالیت سیاسی

امام خمینی رحمه الله و فرزندش پس از یک هفته اقامت در کربلا، سرانجام به سوی نجف رهسپار شدند. استقبال مردم نجف نیز شگفت آور بود و همگان به آنان به دیده احترام می نگریستند. حاج آقا مصطفی به دلیل طبع بلند پدر، از همان کربلا سفارش کرد منزلی ساده برای امام تهیه کنند. آن ها از همان آغاز ورود به نجف به خانه مورد نظر رفتند. البته روزهای اول با دید و بازدیدها و جشن و سرور مردمی سپری شد.

حاج آقا مصطفی در تلگرافی به قم، از مادر و خواهران و خانواده اش خواست تا به نجف مهاجرت کنند. مقدمات سفر خانواده نزدیک به یک ماه طول کشید و سرانجام خانواده وی در شب سوم شعبان به نجف رسیدند. دیدار یار پس از یک سال و اندی، شور و اشتیاق و شادی دیگری به همراه داشت.

پس از مدتی تصمیم گرفتند آقا مصطفی خانه جداگانه ای اجاره کند. وی در نزدیکی بیت پدر، خانه ای دو طبقه اجاره کرد که طبقه پایین در اختیار خانواده و طبقه بالا هم محل کتاب خانه و مطالعه و پذیرایی آقا مصطفی شد. این خانه ساده که در طول حدود ۱۲ سال تبعید رهبر نهضت، مرکز

تصمیم‌گیری‌های مهم و تاریخی بود تا پایان عمر در اجاره آقا مصطفی باقی ماند و سادگی آن تا پایان، دستخوش هیچ تغییری نشد. (۱)

حاج آقا مصطفی پس از تبعید به عراق، با استفاده از آزادی نسبی در حوزه نجف، بر دامنه مبارزه خود افزود و علاوه بر تدریس و روشنگری در زمینه اندیشه‌های اسلامی و تربیت طلاب، با نشر اعلامیه و سفرهای تبلیغی، مردم را در جریان مسایل روز قرار می‌داد. وی با نهضت‌های آزادی‌بخش جهان تماس می‌گرفت و با شخصیت‌های ارزنده اسلامی در سطح جهان ارتباط برقرار می‌کرد و پیام امام را به مردم ایران و دیگر کشورها می‌رساند. (۲) زندگی او محور مبارزات و فعالیت‌های سیاسی بود و از هر فرصتی برای این هدف سود بُرد و از هیچ تلاشی در این راه دریغ نداشت.

حاج آقا مصطفی در نجف اشرف نیز همانند گذشته، یار و یاور پدر بزرگوارش بود. او در این دوره هم جوانانی را که به سوی انقلاب و مبارزه با رژیم شاه روی آورده بودند و هم طلاب و روحانیانی را که می‌بایست در رویارویی و مبارزه با رژیم، مسلح باشند و بتوانند با بهره‌مندی از فنون نظامی، نهضت را پیش ببرند، تشویق و حمایت می‌کرد. (۳)

حاج آقا مصطفی در مدت دوازده سال اقامت خود در نجف اشرف از یک سو، در سنگر تحصیل، تدریس، تحقیق و تألیف علوم حوزوی پیشگام بود و از

۱- ستاره صبح انقلاب، صص ۷۷ و ۷۸.

۲- حوزه، ش ۸۱_ ۸۲، ص ۳۲۳.

۳- مجموعه مقالات، ص ۱۱۲.

دیگر سو، در مبارزات امام خمینی رحمه الله، نقش محوری داشت. به طور کلی، فعالیت ها و مبارزات این عالم مجاهد را در آن روزگار می توان در چند محور برشمرد.

الف) اقدام جهت نشر افکار انقلابی امام با پخش رساله عملیه، اعلامیه ها و نامه ها و نشر سخنان وی در ایران و دیگر کشورها.

ب) راهنمایی یاران امام و طرف مشورت بودن آنان.

ج) ارتباط با ایرانیان مبارز خارج از کشور و نهضت های آزادی بخش اسلامی.

د) تأمین هزینه های روحانیان و فضلاء مبارز.

ه) پذیرایی از مبارزانی که برای پی گیری اهداف انقلاب به نجف اشرف می آمدند.

و) مسافرت به کشورهایمانند: سوریه، لبنان، عربستان و کویت جهت انجام مأموریت هایی که از سوی امام به وی واگذار می شد و برای برقراری هرگونه تماس با انقلابیان آن کشورها.

ز) گذراندن دوره های آموزش نظامی و تشویق فضلاء حوزه به گذراندن این گونه دوره ها. (۱)

مرحوم حاج احمد آقا خمینی درباره فعالیت های سیاسی برادرش در نجف، چنین گفته است:

... در نجف، ایشان [حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله] اعلامیه های امام را

با وسایلی، به ایران و کشورهای خارج می‌رساند و منزل برادر، مأوای کسانی بود که از کشورهای خارج به عراق آمده و در مورد مسایل انقلاب و اسلام باهم تبادل نظر می‌کردند. همیشه از اروپا و امریکا و کشورهای آسیایی و کشورهای خلیج و عربی رفت و آمد می‌کردند و این مسئله باعث دلگرمی شدید کسانی بود که در خارج علیه شاه مبارزه می‌نمودند. (۱)

۸. فعالیت در ایام حج

۸. فعالیت در ایام حج

شهید حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله در طول اقامت خود در نجف اشرف، دو بار توفیق شرکت در مراسم باشکوه عبادی و معنوی و سیاسی حج یافت؛ او یک بار در سال ۱۳۴۵ و بار دیگر در سال ۱۳۵۳ به زیارت خانه خدا و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه بقیع علیهم السلام شتافت. (۲) موسم حج و سرپرسی بعثه امام موقعیت مناسبی برای تبلیغ بود. او در این زیارت ها با افراد دیدار می‌کرد و ایرانیان را در جریان نهضت می‌گذاشت. ساواک که هم چون سایه به دنبال وی بود، در هماهنگی با مقام های عربستان، فعالیت های او را کنترل می‌کرد و حتی در یک توطئه در صدد برآمد تا وی را در موسم حج ترور کند که با هوشیاری به هنگام ایشان، ساواک ناکام ماند. (۳)

هرکس هرگونه تماسی با حاج آقا مصطفی برقرار می‌کرد، ساواک به سرعت پرونده ای برای وی تشکیل می‌داد و چنانچه در ایران زندگی می‌کرد،

۱- مجموعه مقالات، ص ۹۰.

۲- مجموعه مقالات، ص ۹۱؛ ستاره صبح انقلاب، صص ۹۶ و ۹۷.

۳- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، ص ۳۴۸.

تحت مراقبت، بازجویی و شکنجه قرار می گرفت و زندانی می شد. (۱)

حاج آقا مصطفی در ایام حج پس از نیمه شب، پشت مقام ابراهیم علیه السلام می نشست و علما و مردم با وی دیدار می کردند. از جمله روحانیانی که با وی تماس گرفتند و پس از ورود به ایران، ساواک دستور دستگیری آنان را صادر کرد، عبارت بودند از: آقا مجدالدین محلاتی، آیت الله مشکینی، حجت الاسلام علی اصغر مروارید و شهید حاج شیخ فضل الله محلاتی رحمه الله. ابراز احساسات مردم نسبت به حاج آقا مصطفی برای نیروهای رژیم تعجب انگیز بود که چگونه پس از چند سال تبعید، مردم ایران نسبت به وی این گونه اظهار علاقه می کنند؟! (۲)

۹. برخورد با حزب بعث عراق و دستگیری در نجف اشرف

۹. برخورد با حزب بعث عراق و دستگیری در نجف اشرف

بخشی از فعالیت های سیاسی و اجتماعی شهید حاج آقا مصطفی رحمه الله در برخورد با حزب بعث عراق شکل گرفته است. پس از تقویت حزب بعث در عراق و روی کار آمدن احمد حسن البکر به عنوان رئیس جمهور عراق و افزایش تیرگی روابط ایران و عراق، کارگزاران حزب بعث از امام خمینی رحمه الله خواستند بیانییه ای بر ضد دولت ایران صادر کنند. امام با این استدلال که اختلاف ما با دولت ایران یک اختلاف اساسی و عقیدتی است و برطرف شدنی نیست، ولی اختلافی که اکنون بین دولت های ایران و عراق بروز کرده، موسمی و زود گذر است و نیز بدین دلیل که وطن خود را به عراق

۱- مجموعه مقالات، ص ۹۴.

۲- ستاره صبح انقلاب، صص ۹۷ _ ۹۹.

نمی فروشد، از دخالت در این امر خودداری کرد. ایشان حاضر نشد علیه ایران موضع گیری کند یا از رژیم بعثی عراق به عنوان سکویی برای ادامه مبارزه خود بهره بگیرد.

از سویی دیگر، رژیم بغداد محدودیت هایی برای آیت الله العظمی سیدمحسن حکیم رحمه الله برقرار و او را به بغداد احضار کرد و فرزندش، سیدمهدی حکیم را بازداشت نمود. سپس در ۱۹/۳/۱۳۴۸ ه. ش، او را از بغداد به نجف برگرداند و هرگونه دیدار با وی را ممنوع و در واقع، ایشان را در بیت خود زندانی کرد.

در چنین شرایطی که کسی جرأت نمی کرد به بیت حکیم رحمه الله نزدیک شود، حاج آقا مصطفی بدون کوچک ترین ترس و واهمه ای در تاریخ ۲۰/۳/۱۳۴۸ ه. ش، تنها یک روز پس از بازگشت آیت الله العظمی حکیم رحمه الله از بغداد به نجف، با وی دیدار کرد تا هم از مرجعیت دفاع کند و هم فضای هراس و وحشت تماس با وی را تا حدودی از بین ببرد. این دیدار مایه ناراحتی و خشم رژیم حاکم بغداد شد. در نتیجه، در روز ۲۱/۳/۱۳۴۸ ه. ش، رئیس سازمان امنیت و فرماندار نجف اشرف به حضور امام خمینی رحمه الله رسید و اظهار داشت که از شورای فرماندهی حزب بعث مأموریت دارد که آقای سید مصطفی را به بغداد ببرد و برای انجام این مأموریت از امام اجازه خواست. امام خمینی رحمه الله در پاسخ گفت:

اگر اعزام او به بغداد منوط به اجازه من است، من هرگز چنین اجازه ای نمی دهم و اگر مأمور به جلب او هستید که خود می دانید.

امام خمینی رحمه الله، فرزندش را به حضور طلبید و او را از جریان امر آگاه

ساخت و بدین ترتیب، حاج آقا مصطفی به همراه چند تن از مقام های امنیتی عراق به بغداد گسیل شد. چندی نگذشته بود که خبر این اقدام در حوزه علمیه نجف پیچید و نگرانی شدیدی در مجامع حوزوی به وجود آورد.

امام خمینی رحمه الله که هیچ گاه از دستگیری، بازداشت و تبعید خود و یا اطرافیانش پروا و واهمه ای از خود نشان نمی داد، پس از دستگیری حاج آقا مصطفی بدون آن که تغییری در برنامه روزانه خود ایجاد کند، به درس و بحث و نماز و دیدار مردمی و دیگر برنامه های خود ادامه داد.

مأموران امنیتی رژیم بعث، حاج آقا مصطفی را پس از ورود به بغداد به کاخ ریاست جمهوری بردند، در آن جا، افزون بر احمد حسن البکر، چند تن از اعضای شورای فرماندهی و نیز تیمور بختیار، رئیس فراری سابق ساواک ایران حضور داشتند.

در آغاز، احمد حسن البکر به دیدارهای سرّی و همیشگی او با آیت الله العظمی حکیم رحمه الله اشاره کرد و هشدار داد که ممکن است کار به جایی کشیده شود که ناراحتی وی و نگرانی پدرش (امام خمینی رحمه الله) را به همراه داشته باشد. (۱)

سران حزب بعث عراق به ویژه حسن البکر کوشیدند حاج آقا مصطفی را راضی کنند علیه رژیم ایران موضع گیری و با حزب بعث همکاری کند. حسن البکر پس از احترام به او، اظهار داشت:

ما چندین بار از شما خواستیم که به نفع دولت عراق و بر علیه کشور

۱- ستاره صبح انقلاب، صص ۱۰۲ و ۱۰۳؛ مجموعه مقالات، صص ۹۵ _ ۹۷ و ۱۱۳؛ سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی رحمه الله، چاپ پنجم، زمستان ۱۳۸۱، نشر مؤسسه چاپ و نشر عروج، ج ۲، ص ۵۷۳.

شاهنشاهی ایران اقداماتی معمول دارید و هر بار از این امرشان آن‌ها خالی کرده‌اید. شما از پدرت آن بخواهی که درت آمین نظر ما ادا نماید.

حاج آقا مصطفی گفت:

من به هیچ وجه اجازه ندارم که از طرف پدرم به شما قولی بدهم و تصور می‌کنم حرف ایشان همان حرف اولی باشد. (۱)

بنابراین، این پیشنهاد همکاری، از طرف شهید حاج آقا مصطفی رحمه الله قاطعانه رد شد.

مأموران حزب بعث پس از آن که انعطاف ناپذیری او را دیدند و از فریفتن وی مأیوس شدند، هشدارهای لازم را نسبت به دیدار وی با آیت الله العظمی حکیم رحمه الله دادند و او را آزاد کردند. به هر حال این گونه سرسختی‌های شهید حاج آقا مصطفی ادامه یافت تا آن جا که وجود این فرزانه مبارز برای رژیم‌های پهلوی ایران و بعث عراق تحمل ناپذیر شد و در صدد نابودی او برآمدند و توطئه خود را در شب اول آبان ماه ۱۳۵۶ عملی ساختند. (۲)

۱۰. موضع‌گیری سیاسی

۱۰. موضع‌گیری سیاسی

شهید سیدمصطفی خمینی رحمه الله در دوران مبارزات سیاسی خود چه در ایران، چه در تبعیدگاه ترکیه و چه در تبعیدگاه عراق، در موضع سیاسی خود، مسیر درستی را برمی‌گزید و اجرا می‌کرد. او از پدر بزرگوارش آموخته بود که

۱- ستاره صبح انقلاب، ص ۱۰۳.

۲- مجموعه مقالات، صص ۹۷ و ۹۸.

با منحرفان، فرصت طلبان، بی دینان و چپ نماها نباید هم سو و هم جهت شد؛ همه این گروه ها در حذف شاه هم فکر و هم عقیده بودند، ولی در انگیزه های اصولی حرکت، هدف ها و مسیرها، تفاوت اصولی داشتند.

او در موضع اصولی خود از جاذبه و دافعه ای با معیارهای اسلامی بهره مند بود و می کوشید با گروه هایی که هدفی دیگر را دنبال می کنند، سازش و همراهی نکند. در راستای همین سیاست بود که، وی با رژیم بعثی عراق همکاری نمی کرد، اگرچه در حذف شاه هم عقیده بودند. او هم چنین با لیبرال ها، چپ ها و چپ نماها و فرصت طلبانی هم چون تیمور بختیار همکاری نمی کرد، هرچند همه این افراد، مورد غضب شاه و در هدف «مبارزه با شاه» هم فکر بودند.

حاج آقا مصطفی در مصاحبه ای با هفته نامه لوموند، در نجف در پاسخ به این پرسش خبرنگار که آیا حاضرید با کمونیست ها برای براندازی رژیم شاه متحد شوید، گفته بود:

ما احتیاج به هیچ یک از عناصر غیر مسلمان نداریم؛ ما با اتکا به خدا و یاری مردم مسلمان ایران بر رژیم شاه پیروز خواهیم شد. (۱)

از آن جا که او مبارزی هدفدار بود و مبارزه را برای پیروزی اسلام می خواست، اگر احساس می کرد کسی از حوزه دین خارج شده یا نسبت به شریعت بی تفاوت شده است، رابطه اش را با او قطع می کرد. (۲)

۱- مجموعه مقالات، ص ۱۱۴.

۲- ستاره صبح انقلاب، ص ۹۹.

۱۱. ارتباط با خواص و پیوند با نیروهای مبارز ایران، عراق و دیگر کشورها

۱۱. ارتباط با خواص و پیوند با نیروهای مبارز ایران، عراق و دیگر کشورها

از آن جا که حاج آقا مصطفی، شخصیتی سیاسی، اندیشمند و با تفکر، روش و منش ویژه در زمینه مسایل سیاسی و مبارزاتی بود، وقتی شخصیت هایی مانند شهید آیت الله دکتر بهشتی رحمه الله، شهید آیت الله مطهری رحمه الله، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله جنتی، آیت الله موسوی اردبیلی و دیگران از ایران به نجف می رفتند، افزون بر ملاقات و مذاکره با امام خمینی رحمه الله، جلسه هایی نیز با حاج آقا مصطفی داشتند و نظرهای او را دریافت و منتقل می کردند؛ چرا که نیروهای داخل، دیدگاه های وی را هم با اهمیت می دانستند. همین طور کسانی که از اروپا و امریکا می آمدند، نظیر بنی صدر، قطب زاده، صادق طباطبایی، دکتر یزدی و دیگران پس از ملاقات با امام رحمه الله، در زمینه مسایل سیاسی و مبارزاتی با حاج آقا مصطفی دیدار می کردند؛ از این رو، وقتی این شهید بزرگوار به دلایلی مانند انحراف فکری این گروه از هم نشینی و گفت و گو با آنان خودداری کرد، آن ها احساس کمبود کردند و ناراحت شدند.^(۱)

به هر حال، حاج آقا مصطفی محور مبارزات بود؛ از خارج عراق، از لندن، پاریس یا جاهای دیگر هم که مخالفان یا موافقان برای دیدار و صحبت با امام خمینی رحمه الله می آمدند، با حاج آقا مصطفی نیز دیدار می کردند و او برای

هماهنگی بین مبارزان خارج از ایران بسیار می‌کوشید. (۱)

حاج آقا مصطفی رحمه الله، در پیوند مبارزه و نهضت اسلامی ایران با نیروهای فراسوی ایران و عراق از جمله اروپا و امریکا و نیز فلسطین و لبنان به ویژه امام موسی صدر، نقش بسیار مؤثری داشته است. (۲)

او با نهضت‌های آزادی بخش جهان تماس می‌گرفت و با شخصیت‌های ارزنده اسلامی در سطح جهان پیوند برقرار می‌کرد و پیام امام را به ایران و دیگر کشورها می‌رساند. او برای آگاه کردن مردم مسلمان دیگر کشورها و برقراری پیوند با مبارزان و نهضت‌های آزادی بخش، بارها به سوریه و لبنان سفر کرده بود. (۳)

۱- ستاره صبح انقلاب، صص ۹۴ _ ۹۹.

۲- راز توفان، ص ۳۰.

۳- حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، صص ۳۲۳ و ۳۴۸.

ص: ۸۷

فصل ششم: شهادت

اشاره

فصل ششم: شهادت

فرا رسیدن پاییز سال ۱۳۵۶، حکایت از خزان زندگی ستاره ای درخشان داشت؛ ستاره ای که در شب اول آبان ماه آن سال، هدف توطئه ستمکاران تاریخ قرار گرفت و در حالی که ۴۷ بهار بیش تر از عمرش نمی گذشت، مظلومانه خاموش شد. بدنش نیز همانند برگ پاییزی بر روی سجاده و کتاب دعا افتاد و روح والایش عاشقانه به دیدار یار شتافت.

حاج آقا مصطفی خمینی در راهی شهید شد که از آینده اش خبر داشت؛ راهی که در این دنیا جز با پیروزی یا شهادت پایان نمی یافت. او بارها سرانجام راه را به دوستان گوشزد می کرد: «در راه آزادی کشته ها خواهیم داد و بالاخره پیروزی ثمره پایداری است».^(۱)

دشمنان حاج آقا مصطفی به خوبی دریافته بودند که وی مانند کوهی استوار در برابرشان ایستاده است و از تهدیدها و تبعیدها خم به ابرو نمی آورد، بلکه پیوسته پنجه در پنجه آنان افکنده و برای شکستشان کمر همت بسته است. آنان برای پیش گیری از شکست و حفظ مقام و موقعیت خود، در صدد ترور آن عالم بزرگ برآمدند و برای اجرای این توطئه شوم، مناسب ترین راه را در سوءاستفاده از صفا و صمیمیت و مردانگی حاج آقا مصطفی یافتند؛ از این رو، در حوزه روابط اجتماعی او نفوذ کردند و در لباس دوستی و همراهی، خائنانه و مخفیانه، نقشه پلید خویش را به اجرا گذاشتند، البته آنان می پنداشتند

۱- شهدای روحانیت شیعه، ص ۲۶۱؛ شهیدی دیگر از روحانیت، کمیته علمی کنگره شهید آیت الله سید مصطفی خمینی رحمه الله، چاپ دوم، ۱۳۷۶، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، ص ۱۰؛ یادها و یادمان ها، ج ۲، ص ۳۹۲

که کسی متوجه جنایتشان نمی شود، ولی دوستان، آشنایان، مبارزان و پزشکان به مسمومیت و شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله پی بردند و دستان آلوده دشمنان نهضت را شناختند.

۱. خواب شگفت انگیز

۱. خواب شگفت انگیز

حاج آقا مصطفی چند ماه پیش از شهادتش، یک بار خوابی دید بدین مضمون که شتری آمد و در خانه امام خمینی رحمه الله روی زمین نشست و پس از مدت کوتاهی برخاست و به سوی خانه ایشان رفت. با توجه به این که به وی خبر رسیده بود افرادی از طرف ساواک برای ترور امام و حاج آقا مصطفی، از ایران به عراق آمده اند، او خوابش را چنین تعبیر کرد که این شتر علامت مرگ بوده و به خواست خدا از خانه امام دور شده است. (۱)

۲. پرواز به سرای جاودان

۲. پرواز به سرای جاودان

در امتداد خط سرخ شهادت، شهادت حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله در دفتر تاریخ، در روز یکشنبه نهم ذی قعدة ۱۳۹۷ ه ق، برابر با اول آبان ۱۳۵۶ ه. ش، نقش بسته و ماندگار شده است. (۲)

مدت کوتاهی پیش از شهادت او، دو فرد ایرانی شبی به دیدار او در نجف رفته بودند و یکی از آن دو در گفت و گویی آهسته به وی هشدار داده بود که

۱- راز توفان، ص ۳۵۱.

۲- کوثر، ج ۱، ص ۲۹۱؛ تاریخ ایران در دوران معاصر، ص ۲۰۵.

رژیم شاه برای پیش گیری از سقوط خود، درصدد است چند نفر را از میان بردارد که یکی از آن ها شما هستید؛ پس مواظب خودتان باشید! حاج آقا مصطفی جریان این دیدار و خبر را فردای آن شب برای برخی از دوستانش بازگو کرده بود.

روز پیش از شهادت، حاج آقا مصطفی مانند همیشه در جلسه درس امام خمینی رحمه الله شرکت کرد و در نماز جماعت ظهر و عصر مسجد شیخ انصاری رحمه الله حضور یافت. بعد از ظهر نیز در سلامتی کامل به تدریس درس اصول پرداخت و شب هم برای ادای نماز به مدرسه آیت الله بروجردی رحمه الله رفت. او پس از ادای نماز جماعت و دیدار با امام خمینی رحمه الله، در مجلس سوگواری و ختمی حاضر شد و سپس به خانه بازگشت. (۱)

حاج آقا مصطفی شب ها تا طلوع فجر به مطالعه، عبادت، شب زنده داری و نماز شب می پرداخت. صبحگاهان نیز نماز صبح می خواند و پس از آن، مقداری استراحت می کرد و چند ساعتی می خوابید. آن شب، حاج آقا مصطفی زودتر به خانه رفت؛ زیرا قرار بود که ساعت ۱۲ مهمان برایش بیاید. البته پیش از مهمانی، حجت الاسلام سید محمود دعایی، دوست و همسایه او برای همسر وی که سخت بیمار بود، پزشک آورده بود. او پیش از آمدن مهمان ها به همسر خود گفت: «منتظر من نشوید، شام خود را بخورید و بخوابید».

همسر او هم که بیمار بود، به استراحت پرداخت و دیگر متوجه نشد که

۱- راز توفان، صص ۳۵۱؛ مجموعه مقالات، صص ۱۱۴ و ۱۱۵؛ شهیدی دیگر از روحانیت؛ یادها و یادمان ها، ج ۲، ص ۴۲۳.

مهمان ها چه وقت آمدند و کی رفتند و چه شد.

حاج آقا مصطفی به صغری خانم، پیر زنی یزدی که پس از ازدواج حاج آقا مصطفی رحمه الله همراه همسر او به خانه وی آمده بود و به این خانواده خدمت می کرد، گفته بود: «برو بخواب. اگر مهمان آمد، من در را باز می کنم».

صغری خانم به حرم رفت و پس از خواندن نماز و زیارت به خانه بازگشت و خوابید. حاج آقا مصطفی تا پاسی از شب بیدار بود و پس از پذیرایی از مهمان ها، مثل همیشه به مطالعه و عبادت پرداخته. (۱)

صبح یک شنبه نهم ذی قعدة برابر با اول آبان ۱۳۵۶، صغری خانم مانند همیشه صبحانه حاج آقا مصطفی را به اتاق او برد و در زد. در حالی که لامپ روشن بود، پاسخی نشنید. وی گمان کرد که ایشان مشغول نماز است و خوب نیست که مزاحم شود. پس برگشت و پس از ده دقیقه، دوباره به اتاق حاج آقا مصطفی بازگشت و در زد، ولی باز هم جوابی نشنید. چند دقیقه صبر کرد و باز در زد، ولی پاسخی نشنید. در را کمی باز کرد و متوجه شد که ایشان شام نخورده و ظرف غذا دست نخورده در کنار اتاق است. خود حاج آقا مصطفی را دید که بر روی سجاده و کتاب دعا به حالت سجده خم شده بود و حرکتی نداشت. صغری خانم فکر کرد که آقا خوابش برده است. پس صدایش کرد و گفت: آقا!... آقا خوابتان برده؟

جوابی شنیده نشد، ولی زیر چشمان وی به رنگ خرما، کیود بود. صغری

۱- راز توفان، صص ۳۵۲ و ۳۵۳؛ ستاره صبح انقلاب، ص ۱۰۷؛ یادمان ها، ج ۲، صص ۳۹۶، ۴۰۴، ۴۰۵ و ۴۰۸.

خانم خود را به همسر حاج آقا مصطفی رساند و حیران و ترسان مطلب را به او گفت و سپس به کوچه دوید و فریاد زد که آقا مصطفی مریض شده است و کمک خواست.

همسر حاج آقا مصطفی با عجله خود را به وی رساند و پس از تکان دادن بدن او متوجه شد که واکنش ندارد و دست هایش کیبود شده است و لکه هایی بنفش نیز روی سینه و سر شانه هایش وجود دارد.

حجت الاسلام دعایی که موضوع را از صغری خانم در کوچه شنیده بود، پس از دیدن حاج آقا مصطفی در آن حال، طلبه ای را به خانه امام خمینی رحمه الله فرستاد تا حاج احمد آقا را خبر کند و خود نیز با چند نفر دیگر کوشیدند تا او را به بیمارستان برسانند.

آن طلبه به بیت امام خمینی رفت و خبر داد که حاج احمد آقا باید به خانه برادرش برود. امام خمینی نیز حاج احمد آقا را بیدار کرد و او را آگاه ساخت که باید به خانه حاج آقا مصطفی برود، بدین گمان که همسر حاج آقا مصطفی بیمار است و به کمک حاج احمد آقا نیاز دارند.

حاج احمد آقا شتابان به خانه برادرش رفت. او پس از ورود به خانه، آقای دعایی و دو نفر دیگر را دید که زیر بغل و پاهای برادرش را گرفته اند و به سوی تاکسی پارک شده در روبه روی خانه می آورند. دستش را بر پیشانی برادر گذاشت؛ گرمایی احساس کرد، ولی گویا کسی به وی گفت که او مرده است. پیکر حاج آقا مصطفی را به بیمارستان رساندند. پزشک پس از معاینه تشخیص داد که او بر اثر مسمومیت، دو ساعت پیش از معاینه از دنیا رفته است. با علایمی که روی پوست بدن حاج آقا مصطفی وجود داشت، مشخص بود که

مرگ طبیعی نبوده و ناشی از مسمومیت بوده است. کبودی زیر چشم، کبودی دست ها و پاها، لکه های بنفش روی سینه و سر شانه ها، زردی انگشت بزرگ پای چپ، همه و همه حاکی از مسمومیت او بود. (۱)

حاج احمد آقا به بیت امام خمینی بازگشت و دو نفر را نزد ایشان فرستاد که بگویند حال حاج آقا مصطفی رحمه الله بد شده است و او را به بیمارستان برده اند. پس از چند لحظه امام گفت: بگویند احمد بیاید.

امام با دیدن او گفت: «من می خواهم به بیمارستان بروم و مصطفی را ببینم».

حاج احمد آقا با ناراحتی از اتاق امام بیرون آمد و پس از مشورت با آقای رضوانی، مصلحت دید که بگوید پزشک، ملاقات با حاج آقا مصطفی را ممنوع کرده است. پس از این تصمیم، امام از پنجره طبقه بالا، حاج احمد آقا را صدا زد. وقتی او نزد وی رفت، امام گفت: «مصطفی فوت کرده؟»

حاج احمد آقا که بسیار ناراحت بود، گریست و سخنی نگفت. امام خمینی رحمه الله در حالی که نشسته بود و دست هایش روی زانوانش قرار داشت، چند بار انگشتانش را تکان داد و سه بار گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

این تنها واکنش امام پس از شنیدن خبر شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله بود.

پس از آگاهی امام خمینی رحمه الله از شهادت پسرش، خویشاوندان، دوستان و آشنایان برای عرض تسلیت یکی پس از دیگری نزد ایشان شتافتند. (۲) امام

۱- نک: یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۵۲، ۵۳، ۱۹۴ و ۱۹۵ و ج ۲، صص ۳۹۷، ۴۰۵، ۴۰۸، ۴۲۳ و ۴۲۴.

۲- نک: یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۵۳ و ۱۶۸؛ کوثر، ج ۱، ص ۲۹۳.

خمینی رحمه الله به تسلیت دهندگان تنها یک جمله گفت: «مصطفی امید آینده اسلام بود».^(۱)

این عکس العمل امام خمینی از یک سو، همه دوستان را از ناحیه خود آسوده خاطر کرد و از سویی دیگر، از شادی دشمنان کاست؛ دشمنانی که به دنبال وارد آوردن لطمه روحی به امام رحمه الله و منتظر دیدن گریه و زاری او بودند.

۳. انتشار خبر شهادت و تعطیلی حوزه علمیه نجف اشرف

۳. انتشار خبر شهادت و تعطیلی حوزه علمیه نجف اشرف

در همان ساعت های آغازین صبح یک شنبه، خبر شهادت حاج آقا مصطفی به خویشاوندان، همسایگان، دوستان، آشنایان و روحانیان حوزه علمیه نجف رسید. به مناسبت شهادت او، درس های حوزه علمیه نجف در آن روز تعطیل شد و علما، مدرسان و روحانیان به سوی بیت امام خمینی رحمه الله رفتند و پس از تسلیت گویی و روضه خوانی، برای مراسم تشییع جنازه آماده شدند.^(۲)

تعطیلی حوزه علمیه نجف اشرف به مناسبت شهادت حاج آقا مصطفی نشان دهنده مقام والای علمی و احترامی بود که امام و فرزندش رحمه الله نزد حوزویان داشتند.

۴. اشک ریختن امام خمینی رحمه الله با مرثیه اهل بیت علیهم السلام

۴. اشک ریختن امام خمینی رحمه الله با مرثیه اهل بیت علیهم السلام

از ساعت ۸ صبح روز شهادت حاج آقا مصطفی در بیت امام باز بود و علما، فضلا، روحانیان و دیگران برای تسلیت گویی نزد ایشان می رفتند. آن روز بیت امام خمینی محل رفت و آمد فراوان بود و هر کس وارد آن خانه

۱- راز توفان، ص ۳۵۵؛ یادها و یادمان ها، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲- راز توفان، ص ۱۱۰.

می شد، بی اختیار اشک می ریخت، ولی امام هم چون کوهی استوار بود و آثار شکست و غم و اندوه در چهره اش آشکار نبود. یکی از روضه خوان ها گفت:

این حالت امام بسیار خطرناک است، باید کاری کرد که ایشان گریه نکند. اگر اجازه بدهید، من روضه بخوانم تا امام را به گریه وادار کنیم....

هرگاه برای یکی از امامان معصوم علیهم السلام روضه ای خوانده می شد، امام خمینی بی اختیار اشک می ریخت. او شروع به روضه خواندن کرد. این بار نیز که به مناسبت، روضه علی اکبر امام حسین علیهما السلام روضه ای خوانده شد، امام در حالی که به زمین نگاه می کرد، قطره های اشک آرام آرام از گوشه چشمانش جاری شد. (۱)

۵. نظر پزشک و پیشنهاد کالبد شکافی

۵. نظر پزشک و پیشنهاد کالبد شکافی

پس از انتقال پیکر حاج آقا مصطفی رحمه الله به بیمارستان و معاینه، پزشک اعلام کرد: «آثاری از سگته قلبی یا مغزی در وی مشاهده نمی شود و علایم روی بدن از مسمومیت وی خبر می دهد، اما برای روشن شدن واقعیت کالبد شکافی لازم است».

این پزشک برای اثبات ادعای خود مبنی بر مسمومیت، کالبد شکافی را لازم دانست و خواستار اجازه امام خمینی رحمه الله برای کالبد شکافی شد. (۲) امام خمینی با این پیشنهاد مخالفت کرد و اجازه کالبد شکافی نداد و گفت:

بالاخره این کسی که از دنیا رفته، محترم است و حالا کالبد شکافی هم

۱- یادها و یادمان ها، ج ۱، ص ۱۷۰؛ راز توفان، ص ۳۵۶.

۲- ستاره صبح انقلاب، صص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ یادها و یادمان ها، ج ۲، ص ۴۰۵.

بشود و ثابت شود که ایشان مسموم شده، چه دردی را دوا می کند؟ او را که زنده نمی کند و حیات جدیدی به او نمی دهد جز این که هتک حرمت یک انسان مؤمنی که از دنیا رفته است، باشد. (۱)

۶. دلداری دادن به مادر داغدیده و همسر مصیبت زده

۶. دلداری دادن به مادر داغدیده و همسر مصیبت زده

امام خمینی رحمه الله در همان روز شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله پس از نماز ظهر و عصر از مسجد ترک ها خارج شد و برای روحیه بخشیدن و عرض تسلیت به خانواده و نزدیکان حاج آقا مصطفی به خانه وی رفت.

پس از ورود امام خمینی رحمه الله به خانه آن شهید، بستگان نزدیک، مادر، همسر و دختر حاج آقا مصطفی دور امام حلقه زدند و گریه و زاری و بی تابی کردند. امام به مادر و همسر شهید گفت:

این امانتی بود که خداوند به شما داد و حال امانت خود را پس گرفت. شما صبر کنید و صبرتان هم برای خدا باشد. (۲)

گویا این کلمات امام آبی بود که بر روی آتش فراق آن عزیز پاشیده می شد؛ زیرا یاد خدا، آرام بخش دل های آنان بود.

۷. شام غریبان

۷. شام غریبان

در شام غریبان حاج آقا مصطفی، وقتی امام خمینی رحمه الله پس از اقامه نماز مغرب و عشا از مدرسه آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله به خانه بازگشت، مردم گروه گروه برای دیدار امام رحمه الله و عرض تسلیت به آن جا آمدند و مداحان و

۱- راز توفان، صص ۳۵۷ و ۳۵۸؛ یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۱۷۲ و ۱۷۳.

۲- راز توفان، ص ۳۵۹؛ یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ شهیدی دیگر از روحانیت، ص ۱۸۵.

خطبا به سخنرانی و روضه خوانی پرداختند.

آن شب، یکی از خطبا و شعرای برجسته عراق، خطابه ای گیرا و دلنشین خواند و در ضمن، این آیه شریفه را تلاوت کرد:

وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا. (۱)

آیه ای که درباره مقام امامت و رهبری حضرت ابراهیم علیه السلام است؛ با این توضیح که پروردگار پس از آزمایش هایی که از حضرت ابراهیم علیه السلام کرد و او در آن امتحان ها پیروز و سر بلند شد، وی را به امامت منصوب کرد.

آن خطیب به دلیل این که فقها و مجتهدان پس از پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام در زمان غیبت امام زمان علیه السلام جانشینان و وارثان آنان هستند، این آیه را در سطحی متناسب به امام خمینی رحمه الله تطبیق داد و از رهبری او سخن گفت. این سخنرانی مورد توجه ویژه شخصیت های حاضر در مجلس قرار گرفت، ولی هیچ گونه تأثیری در چهره مبارک امام خمینی نهاد. (۲)

پس از این سخنرانی و سخنرانی های مشابهی در قم و تهران، آیت الله سید روح الله موسوی خمینی در میان مردم به «امام خمینی» مشهور شد. (۳)

۸. تشییع جنازه و خاک سپاری

۸. تشییع جنازه و خاک سپاری

امام خمینی دستور داد آقا مصطفی را به کربلا ببرند و در آن جا مراحل

۱- سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۲۴: «هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش ها برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم».

۲- شهیدی دیگر از روحانیت، ص ۷۰؛ راز توفان، صص ۳۵۹ و ۳۶۰؛ یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۱۷۵ و ۱۷۶؛ شهدای روحانیت شیعه، ص ۲۶۶.

۳- شهیدی دیگر از روحانیت، صص ۷۰ و ۱۰۵؛ ستاره صبح انقلاب، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

غسل و طواف انجام شود. (۱)

حدود ساعت ۱۰ صبح یکشنبه (روز شهادت) جنازه را به کربلا بردند و بیش از هفتاد اتومبیل و اتوبوس همراه جنازه از نجف به کربلا رفتند. پیکر حاج آقا مصطفی رحمه الله در کنار رود فرات و نزدیک خیمه گاه سرور شهیدان امام حسین علیه السلام با آب فرات شست و شو و غسل داده شد و کفن گردید.

پس از آگاهی مردم از شهادت حاج آقا مصطفی، با شنیدن صدای بلند گوه‌های صحن مطهر امام حسین و حضرت ابوالفضل علیهما السلام و آمادگی عاشقانه آنان، تشییع جنازه با شکوهی با شرکت علما، روحانیان، دوستان و آشنایان و مردم کربلا آغاز شد. جنازه را از خیمه گاه سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام به حرم بردند و پس از طواف و خواندن زیارت، به حرم حضرت عباس علیه السلام انتقال دادند و آن جا نیز مراسم طواف و زیارت انجام شد.

غروب آن روز جنازه و همراهیان به نجف بازگشتند و قرار شد تشییع جنازه در نجف، در صبح روز دوشنبه دهم ذی قعدة انجام شود. آن شب جنازه حاج آقا مصطفی در مسجد مدرسه بغدادی مستقر شد و یکی دو نفر هم در کنار آن ماندند و مراسم دعا، نیایش و تلاوت قرآن تا صبح برقرار بود. (۲)

صبح روز بعد، جنازه را از مدرسه بغدادی به مسجد بهبهانی که مبدأ تشییع جنازه علما و مراجع نجف بود، انتقال دادند. مراجع، علما، فضلا، طلاب و قشرهای مختلف مردم در آن مسجد جمع شدند و امام خمینی رحمه الله نیز هم

۱- راز توفان، ص ۳۵۸؛ یادها و یادمان ها، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲- شهیدی دیگر از روحانیت، صص ۶۹ و ۷۰.

چون کوهی استوار در جمع علما و مراجع حاضر شد و چند صفحه از قرآن کریم تلاوت کرد. با اجازه ایشان، تشییع جنازه در ساعت ۹ صبح روز دوشنبه دهم ذی قعدة برابر با دوم آبان ۱۳۵۶ از مسجد بهبهانی به طرف صحن مطهر مولود کعبه امام علی علیه السلام آغاز شد؛ در حالی که حوزه علمیه، بازار بزرگ، خیابان ها و مغازه های نجف برای تشییع جنازه تعطیل شده بود.

تشییع جنازه حاج آقا مصطفی بسیار با شکوه بود؛ صدای «الله اکبر» و «لا اله الا الله» تشییع کنندگان در آن مسیر طنین افکنده و ابراز احساسات مردم به ویژه روحانیان التهاب و هیجان ویژه ای پدید آورده بود. بر سر در بازار و صحن مطهر امام علی علیه السلام از طرف اهالی پلاکارد نصب شده بود و این مصیبت به امام مهدی _ ارواحنا فداه _ و امام خمینی رحمه الله و حوزه های علمیه و امت اسلامی تسلیت گفته شده بود. صدای دلنشین قرائت قرآن کریم از بلندگوی گلدسته های صحن امام علی علیه السلام به گوش می رسید و برنامه تشییع جنازه حاج آقا مصطفی لحظه به لحظه به زبان عربی اعلام می شد.

امام خمینی همان گونه و به همان مقداری که در مراسم تشییع جنازه دیگران شرکت می کرد، در تشییع جنازه فرزندش شرکت جست و پیش از ورود جنازه به بازار بزرگ نجف، به سوی خانه بازگشت. (۱)

تشییع جنازه ادامه یافت و پیکر پاک آن شهید را وارد صحن حرم امیر المؤمنین امام علی علیه السلام کردند و جنازه را در قسمت جلوی صحن قبله قرار دادند.

آیت الله العظمی خویی رحمه الله با اجازه و پیشنهاد قبلی امام خمینی رحمه الله، بر پیکر حاج آقا مصطفی نماز خواند. پس از اقامه نماز، جنازه به داخل حرم مطهر امام علی علیه السلام انتقال یافت و در زیر آن قبر ملکوتی، زیارت علوی خوانده شد. سپس جنازه در ضلع شمالی ایوان طلا و با صفای امیر المؤمنین امام علی علیه السلام در کنار آرامگاه علامه حلی و آرامگاه آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی رحمه الله در فاصله حدود ده تا پانزده متری از ضریح حیدر کزار امام علی علیه السلام به خاک سپرده شد. (۱)

پس از مراسم خاک سپاری، سیل جمعیت برای عرض تسلیت به سوی خانه امام خمینی رحمه الله سرازیر شد. در آن جا، یک خطیب و واعظ لبنانی در سخنرانی شیوایی، خطاب به امام خمینی گفت:

... ای آقا و رهبرم، اگر مصطفی را نمی بینی، هرگز او را از دست نداده ای؛ زیرا همه فضلا و طلاب حوزه های علمیه، فرزندان شما و همانند مصطفای شما هستند، ما همه مصطفاهای شما هستیم.... (۲)

این سخنان تأثیر شگرفی در طلاب و فضلاء حوزه های علمیه نهاد و گذشت زمان، راستی گفتار زیبای آن عالم لبنانی را ثابت کرد.

۹. وصیت نامه

۹. وصیت نامه

وصیت نامه شهید آیت الله حاج سید مصطفی خمینی رحمه الله بدین شرح است:

بسمه تعالی شأنه العزیز

۱- شهیدی دیگر از روحانیت، ص ۷۱.

۲- راز توفان، صص ۳۶۱ و ۳۶۲.

فکر می‌کنم که قبلاً وصیتی کرده باشم ولی علی‌آی تقدیر، وصی خود را پدر بزرگوار خود اولاً و در مرتبه بعد، مادر و مخدیره جلیله و برادر احمد است. بعد از اقرار بما جاء به النبی الأعظم صلی الله علیه و آله جمیع کتاب های خود را در اختیار حسین قرار می‌دهم به شرط آن که تحصیل علوم قدیمه کند و در غیر این صورت، به کتاب خانه مدرسه آقای بروجردی در نجف اشرف تحویل دهند چه آن که نوعاً از وجوه تحصیل شده و خلاف احتیاط است که ارث برده شود. چیز دیگری هم ندارم مگر بعضی مختصر است آن هم دیگر احتیاج به گفتار ندارد... و هم چنین با جناب آقای اشکوری حسابی داریم هر چه ایشان اظهار کردند، باید داده شود. صغری خادمه قهراً طلبکار است؛ حساب او هم رسیده شود. در خاتمه عزت همه بازماندگان را خواهانیم. (۱)

مصطفی خمینی

۳ ذیقعه الحرام ۱۳۸۹.

۱۰. بازتاب های شهادت

اشاره

۱۰. بازتاب های شهادت

زیر فصل ها

الف) برپایی مجالس یاد بود و بزرگداشت در نجف اشرف

ب) امام خمینی رحمه الله و شهادت فرزند

ج) برپایی مجالس یادبود و بزرگداشت در قم

د) بازتاب خبر شهادت در ایران

ه) بازتاب خبر شهادت در خارج از ایران

و) واکنش رژیم شاه

ز) واکنش شاه

ح) بازتاب شهادت در رسانه ها و مطبوعات داخلی و خارجی

ط.) مراسم چهلمین روز شهادت

الف) برپایی مجالس یاد بود و بزرگداشت در نجف اشرف

الف) برپایی مجالس یاد بود و بزرگداشت در نجف اشرف

حوزه علمیه نجف از همان روز شهادت حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله تا روز سه شنبه دهم آبان، به مدت ده روز تعطیل بود؛ بازار نجف نیز روز تشییع جنازه وی تعطیل بود.

پس از برپایی مجالس عزاداری در بیت امام خمینی رحمه الله و بیت حاج آقا مصطفی، نخستین جلسه فاتحه و عزاداری را امام خمینی رحمه الله در مسجد هندی که مسجد جامع نجف بود، در شب های چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه به ترتیب

۱- شهیدی دیگر از روحانیت، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

۱۲ و ۱۳ و ۱۴ ذی قعدة برگزار کرد. افزون بر حضور امام خمینی رحمه الله، مجتهدان، عالمان، استادان و روحانیان محترم حوزه علمیه نجف، مردم از شهرهای گوناگون عراق مانند کربلا، کاظمین، کوفه، سامراء، عماره، حله، دیوانیه و بلد در این مجالس معنوی، نورانی و با شکوه شرکت کردند.

مدّت ده روز از شهادت غمناک حاج آقا مصطفی گذشته بود و هم چنان حوزه علمیه نجف در حال تعطیلی، عزاداری و برگزاری مجالس و محافل سوگواری بود. دوستان آن شهید تصمیم داشتند این برنامه را تا اربعین آن شهید بزرگوار رحمه الله ادامه دهند، ولی امام خمینی رحمه الله اعلام کرد: درس ها نباید تعطیل باشد و آقایان درس های خودشان را شروع کنند.

ایشان هم چنین به شاگردان و علاقه مندان حاج آقا مصطفی رحمه الله که بسیار غمگین و بی تاب بودند، پیام داد:

شما باید زنده ساز باشید و در این گونه امور بی تابی نکنید، به درس و بحث و ترکیه نفس و خود سازی پردازید. شما به عنوان اولین گام در حوزه نجف، درس های خود را شروع کنید.

به هر حال، امام خمینی رحمه الله در روز سه شنبه ۱۸ ذی قعدة ۱۳۹۸ ه. ق، برابر با ۱۰ آبان ۱۳۵۶ ه. ش، تدریس و اقامه نماز جماعت را شروع کرد و پس از او، فضلا، مدرسین و طلاب، تحقیق، تدریس و تحصیل را آغاز کردند. امام خمینی رحمه الله آن روز در جلسه درس خویش، در یک سخنرانی بسیار مستدل و آرامش بخش، شهادتِ حاج آقا مصطفی را از «الطاف خفیه الهی» خواند. (۱)

(ب) امام خمینی رحمه الله و شهادت فرزند

(ب) امام خمینی رحمه الله و شهادت فرزند

شهادت حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله ضربه ای بر نهضت اسلامی ایران و غمی سنگین و ماندگار بر روح امام خمینی رحمه الله به شمار می آمد، ولی از آن جا که دوستان خدا در مصیبت ها به آفریدگار خویش پناه می برند و با یاد معبود، دل هایشان آرام می گیرد، امام خمینی رحمه الله نیز پس از شنیدن شهادت فرزند عزیزش سه بار گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (۱).

واکنش امام خمینی در رویارویی با این مصیبت آن قدر زیبا و آموزنده بود که موجب آرامش دوستان و پشیمانی دشمنان شد.

مقام معظم رهبری «دام ظلّه» از صبر و استقامت امام خمینی رحمه الله در فراق پسرش چنین یاد کرده است:

صبر و بردباری حضرت امام خمینی رحمه الله در فراق حاج آقا مصطفی خمینی، چهره آن حضرت را در مقابل دیدگان ملت ایران مانند خورشید، فروزان کرد. (۲)

وقتی امام خمینی رحمه الله برای اولین بار به مزار فرزندش رفت، همگان دیدند که او با سادگی بر زمین نشست و انگشتان خود را بر قبر نهاد و با آرامش، سوره فاتحه را خواند. پس از طلب آمرزش از خدا برای حاج آقا مصطفی؛ و خواندن فاتحه برای هم آرامگاهیان وی و اندک صحبتی با حاضران، در حالی که همه در عزا و سوگن حاج آقا مصطفی؛ گریه می کردند، از مزار برخاست و

۱- راز توفان، ص ۳۵۵.

۲- حوزه، ش ۸۱_ ۸۲، ص ۳۷۷.

آرام و استوار به خانه باز گشت. (۱)

امام خمینی رحمه الله، حاج آقا مصطفی رحمه الله را امید آینده اسلام می دانست؛ ولی نه تنها شهادت او را پایان مبارزه قلمداد نکرد، بلکه آن را لطف خفی الهی خواند و بیش از پیش بر تلاش سیاسی خویش افزود.

امام خمینی رحمه الله به عنوان رهبر انقلاب و فقیه آگاه به زمان و مکان، پس از شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله و حضور گسترده مردم در صحنه، با وجود غم و اندوهی که در دل داشت، در حرکت انقلابی خویش سست نشد و عقب نشینی نکرد و حتی در آن شرایط که دشمن در آرزوی دیدن ناتوانی، بی تابی، ایستایی و آسیب پذیری امام بود، با ادامه دادن برنامه های خود و صدور اعلامیه ها و سخنرانی های انقلابی، دشمن را در رسیدن به هدف ناکام ساخت.

ج) برپایی مجالس یادبود و بزرگداشت در قم

ج) برپایی مجالس یادبود و بزرگداشت در قم

ظهر روز یکشنبه نهم ذی قعدة، خبر شهادت حاج آقا مصطفی به شهر مقدس قم رسید و خویشاوندان وی، علما و فضیلاي حوزه علمیه و مردم مؤمن این شهر مذهبی اندک اندک با ناباوری، با این خبر دلخراش، روبه رو و غمگین شدند و حوزه علمیه قم تعطیل گشت.

چند لحظه پس از پخش این خبر، علمای حوزه علمیه قم و به پیروی از آنان، مردم همیشه در صحنه این شهر دشمن ستیز، در خانه امام خمینی رحمه الله اجتماع کردند؛ به گونه ای که افزون بر آن خانه تاریخی، کوچه های اطراف لبریز از جمعیت بود.

برپایی مجالس عزاداری و سوگواری از سوی مراجع قم از همان شب در مسجد اعظم آغاز شد. مجلس روز دوشنبه پیش از ظهر نیز در همین مسجد بود. حضور گسترده و چشم گیر مردم در این دو مجلس، رژیم شاه را هراسان ساخت؛ به گونه ای که اقدام به جلوگیری از تجمع مردم کرد. این رفتار رژیم سبب شد تا مردم داغدار و اندوهگین قم دست به تظاهرات بزنند و با شعار «درود بر خمینی» و نثار صلوات بر روان پاک شهدای اسلام و شهید حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله، فریاد شهر خون و قیام، قم را به گوش دیگر هم میهنانشان برساند.

از روز دوشنبه تا چند روز بعد، بازار قم تعطیل بود و مجالس سوگواری با شکوه ادامه یافت. (۱) همه مساجد، مراکز علمی و مدارس شهر علم و اجتهاد، قم یک پارچه سیاه پوش شده بود و شب و روز از بلندگوهای مدرسه های حجتیه، خان، حقانی، دار التبلیغ و دیگر مدارس، قرآن پخش می شد و بر سر در مدارس و مراکز علمی، پرچم های سیاه برافراشته شده بود. (۲)

خاندان آیت الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله برای قدردانی از مردم، حوزه علمیه، علما، مراجع و استادان و درخواست شروع درس ها، مجلس بزرگی در مسجد اعظم برپا کردند. در این مجلس پس از قدردانی از فضلا و طلاب شهرستان ها که هر کدام خواستار برپایی مجالسی بودند و اگر ادامه می یافت تا اربعین هم تمام نمی شد، از آنان خواستند که از تشکیل مجالس

۱- نک: شهیدی دیگر از روحانیت، صص ۸۴ - ۹۳.

۲- شهیدی دیگر از روحانیت، ص ۸۷.

خودداری کنند.

از سویی دیگر، در همان شب برگزاری آخرین مجلس سوگواری از طرف خاندان امام رحمه الله، کاسبان و مغازه داران چند صد واحدی خیابان چهارمردان قم (خیابان انقلاب کنونی) اعلام کردند که مقدمات تشکیل مجلس فراگیری را فراهم کرده اند، ولی شهربانی از برگزاری آن جلوگیری کرد. از آن پس، ساواک به کمک مأموران شهربانی از برپایی هر گونه مجلسی به مناسبت شهادت فرزند امام خمینی رحمه الله جلوگیری می کرد. (۱)

علما و مدرسین حوزه علمیه قم در تلگرافی به نجف اشرف، شهادت حاج آقا مصطفی را به امام خمینی رحمه الله تسلیت گفتند و امیدواری خود را نسبت به ادامه ایفای وظایف رهبری امام خمینی رحمه الله و بازگشت او به ایران اعلام کردند. البته این تلگراف یکی از هزاران تلگرافی بود که رژیم شاه با توقیف آن، آن ها را در بایگانی انباشت و نگذاشت هیچ کدام از آن ها به دست امام برسد. (۲)

(د) بازتاب خبر شهادت در ایران

(د) بازتاب خبر شهادت در ایران

خبر شهادت حاج آقا مصطفی؛ در همه کشورهای اسلامی به ویژه ایران برق آسا منتشر شد و موجی از غم و اندوه ایجاد کرد و همگان را غمگین و عزادار ساخت. در ایران، حوزه های علمیه شهرهای قم، مشهد، اصفهان، شیراز، تبریز و دیگر شهرها تعطیل شد.

ملت مسلمان ایران با شنیدن خبر شهادت فرزند امام خمینی پرچم های عزای

۱- شهیدی دیگر از روحانیت، ص ۹۲.

۲- نک: شهیدی دیگر از روحانیت، ص ۱۳۲.

برافراشتند و محافل جشن و سرور به مناسبت خجسته میلاد امام رضا علیه السلام به مجالس عزاداری و سوگواری تبدیل شد. مجالس بزرگداشت و فاتحه از سوی شخصیت های علمی، مذهبی و سیاسی به سرعت در سراسر کشور برپا شد و کوچک و بزرگ در آن مجالس شرکت کردند.

در آن مجالس سوگواری، نام امام خمینی رحمه الله پس از سیزده سال ممنوعیت و در شرایطی که تنها به زبان آوردن آن شش ماه زندان داشت، بار دیگر به نیکی یاد می شد و مردم با صلوات و عرض تسلیت، ابراز احساسات می کردند و با همین اظهار علاقه و محبت نسبت به امام در فضای ایران اسلامی، موج می آفریدند.

رژیم شاه در هر مکان که سعی در جلوگیری از یادآوری نام امام خمینی رحمه الله می کرد یا برقراری مجالس سوگواری را ممنوع می ساخت، با تظاهرات و خشم مردم آن جا روبه رو می شد و به ناچار عقب می نشست. افزون بر شهر قم، در شهرهای دیگر ایران مانند مشهد، شیراز، اصفهان، تهران، تبریز و یزد، مجالس گوناگونی به مناسبت شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله برپا شد. (۱) بیش تر سخنرانان در آغاز سخن، این آیه قرآن را می خواندند: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا». (بقره: ۱۲۴)

آنان با تشبیه امام خمینی به حضرت ابراهیم علیه السلام که بر اثر پیروزی و سربلندی در همه آزمایش های الهی و صبر در برابر قربانی کردن حضرت اسماعیل علیه السلام به مقام امامت رسیده بود، نام آیت الله خمینی رحمه الله را به دلیل

شکیبایی در شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله، با لقب «امام» می آراستند. (۱)

شب هفتم شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله، همه گروه ها، احزاب و سازمان های سیاسی به شخصیت های مذهبی، عالمان و مجتهدان پیوستند و همه با هم در مسجد ارک تهران، مجلس فاتحه برای شهید حاج آقا مصطفی برگزار کردند. آن شب، مسجد و میدان ارک پُر از جمعیت شد و زنگ خطر برای رژیم پوسیده سلطنتی به صدا در آمد.

با وجود سیاست های بازدارنده ساواک، محافل سوگواری در گوشه و کنار شهرها و مراکز استان ها هر چه با شکوه تر ادامه یافت. (۲) گسترده گری مجالس عزاداری تا روستاهای ایران پیش رفت و بیش تر مجالس به تظاهرات خیابانی و درگیری منجر شد.

شهادت حاج آقا مصطفی، چهل روز عزاداری ملت با وفای ایران را در پی داشت. شعارهای مردم، انقلاب بزرگی را بشارت می داد. مردم با شعار «مرگ بر حکومت یزیدی» خواستار بازگشت امام خمینی رحمه الله بودند. سخنرانی های گویندگان مذهبی در مجالس ختم، ضبط می شد و نوار آن تا نقاط دور دست ایران، پیام انقلاب را به گوش همگان می رساند. (۳)

ه (بازتاب خبر شهادت در خارج از ایران

ه (بازتاب خبر شهادت در خارج از ایران

پس از شهادت حاج آقا مصطفی در تبعیدگاه عراق، حوزه علمیه نجف و

۱- شهیدی دیگر از روحانیت، ص ۱۰۵؛ هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، بخش خاطرات بنیاد تاریخ، چاپ اول، ۱۳۷۱، نشر بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۷۴۴.

۲- راز توفان، ص ۳۶۴.

۳- ستاره صبح انقلاب، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.

دیگر شهرهای عراق تعطیل شد. مراسم یادبود و بزرگداشت آن فقیه فرزانه در بیش تر مساجد و مدارس نجف، کربلا، سامراء، کاظمین و دیگر شهرهای شیعه نشین عراق برگزار شد. (۱)

خبر شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله فراتر از مرزهای ایران و عراق نیز بازتاب گسترده ای داشت. اعلامیه ها و مجالس سوگواری و یادبود او، فضای شهرهای دیگر کشورهای مسلمان نشین را نیز ح_ال و هوایی دیگری بخشید.

برخی از کشورهایی که در آن، مجالس بزرگداشت به مناسبت شهادت فرزند امام خمینی برپا شد، عبارت بودند از: عربستان، بحرین، کویت، قطر، امارات متحده عربی، پاکستان، افغانستان، کانادا، هند، سوئد، انگلیس و بعضی کشورهای اروپا و آمریکا. البته این مجالس در برخی از شهرها مانند لندن، تظاهرات گسترده ای را نیز به دنبال داشت.

در پی انتشار خبر شهادت حاج آقا مصطفی در فراسوی ایران، سیل تلگراف، تلفن و نامه های تسلیت و گسیل نمایندگان از طرف شخصیت های علمی و سیاسی به پیشگاه امام خمینی رحمه الله سرازیر شد؛ به گونه ای که در مدت کوتاهی، از سرزمین های اسلامی و غیر اسلامی تلگراف ها و نامه های بیشماری به دست امام رسید. (۲)

(و) واکنش رژیم شاه

(و) واکنش رژیم شاه

مراسم یاد بود و بزرگداشت شهید حاج آقا مصطفی رحمه الله در شهرهای ایران

۱- مجموعه مقالات، ص ۱۱۶.

۲- شهیدی دیگر از روحانیت، صص ۱۱۵ - ۱۳۱.

آن قدر با شکوه بود که رژیم شاه نتوانست آن همه ابراز احساسات و علاقه را تحمل کند. به موازات عمل هوشمندانه و سنجیده نیروهای انقلابی در برگزاری آن مجالس سوگواری، رژیم با خشمی جنون آمیز، نسنجیده و نابخردانه عمل کرد.

اعلام ممنوعیت برپایی هرگونه مجالس سوگواری به مناسبت شهادت حاج آقا مصطفی، از سوی رژیم شاه، جلوگیری از رسیدن تلگراف ها و نامه های مردم ایران به نجف، دستگیری و تبعید علمای مخالف رژیم و برخورد با آنان که بی پروا نام امام خمینی رحمه الله را به زبان می آوردند، همه و همه تیشه ای بود که رژیم بر ریشه خود می زد و بیانگر وحشت ساواک از خواسته ها و بیداری مردم و نشانه آخرین نفس های رژیم سست پهلوی بود.

نمونه هایی از واکنش رژیم در برابر احساسات مردم به مناسبت شهادت حاج آقا مصطفی در شهر خون و قیام قم عبارت بودند از:

۱. رژیم شاه در شب اول شهادت حاج آقا مصطفی کوشید از انتشار خبر شهادت و واکنش مردم جلوگیری کند، ولی این اقدام رژیم، خشم و تظاهرات مردم شهر مقدس قم را به دنبال داشت و بر خلاف خواسته رژیم، شعار «درود بر خمینی» در فضای شهر علم و اجتهاد، قم طنین افکند.

۲. ساواک در روز چهارشنبه، چهارم آبان با سرسختی و توسل به زور، از برگزاری مجالس عزاداری جلوگیری کرد و برقراری هرگونه مجلس در مسجد اعظم و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام را ممنوع ساخت، ولی طلاب مدرسه امام صادق علیه السلام، مجلس باشکوهی در این مدرسه ترتیب دادند و ساواک نتوانست کاری از پیش ببرد.

۳. شب هفت شهادت که قرار بود از سوی کاسبان و مغازه داران خیابان چهارمردان _ خیابان انقلاب کنونی _ مجلس بزرگی بر پا شود، شهربانی از برگزاری آن مجلس جلوگیری کرد. از آن پس، ساواک برقراری هرگونه مجلس در محله های شهر مقدس قم را ممنوع اعلام داشت. البته گفتنی است برپایی مجالس سوگواری تا چهلم شهادت به صورت های گوناگون در این سرزمین دشمن ستیز ادامه یافت.

۴. در همان روزهای اول انتشار خبر شهادت حاج آقا مصطفی، در برابر مدرسه خان پلاکارد بزرگی نصب شده بود و بر روی آن با رنگ سرخ، شهادت آن فقیه به جامعه روحانیت تسلیت گفته شده بود. ساواک که نسبت به کلمه «شهادت» حساسیت ویژه ای داشت، چندین بار به بیت امام خمینی رحمه الله تذکر داد و اصرار کرد که این پلاکارد باید برداشته شود، ولی کسی به خود اجازه چنین کاری را نمی داد. ساواک نیز از دست زدن به این عمل در برابر دیدگان مردم قم وحشت داشت. سرانجام افراد رژیم در نیمه شب، روی کلمه «شهادت» را با پارچه سفیدی پوشاندند، بدین خیال که می توانند جنایت خود را با این حيله و نیرنگ ها پنهان نگه دارند. (۱)

ز) واکنش شاه

ز) واکنش شاه

پس از شهادت حاج آقا مصطفی و پی آمدهای آن، شاه که خود را شکست خورده می دید، تصمیم گرفت طرح شوم دیگری را به اجرا بگذارد. شاه دستور داد تا مقاله توهین آمیزی نسبت به امام خمینی رحمه الله در روزنامه اطلاعات (۱۷)

۱- شهیدی دیگر از روحانیت، صص ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۲ و ۱۳۲؛ ستاره صبح انقلاب، ص ۱۱۲.

این اقدام شاه در هتک احترام امام خمینی رحمه الله، تلاش برای خارج شدن از گردبادی بود که طوفان خشم انقلابی مردم علیه رژیم شاه، در پی شهادت حاج آقا مصطفی به راه انداخته بود. البته این بار نیز این نقشه پلید شاه به زیان او و به سود نهضت اسلامی امام خمینی رحمه الله تمام شد، زیرا قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ مردم قم را پدید آورد که گستره آن سراسر ایران را فرا گرفت و اندک اندک، رژیم کهن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را سست کرد و حکومت اسلامی ایران را به ارمغان آورد. (۱)

ح) بازتاب شهادت در رسانه ها و مطبوعات داخلی و خارجی

ح) بازتاب شهادت در رسانه ها و مطبوعات داخلی و خارجی

شهادت حاج آقا مصطفی در رسانه ها و مطبوعات داخلی و خارجی بازتاب های گسترده ای داشت و هر کدام به گونه ای این خبر را منتشر کردند. رسانه ها و مطبوعات داخلی ایران به دلیل وابستگی به رژیم شاه، سعی در پنهان کردن واقعیت داشتند و گاهی دلیل از دنیا رفتن حاج آقا مصطفی را سکت قلبی عنوان می کردند؛ ولی با اعلامیه های جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و روحانیان، واقعیت از چشمان واقع بین ایرانیان پنهان نماند و همگان به ژرفای فاجعه پی بردند.

هم چنین مسلمانان، علاقه مندان به انقلاب و دوستان حاج آقا مصطفی در سراسر جهان اعلامیه ها و بیانیه هایی به مناسبت شهادت حاج آقا مصطفی انتشار دادند که از جمله آن ها می توان به بیانیه ها و اعلامیه های اتحادیه

انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا، مسلمانان سوئد، انگلستان و دیگر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی اشاره کرد. (۱)

روزنامه المجاهد چاپ الجزایر در ۸ دسامبر سال ۱۹۷۷ نوشت:

مصطفی خمینی، فرزند روح الله خمینی، مقام مذهبی مسلمانان شیعه در ایران، به دست ساواک به قتل رسیده است. (۲)

خبرگزاری فرانسه در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۷۷ چنین گزارش داد:

... این خبر موجب تأثر شدید ایرانیان شده و مردم این فرضیه را که ممکن است رژیم ایران مسئول مرگ مصطفی خمینی باشد، بعید نمی دانند. (۳)

همین خبرگزاری در گزارش دیگری به نقل از خبرگزاری «فلسطین وفا» در تاریخ ۶ دسامبر ۱۹۷۷ گزارش داد:

سید مصطفی خمینی، پسر امام روح الله خمینی، مقام مذهبی مسلمانان شیعه ایران، چهل روز پیش در نتیجه بد رفتاری های ساواک (پلیس مخفی ایران) جان خود را از دست داده است. (۴)

روزنامه ارشاد چاپ پاکستان نیز در مقاله ای که در ۲۹ اکتبر ۱۹۷۷ منتشر شد، به مرموز بودن شهادت حاج آقا مصطفی اشاره کرد. (۵)

روزنامه «السفیر» چاپ لبنان نیز در گزارشی، به انتشار بیانیه رهبران مذهبی

-
- ۱- نک: شهیدی دیگر از روحانیت، صص ۸۵ _ ۱۵۸؛ هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، صص ۷۴۱، ۷۴۲ و ۷۴۴.
 - ۲- مجموعه مقالات، صص ۱۵۳ و ۱۵۸.
 - ۳- مجموعه مقالات، ص ۱۵۸.
 - ۴- مجموعه مقالات، ص ۱۵۹.
 - ۵- مجموعه مقالات، ص ۱۵۹.

ایران که در آن، ساواک را مسئول شهادت حاج آقا مصطفی دانسته بودند، اقدام کرد. (۱)

ط. مراسم چهلمین روز شهادت

ط. مراسم چهلمین روز شهادت

در آستانه چهلمین روز شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، روحانیان مبارز حوزه علمیه قم با انتشار اعلامیه ای طولانی، از مردم، عالمان و مبارزان خواستند از این فرصت تاریخی کمال استفاده را ببرند. در این اعلامیه، افزون بر تجلیل از مقام والای حاج آقا مصطفی رحمه الله، به افشاگری در مورد جنایات شاه و رژیم او و مشکلات سیاسی ایران پرداخته شده بود. (۲)

عالمان حوزه علمیه قم و یاران امام خمینی رحمه الله و دوستان آن شهید بزرگوار رحمه الله در جلسه های گوناگون، به برنامه ریزی برای برگزاری مجلسی بسیار باشکوه همت گماشتند. در این جلسه ها تصمیم بر آن شد که عالمان و افراد سرشناس در شهرها و مناطق مختلف کشور، از همه مردم بخواهند که در مجلس چهلم آن شهید رحمه الله شرکت کنند و در مجلسی که در شهر مقدس قم بر پا می شود، کسانی که تازه از زندان آزاد شده و گروه های ضد اسلامی از آنان «چهره های بریده از مبارزه» به تصویر کشیده اند، با سخنرانی خود، ملت را به مبارزه جدی با رژیم تا دست یابی به پیروزی دعوت کنند. قطعنامه ای نیز آماده شد و در آن خواسته های اصولی و محوری قشرهای مختلف شرکت کننده اعلام گردید.

۱- مجموعه مقالات، ص ۱۵۹.

۲- شهیدی دیگر از روحانیت، صص ۱۹۱ _ ۲۲۲.

در روز جمعه ۱۱ آذر ماه ۱۳۵۶، به مناسبت چهلم شهادت فرزند امام خمینی رحمه الله، در مسجد اعظم شهر خون و قیام، قم مجلس با شکوهی برگزار شد. آن روز، شبستان ها و صحن مسجد اعظم لبریز از انسان هایی شد که حضورشان گویای اراده مردمی مصمم به براندازی رژیم شاه بود. این مجلس بزرگ با محتوای ارزشمندش، زلزله ای به وجود آورد که تاج و تخت سلطنت را لرزاند. (۱)

رژیم که در رویارویی با این مجلس بزرگ، هراسان، دست پاچه و غافل گیر شده بود، پنج تن از روحانیانی را که در چهلم حاج آقا مصطفی رحمه الله سخنرانی کرده بودند، تبعید کرد. (۲)

یکی از طلاب حوزه علمیه قم، مجلس چهلم شهادت حاج آقا مصطفی در مسجد اعظم شهر قم را به نجف گزارش داده بود که بخش هایی از این گزارش چنین است:

... روز جمعه ۲۰ ذیحجه ۹۷ برابر با ۱۱ آذر ماه ۵۶، برای بزرگداشت و تجلیل از مقام این فقیه، حوزه علمیه در مسجد اعظم، مجلس سوگواری با شکوهی ترتیب داد... عموم طبقات مردم شرافتمند ایران از اکثر شهرستان ها شرکت کردند و در این رابطه، جمعیت بی سابقه ای در شهرستان مذهبی قم گرد آمد و از روز چهارشنبه، روز عید غدیر، شهر قم شاهد ازدحام جمعیتی کم نظیر بود...

مجلس قبل از ظهر ساعت ۸ تا ۳۰/۱۲ برقرار بود... پس از پایان مجلس

۱- ستاره صبح انقلاب، ص ۱۱۲.

۲- راز توفان، صص ۳۴ و ۳۶۴.

مردم به تظاهرات پرشوری پرداختند...

رژیم خود باخته و خون آشام به جای آن که به این احساسات گرم پاسخ مثبت بدهد، طبق خوی درندگی و وحشیانه ای که دارد، به وسیله پلیس و کمک ارتش و کماندوها به جان مردم افتادند و... و با تمام نیرو برای متفرق کردن مردم کوشیدند، لیکن انبوه جمعیت آن قدر زیاد بود که صحن مطهر و خیابان ها از جمعیت موج می زد و کوشش پلیس برای متفرق کردن آنان بی نتیجه ماند.

بعد از ظهر، ساعت ۳۰/۲ تا ۵ نیز از طرف بازماندگان آن شهید، مجلس بزرگداشتی در مسجد اعظم برگزار شد....

پس از نماز مغرب و عشا، جمعیت بار دیگر از مسجد اعظم به تظاهرات خیابانی پرداختند و با شعارهای «دروود بر خمینی»، شهر قم را به لرزه انداختند. این تظاهرات با خشم پلیس و عکس العمل شدید مزدوران رژیم سفاک پهلوی روبه رو شد و احساسات پر شور مردم را با چوب و چماق جواب گفتند وعده زیادی را مجروح و دستگیر نمودند. تظاهر کنندگان به خاطر نشان دادن خشم و نفرت و انزجار خود از دستگاه، شیشه های هشت بانک از جمله بانک ملی مرکزی و یک کیوسک پلیس را شکستند....

اینک به متن قطعنامه ای که از طرف حوزه علمیه صادر و... در مجلس بزرگداشت قبل از ظهر خواندند، توجه فرمایید:

۱. بازگشت سریع حضرت آیت الله العظمی، قائد بزرگ اسلام، امام خمینی «دام ظلّه».

۲. آزادی زندانیان سیاسی....

۳. آزادی زندانیان جریانات دانشگاه تهران و جریان های مختلف تهران.

۴. استرداد مدرسه فیضیه، پایگاه حوزه علمیه قم.

۵. آزاد کردن بناهای توقیف شده مدارس.

۶. آزادی اجتماعات و بیان و قلم و رفع منع از منابر و عاظ دانشمند، خاصه آقای فلسفی و رفع سانسور از مطبوعات و کتب و دیگر وسایل ارتباط جمعی.

۷. نظارت و سانسور شدید فیلم های سینمایی و تئاتر و جشن های به اصطلاح هنری و به طور کلی، جلوگیری شدید از آموزش های شهوت انگیز.

۸. بازگشت مسجد و کتاب خانه به دانشگاه تهران.

۹. تقبیح و تعقیب عاملان سختگیری نسبت به حجاب دختران دانشجو و جلوگیری از این گونه اعمال ضد اسلامی.

۱۰. تقبیح، توبیخ و تعقیب چماق به دستان مهاجم به مردم بی دفاع و جلوگیری از تکرار این گونه اعمال وحشیانه... (۱)

۱۱. اهداف رژیم شاه از شهادت حاج آقا مصطفی

۱۱. اهداف رژیم شاه از شهادت حاج آقا مصطفی

رژیم شاه برای دست یابی به اهداف چندی، دست های خود را به این جنایت (به شهادت رساندن حاج آقا مصطفی رحمه الله (آلود:

۱. ضربه زدن به نهضت اسلامی.

۲. ایجاد فشار روانی و لطمه روحی بر امام خمینی رحمه الله.

۳. جلوگیری از سیاسی شدن حوزه علمیه نجف؛ زیرا این حوزه با اقدامات علمایی مانند حاج سید مصطفی خمینی رحمه الله، به کانون مخالفت جدی با رژیم

شاه تبدیل شده بود.

۴. ایحاد هراس و وحشت در بین مبارزان و مخالفان، تا آنان از ترس جانشان خاموش باشند و از ادامه مخالفت بر ضد شاه خودداری کنند. (۱)

۵. گرفتن یار و یاور و مددکار نزدیک امام خمینی رحمه الله از وی.

۶. پیش گیری از خطرهایی که در آینده ممکن بود از ناحیه فرزند امام خمینی رحمه الله برای رژیم به وجود آید و آسوده خاطر شدن از تبدیل شدن حاج آقا مصطفی رحمه الله به خمینی دیگری. (۲)

۱- مجموعه مقالات، صص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۲- تاریخ ایران در دوران معاصر، ص ۲۰۵.

فصل هفتم: پی آمدهای شهادت

اشاره

فصل هفتم: پی آمدهای شهادت

زیر فصل ها

۱. گسترش نفوذ و محبوبیت امام خمینی رحمه الله
۲. تثبیت رهبری امام خمینی رحمه الله
۳. آشکار شدن ماهیت ضد اسلامی رژیم شاه
۴. بیداری روز افزون مردم و حضور در صحنه
۵. زمینه سازی قیام ۱۹ دی مردم قم
۶. سرعت یافتن روند انقلاب اسلامی
۷. ایجاد وحدت و یکپارچگی در میان نیروهای مخالف رژیم شاه
۸. اثر گذاری در جنبش مقاومت اسلامی فلسطین و لبنان

۱. گسترش نفوذ و محبوبیت امام خمینی رحمه الله

۱. گسترش نفوذ و محبوبیت امام خمینی رحمه الله

پس از شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله ناگهان در سراسر ایران، در مساجد و مدارس حوزوی و نیز در دانشگاه های داخل و خارج، صدها مجلس ترحیم و تسلیت برگزار شد و از رهگذر این مجالس، دل ها متوجه نجف گشت و امام خمینی رحمه الله به عنوان رهبر انقلاب دوباره توجه تمامی جامعه ایران را به خود معطوف ساخت. (۱)

در حالی که رژیم خوشحال بود که امام خمینی رحمه الله از خاطر مردم و طلاب محو شده است، با شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله، همه کوشش ها و سیاست هایش نقش بر آب شد؛ زیرا پس از ۱۳ سال ممنوعیت، نام امام خمینی رحمه الله در مجالس و محافل سوگواری متعدد و گوناگون، به نیکی یاد شد و ایشان بیش از پیش در دل ها محبوبیت روز افزون یافت.

۲. تثبیت رهبری امام خمینی رحمه الله

۲. تثبیت رهبری امام خمینی رحمه الله

سخنرانان در مجالس سوگواری و عزاداری متعدد به مناسبت شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله، با تشبیه مقام شکیبایی امام خمینی رحمه الله در شهادت فرزندش، با حضرت ابراهیم علیه السلام در آزمایش الهی قربانی کردن فرزندش، حضرت

۱- تاریخ ایران در دوران معاصر، ص ۲۰۶.

اسماعیل علیه السلام و منصوب شدن او به مقام امامت از سوی پروردگار به دلیل سربلندی و پیروزی در آزمایش های گوناگون، امام خمینی رحمه الله را امام و رهبر خواندند و از او تجلیل و قدردانی کردند.

بدین ترتیب، در مدتی کوتاه در مساجد ایران، رهبری امام خمینی رحمه الله به صورت معجزه آسا تثبیت شد؛ مراجع، علما، روشن فکران و مردم به صورت رسمی، رهبری امام را اعلام کردند و پیوند و پیمان رهبر و مردم محکم تر و استوارتر گشت.

۳. آشکار شدن ماهیت ضد اسلامی رژیم شاه

۳. آشکار شدن ماهیت ضد اسلامی رژیم شاه

مردم با دیدن این کردار نادرست رژیم شاه بیش از پیش به ماهیت این رژیم پی بردند و دانستند که رژیم شاه بر خلاف ظاهرش، نه تنها اسلامی نیست، بلکه ضد اسلامی است و آشکارا اسلام ستیزی می کند.

۴. بیداری روز افزون مردم و حضور در صحنه

۴. بیداری روز افزون مردم و حضور در صحنه

برگزاری مجالس سوگواری، عزاداری و مراسم بزرگداشت حاج آقا مصطفی، مردم را به مساجد کشاند. آنان نفرت و بیزاری خود را از رژیم شاه اعلام کردند و تظاهرات خیابانی و درگیری با پلیس، زمینه فراگیری و گسترش انقلاب اسلامی را فراهم کرد. (۱)

۵. زمینه سازی قیام ۱۹ دی مردم قم

۵. زمینه سازی قیام ۱۹ دی مردم قم

با شهادت حاج آقا مصطفی، جنگ میان روحانیان و شاه آشکار شد و رویارویی شدید رژیم با مرجعیت، به تهیه مقاله توهین آمیز ۱۷ دی ۱۳۵۶ با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» و چاپ آن در روزنامه اطلاعات و سپس قیام ۱۹ دی مردم قم انجامید.

در پی جلوگیری از برپایی مجالس سوگواری در چهلم شهادت حاج آقا مصطفی از سوی رژیم، مردم خشمگین شدند و در واکنش به مطالب واهی، سست و اهانت آمیز آن مقاله نسبت به امام خمینی رحمه الله، بغض مردم به ستوه آمده منفجر گشت و در ۱۹ دی، قیامی بنیان برافکن پدید آمد که نقش مهمی در شکست رژیم داشت و به «جرقه انقلاب» معروف گشت.

۶. سرعت یافتن روند انقلاب اسلامی

۶. سرعت یافتن روند انقلاب اسلامی

با برگزاری مجالس سوگواری پی در پی به مناسبت شهادت حاج آقا مصطفی و سخنان انقلابی سخنرانان، تحریک و شور انقلابی روز افزونی در میان مردم به وجود آمد که مظهر آن، تظاهرات و راه پیمایی های پراکنده و درگیری با ساواک بود و قیام ۱۹ دی مردم قم، اوج این راه پیمایی ها و درگیری ها بود. از آن پس نیز مجالس ترحیم متعددی به مناسبت شهادت شهدای ۱۹ دی و مراسم سوم، هفتم و چهلم آنان در شهرهای گوناگون ایران بر پا شد که در بعضی شهرها مانند تبریز و یزد به درگیری میان نیروهای رژیم و مردم انجامید. مجالس ختم شهدای این درگیری ها همچنان ادامه یافت و

بدین ترتیب، حضور مردم و خشم آنان و برخورد هایشان با رژیم شاه و هدایت های امام خمینی، همه و همه به روند انقلاب اسلامی سرعت ویژه ای بخشید؛ به گونه ای که یک سال و اندی بعد، رژیم شاه فروپاشید و انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله و روحانیت پیروز شد.

۷. ایجاد وحدت و یکپارچگی در میان نیروهای مخالف رژیم شاه

۷. ایجاد وحدت و یکپارچگی در میان نیروهای مخالف رژیم شاه

با شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله، اتحاد چشم گیر و کم نظیری در میان ملت ایران پدید آمد. عموم مردم، روحانیان، دانشگاهیان، سازمان ها و گروه های سیاسی و... یک پارچه و یک صدا پشت سر امام خمینی رحمه الله به حرکت در آمدند که این، خود، یکی از عوامل مهم در پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می رود. (۱)

۸. اثرگذاری در جنبش مقاومت اسلامی فلسطین و لبنان

۸. اثرگذاری در جنبش مقاومت اسلامی فلسطین و لبنان

امام خمینی رحمه الله از نخستین روزهای نهضت همواره مسایل جهان اسلام را در کنار مسایل و مشکلات ایران مطرح می کرد و منشأ همه مشکلات جهان اسلام را از آمریکا و صهیونیسم می دانست. بنابراین، بیش تر گروه ها و محافل سیاسی و نیروهای مبارز کشورهای اسلامی حرکت جهادی، دیدگاه های امام را راهنمای عمل خویش می دانستند. در این میان، نقش حاج آقا مصطفی در برقراری تماس مستقیم با مبارزان مسلمان کشورهای اسلامی به ویژه نهضت مقاومت اسلامی فلسطین و لبنان و نیز آموزش، سامان دهی و گسیل نیروهای

مبارزه به جنوب لبنان بسیار تعیین کننده بود.

در چنین شرایطی، خبر شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله بی درنگ در کشورهای اسلامی بازتاب یافت و غم و اندوه فراوان نیروهای مسلمان را در پی داشت. از سوی دیگر، خبر این شهادت مظلومانه همان گونه که در داخل ایران، موجی از خشم انقلابی را به همراه داشت، در میان مجاهدان کشورهای اسلامی نیز به تقویت روحیه جهاد و مبارزه انجامید. (۱)

فصل هشتم: شهید مصطفی خمینی رحمه الله در نگاه بزرگان

اشاره

فصل هشتم: شهید مصطفی خمینی رحمه الله در نگاه بزرگان

زیر فصل ها

۱. امام خمینی رحمه الله

۲. مقام معظم رهبری

۳. حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی رحمه الله

۴. آیت الله حاج سید رضا بهاء الدینی رحمه الله

۵. آیت الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی «دام ظلّه»

۶. آیت الله احمد جنتی «دام ظلّه»

۷. آیت الله شیخ جعفر سبحانی «دام ظلّه»

۸. حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی «دام ظلّه»

۱. امام خمینی رحمه الله

۱. امام خمینی رحمه الله

بخشی از سخنرانی امام خمینی رحمه الله پس از شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله: (۱)

... این طور قضایا مهم نیست، خیلی پیش می آید؛ برای همه مردم پیش می آید و خداوند تبارک و تعالی الطافی دارد ظاهر و الطاف خفیه. یک الطاف خفیه ای خدای تبارک و تعالی دارد که ماها علم به آن نداریم، اطلاع بر او نداریم... اگر اطلاع داشتیم از آن الطاف خفیه ای که خدای تبارک و تعالی نسبت به عبادش دارد و «إِنَّهُ لَطِيفٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ» (۲) و اطلاع بر آن مسایل داشتیم، در این طور چیزهایی که جزئی است و مهم نیست، این قدر بی طاقت نبودیم، می فهمیدیم که یک مصالحی در کار است، یک الطافی در کار است، یک تربیت هایی در کار است.... (۳)

مصطفی، امید آینده اسلام بود. (۴)

مرگ مصطفی از الطاف خفیه الهی بود. (۵)

من امید داشتم که این مرحوم [حاج آقا مصطفی؛] شخصی خدمت گزار و سودمند برای اسلام و مسلمین باشد، ولی «لا راد لقضائه و ان الله لغنی عن العالمین». (۶)

امام خمینی رحمه الله تاریخ شهادت حاج آقا مصطفی را در مفاتیح الجنان خود چنین یادداشت کرده است:

۱- این سخنرانی در مسجد شیخ انصاری نجف اشرف در تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۵۶ برابر با ۱۸ ذی قعدة ۱۳۹۷ ایراد شد.

۲- برگرفته از: آیه ۱۹ سوره شوری.

۳- صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۳۴.

۴- یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۴۲ و ۱۶۸؛ راز توفان، ص ۳۵۵؛ روزنامه اطلاعات، ۱/۸/۱۳۶۸، ش ۱۸۸۸۰.

۵- یادها و یادمان ها، ج ۱، ص ۴۳؛ روزنامه اطلاعات، ۱/۸/۱۳۶۸، ش ۱۸۸۸۰.

۶- صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۱۱۷؛ یادها و یادمان ها، ج ۱، ص ۲۵.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. در روز یکشنبه نهم شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۹۷ مصطفی خمینی، نور بَصْرَم، (۱) و مُهَجَه (۲) قلبم، دارفانی را وداع کرد و به جوار رحمت حق تعالی رهسپار شد. «اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ وَ اغْفِرْ لَهُ وَ أَسْكِنْهُ الْجَنَّةَ بِحَقِّ أَوْلِيَائِكَ الطَّاهِرِينَ _ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ _» (۳).

۲. مقام معظم رهبری

۲. مقام معظم رهبری

... مرحوم سید مصطفی خمینی یکی از شخصیت های بالقوه و بالفعل اسلام بود. روزی که ایشان شهید شدند، در حدود سنین ۴۸ _ ۴۷ سالگی بودند و در آن سن جزو ممتازترین کسانی بود که در حوزه های علمیه قم، نجف، مشهد و... وجود داشت. بنده، ایشان را به عنوان یک چهره برجسته حوزه علمیه قم از سال ها قبل می شناختم....

مصطفی، امید آینده ما و خمینی آینده ایران بود. آن استعداد و دانش زیاد، روحیه بسیار خوب و عالی و اندیشه درست، می توانست برای آینده ایران، ذخیره ای پایان ناپذیر باشد و حادثه شهادت او می توانست نشان دهنده شخصیت معنوی او باشد. مسئله شهادت ناگهانی این روحانی بزرگ و شخصیت عالی قدر، جریان مبارزات را در ایران از یک گذرگاه بسیار حساسی گذراند و مبارزات را وارد یک مرحله

۱- بَصْرَم: چشم.

۲- مُهَجَه: خون، روح، روان.

۳- صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۳۳؛ راز توفان، ص ۳۴۰؛ روزها و رویدادها، ج ۳، ص ۱۲۳.

جدید و همه افراد را به شخصیت والای امام، این پدر صبور و بردبار واقف کرد.

در حقیقت، مهم ترین وسیله ای که توانست این مبارزه را در شکل توده ای و جدید در عرصه تاریخ ایران حاضر کند، این حادثه بزرگ و این شهادت پر ارج بود....(۱)

۳. حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی رحمه الله

۳. حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی رحمه الله

... برادر هم چون یکی از شهدای قبل از پیروزی انقلاب به دست عوامل شاه مسموم شد. از خصوصیات بارز این مرد خدا، دشمنی پر و پا قرص با شاه و رژیم او و جهت دار بودنش در مبارزه و صراحتش در برخورد با مسایل اصولی و آشتی ناپذیری اش در مقابل سازشکاران بود....(۲)

مرحوم حاج سید احمد خمینی رحمه الله درباره مقام علمی و اجتهاد برادرش خاطر نشان کرده است:

مراتب علمی ایشان [حاج آقا مصطفی رحمه الله] بسیار در سطح بالا و روشن بود، در علم فقه و اصول، فلسفه، منطق، تفسیر، ادبیات، معانی و بیان و کلام، متبحر و در اکثر آن ها به مرتبه اجتهاد رسیده بود و خصوصاً در زمینه فقه و اصول بسیار کار کرده و مباحث فلسفه را به خوبی تجزیه و تحلیل می کرد و حتی زمانی که در قم بودند، معروف به اجتهاد بودند.(۳)

۱- روزنامه اطلاعات، ۱/۸/۱۳۶۸، ش ۱۸۸۸۰؛ یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۴۰، ۴۲ و ۴۳.

۲- یادها و یادمان ها، ج ۱، ص ۴۸. این پیام در تاریخ ۲۶/۷/۱۳۵۹ صادر شده است.

۳- ستاره صبح انقلاب، ص ۲۸.

۴. آیت الله حاج سید رضا بهاء الدینی رحمه الله

۴. آیت الله حاج سید رضا بهاء الدینی رحمه الله

آیت الله حاج آقا مصطفی در جوانی اش جامع علوم معقول و منقول و سیاست اسلامی و دینی بود... راستگو و نیک نیت بود... او دارای سهم فراوانی در انقلاب و حوادث انقلاب است؛ در مشکلات شکیبا بود...

او پسر امام، بلکه خود امام بود، بلکه او پدری مانند امام داشت؛ به امام بسیار محبت می ورزید و امام نیز او را بسیار دوست می داشت، [این محبت متقابل] به خاطر رابطه پدر و فرزندی نبود، بلکه به دلیل دیگر بود که برای ذکر آن ها مجال نیست. (۱)

۵. آیت الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی «دام ظلّه»

۵. آیت الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی «دام ظلّه»

مرحوم آیت الله حاج سید مصطفی خمینی فرزند اکبر حضرت امام خمینی رحمه الله بر اثر توطئه ناجوان مردانه ساواک، عامل رژیم منحط و منحوس پهلوی، به فیض شهادت نایل گشت، آن هم در سنینی که درخت پر ثمر دانشش پس از ده ها سال تلاش و زحمات طاقت فرسا به مرحله بهره برداری کامل و استفاده عمومی رسیده بود... چنان که در همان سن کوتاه خود، فضایی را تربیت و کتب سودمند متعددی تألیف نمود.

... در هر بُعد به مراحل کمالی آن بعد رسیده بود که ذیلاً به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. بُعد علمی: ایشان بر اثر ذکاوت خاص و استعداد ویژه و تلاش های پی گیر و پشتکار مخصوص و موفقیت خاص، از نظر اساتید برجسته

مخصوصاً والد ماجدش، حضرت امام، به مرتبه اجتهاد و تخصص در فقه، اصول، فلسفه و تفسیر رسید....

۲. بُعد سیاسی: مرحوم حاج آقا مصطفی از همان آغاز مبارزه روحانیت با رهبری امام رحمه الله علیه رژیم طاغوت و دست نشانده پهلوی، نقش ارزنده ای در مبارزه داشت....

۳. بُعد عبادی: ایشان چه از نظر اعمال عبادی و انجام مستحبات شرعی و توجه به اموری که در تکامل نفس و رشد معنوی تأثیر کامل دارد و چه از نظر زندگی و معیشت ساده که از حدود یک طلبه عادی تجاوز نمی کرد، ویژگی خاص داشت....^(۱)

۶. آیت الله احمد جنتی «دام ظلّه»

۶. آیت الله احمد جنتی «دام ظلّه»

شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا مصطفی خمینی از عناصری بود که با سرعت زیادی به تعالی علمی و عملی شتافت و آینده ای بسیار نورانی و درخشان در انتظارش بود.... ایشان از جهت علمی، خلوصی ستودنی داشت....^(۲)

۷. آیت الله شیخ جعفر سبحانی «دام ظلّه»

۷. آیت الله شیخ جعفر سبحانی «دام ظلّه»

از جمله خصوصیات ایشان در درس، در درجه اول استعداد قوی شان بود؛ حافظه قوی هم داشت... ایشان در عین حال که فهمی خوب و دقتی بسیار داشت، دارای حافظه خوبی هم بود.... از صفات بارز ایشان نسبت

۱- یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۶۱-۶۳.

۲- یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۱۲۵ و ۱۲۶.

به کسانی که حقی بر گردنش داشتند، تواضع در برابر آنان بود....(۱)

۸. حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی «دام ظلّه»

۸. حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی «دام ظلّه»

... ما شیفته اخلاق حاج آقا مصطفی بودیم، در دوران مبارزه ارتباط ما با یکدیگر بیش تر شد.... دوستان مبارز زیادی بودند، چه در ایران و چه در نجف که از امام رحمه الله حمایت می کردند، ولی حاج آقا مصطفی نقش جدی دیگری داشت. خلاصه کلام آن که سرنوشت مبارزه تا حد بسیاری به وجود ایشان بسته بود. به این دلیل بود که از او به عنوان «امید آینده اسلام» یاد کرده اند.(۲)

۱- یادها و یادمان ها، ج ۱، صص ۸۴ و ۸۵.

۲- یادها و یادمان ها، ج ۲، صص ۲۲ و ۳۱.

فصل نهم: برگزیده ادب فارسی

اشاره

فصل نهم: برگزیده ادب فارسی

زیر فصل ها

۱. متون ادبی

۲. اشعار

۱. متون ادبی

سپیده گشای انقلاب

سپیده گشای انقلاب

ناب می اندیشید و ذهنی چو آینه، شفاف و درخشان داشت. بر آینه ذهن او هیچ غباری ننشسته بود. ذهن شفاف و آینه گون خود را بر هر کجا که می تاباند، عین حقیقت را فرا می نمود و باز می تاباند. هیچ گاه در تاریکی ها فرو نماند و بر سر دو راهی ها حیران نشد و به کمک اندیشه و خردناب، راه از بی راه، باز می شناخت و سبک بال و بی دغدغه، چشم به افق های روشن می دوخت و شاداب، راه می پیمود....

راه امام را با چراغ خرد، از ده ها راه که فرا رویش بود، یافت و در آن گام نهاد. هر چه در این راه پیش می رفت، به ژرفا و گستره آن بیش تر پی می برد، به امام که گشاینده این راه روشن در عصر حاضر بود، بیش از پیش عشق می ورزید.

... بسیار اندیشید، بسیار روی اندیشه ها درنگ کرد و بسیار با صاحبان اندیشه، نشست و برخاست. بسیاری از اندیشه ها را وا رسید و به بوته نقد و بررسی نهاد، اندیشه امام را ناب ترین، شفاف ترین، بی آرایش ترین و راه گشایترین آن ها یافت و بر این صراط مستقیم، پویید تا به سر چشمه نور رسید....

مصطفی، زینت انقلاب امام بود و چلچراغ شبستان آن... او بسان چشمه می جوشید و آب گوارا و زلال به تشنگان حقیقت می رساند. او بسان ابر می بارید و دشت و دمن را با اسلام ناب می شست و سیراب می کرد. او بسان خورشید، نور می افشاند و به محفل ها گرما می بخشید.

مصطفی، دیده بانی تیزنگر و تیزهوش بود و همیشه بر برج دیده بانی.... مصطفی، عالمی بیدار بود و خواب او را در نمی ربود که خوب می دانست اگر عالم دین را خواب در رُباید و از رهنمان و حرامیان و ترفند بازان و نان به نرخ روزخوران و دوچهرگان غافل بماند، یا از برون به آن یورش خواهند آورد و دین و دنیای کاروانیان را تباه خواهند ساخت و یا از درون، آن را نابود خواهند کرد.

مصطفی، زاهدانه زیست... او در فکر رسالت امروز و فردایش بود که چگونه آن را به انجام رساند تا در پیشگاه خدا سر بلند باشد.

مصطفی، عالمی سیاست مدار بود. تحلیل های موشکافانه سیاسی داشت؛ از این روی در لحظه های حساس و بحرانی توانست مواضع دقیق سیاسی نهضت را اعلام بدارد و مشاور دقیق و هوشیار رهبری نهضت باشد و به کثر راهه نیفتد.

مصطفی، دشمن شناس چیره دستی بود. دشمن شناسی او توانست بیت امام را که کانون انقلاب بود، از هر گزندی به دور بدارد و دگرانديشان، دوچهرگان، نان به نرخ روز خوران، متحجران، سرمایه داران بی درد، سیاستمداران ترسو و کژانديش، غرب باوران، اهل تساهل و تسامح در برابر قدرت های بزرگ و شیادان داخلی و ناباوران به اصول اعتقادی اسلام و... را در آن راهی نباشد و خداجویان، خالصان، ناب انديشان، دلیران، مهرورزان، مردم دوستان و انقلاب باوران، گرداننده چرخ های مقدّس «بیت» باشند....

مصطفی، شناخت عمیقی از جریان ها و افراد و گروه های سیاسی داشت. هر فرد و هر جریانی را که بر هر لباسی درمی آمد می شناخت و موضع دقیق در

برابر آن ها می گرفت و نمی گذاشت نهضت در کلاف سردرگم جریان ها گرفتار آید....

مصطفی، اندیشه فقهی و دریافت های علمی خود را با زمان و مکان و نیازهای روز، هماهنگ می کرد و به کارآیی و کارآمدی و پاسخ گویی آن ها می اندیشید. مطالعات فقهی او، جدای از زمان و مکان و نیازهای روزمره مردم نبود....

مصطفی به اسلام ناب می اندیشید، به اسلامی که برای اداره جامعه و مبارزه با تباهی ها برنامه داشت. مصطفی خوب می دانست که اجرای برنامه ها و قانون های اسلام که خداوند از بندگانش خواسته و به اجرای آن ها فرمان داده و نافرمانان را عذاب سخت وعده داده است، تشکیلات قوی می خواهد. سامان دهی زندگانی مردم، اجرای حدود، مبارزه با تباهی ها، گسترش معنویت، ایجاد محیط اخلاقی سالم، هدایت انسان ها به سوی سعادت دنیا و آخرت، کوتاه کردن دست اشرار و دزدان و چپاولگران و... بدون تشکیل حکومت اسلامی مقتدر با رهبری ولی فقیه عادل، مدیر، شجاع و... ممکن نیست....

آری، چگونه ممکن است بدون تشکیلات توانا و گسترده و مدیری با تدبیر و آگاه و شجاع، در رأس آن، پنجه در پنجه استکبار جهانی درافکند و با تباهی ها و زشتی ها به مبارزه برخاست و دشمن را از تجاوز بازداشت و عدل را گستراند و جامعه را از نابرابری ها به در آورد و عطر ناب اسلام محمدی صلی الله علیه و آله وسلم را در همه جا فشانند و فرهنگ ناب اسلامی را در جامعه حاکم کرد؟

مصطفی، تبیین گر اندیشه امام بود.... اندیشه های فقهی، سیاسی، اجتماعی،

عرفانی و تفسیری امام را برای پژوهندگان و علاقه مندان به اسلام ناب باز می گفت و به دانش پیروان اسلام ناب، ژرفا می بخشید تا هر یک از آنان در دیار و محفل و کوی خود، جمعی را به سر چشمه نور رهنمون شوند....

... دشمن مجالش نداد و با زهر کین از پایش درآورد و گل شاداب و خوش بوی بوستان آل مصطفی را در پیش دیده پدر _ حسین زمان _ پرپر کرد.

مرگ مصطفی، لطف خفی الهی بود؛ شرنگی شد برای دشمنان دین و رستاخیزی برای دوستان و عاشقان دین که برخاستند و درهم کوبانند کاخ ستم را و دیو و دد راندند و دست استکبار بریدند و امریکا را در دنیا رسوا ساختند و قدرت افسانه ای آن را به سُخره گرفتند و رهبر عزیز و دور از وطن خویش را بر رواقِ منظر چشم خود گذاشتند و به کشور باز گردانند و بر سریر قدرت نشانند. (۱)

۲. اشعار

۲. اشعار

مرغی به تنگنای قفس بود پای بست
دست قضا به لطف، قفس را بر او شکست
بگشاد بال صدق و صفا در صفای قدس
جولان کنان به کنگر قصر بقا نشست
نادان که جز مضیق قفس جا ندیده بود
در ماتمش به ناخن اندوه، چهره خست
دانا که داشت آگهی از فسحت چمن
شکر خدای گفت که مرغ از قفس برست
مرغ است جان پاک و قفس این طلسم خاک
این مرغ، بس بلند و قفس، نیک تنگ و پست
مرغ تو گرنه بسته پر است، این قفس چرا
بر خویشتن نمی شکنی ای قفس پرست؟!
جامی، شکستن قفس آسان بود تو را
گر جلوه گاه مرغ بینی، چنانکه هست (۱)

فصل دهم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل دهم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

پیشنهاد کلی (بایدها و نبایدهای کلی برنامه سازی)

پیشنهادهای برنامه ای و موضوع های برنامه سازی

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مردمی

پرسش های کارشناسی

پیشنهاد کلی (بایدها و نبایدهای کلی برنامه سازی)

پیشنهاد کلی (بایدها و نبایدهای کلی برنامه سازی)

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران می تواند با یادآوری اندیشه ها، برنامه ها و تلاش های سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی شهید حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله که از عقاید اسلامی سرچشمه گرفته بود و ریشه در احکام و دستوره های اسلام و سیره و روش زندگی پیامبر اسلام و امامان معصوم علیهم السلام داشت، مسلمانان را در چگونگی برخورد با دشمنان و ستمگران، بیش از پیش آگاهی و یاری دهد. هم چنین با مقایسه و بیان شباهت های مبارزه مردم ایران به رهبری روحانیت با حکومت ستم شاهی و استعمارگران جهان خوار، با مبارزه کشورهای اسلامی در گیر با بیگانگان، به مسلمانان کشورهای اسلامی از جمله فلسطین، عراق و افغانستان که اکنون در چنگال وحشیان اسرائیلی و امریکایی گرفتارند و در زندان ها از شکنجه های غیرانسانی و وحشیانه آن اسلام ستیزان رنج می کشند، خط مشی اسلامی و سیاسی کارآمد در روند مبارزه ارایه دهد تا آنان این گونه بر دشمنان خویش پیروز شوند و دست آن «مفسدان فی الارض» را برای همیشه از سرزمین های اسلامی کوتاه گردانند.

پیشنادهای برنامه ای و موضوع های برنامه سازی

پیشنادهای برنامه ای و موضوع های برنامه سازی

۱. پخش سخنانی از امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری «دام ظلّه» درباره شهادت حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله در سال روز شهادت وی.

۲. گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی که دوست

صمیمی و همسایه حاج آقا مصطفی رحمه الله بوده و در مبارزه با طاغوت نیز در کنار وی قرار داشته است.

۳. تهیه و پخش گزارشی از فعالیت های سیاسی شهید حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله در سال روز شهادت وی.

۴. تهیه و پخش فیلمی از زندگی نامه شهید حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله.

۵. تشکیل میزگرد درباره شخصیت علمی، سیاسی و اجتماعی حاج آقا مصطفی رحمه الله در سال روز شهادت وی.

۶. بررسی برخی ویژگی های شخصیتی حاج آقا مصطفی رحمه الله از جمله جامعیت، مقام علمی، فروتنی و مردمی بودن او در برنامه های ویژه سال روز شهادت وی.

۷. تولید و پخش نما آهنگ، مرکب از تصاویر حاج آقا مصطفی رحمه الله و سرود متناسب در سال روز شهادت وی.

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱. حاج آقا مصطفی رحمه الله در چه شهری به دنیا آمد؟

الف) قم ب) مشهد ج) خمین د) نجف اشرف

۲. بخش عمده تحصیلات حاج آقا مصطفی رحمه الله در چه شهری انجام گرفت؟

الف) قم ب) مشهد ج) نجف اشرف د) اصفهان

۳. حاج آقا مصطفی رحمه الله در چه تاریخی به شهادت رسید؟

الف) ۱/۸/۱۳۵۷ ب) ۱/۸/۱۳۵۶ ج) ۱۵/۸/۱۳۵۶ د) ۲۲/۱۱/۱۳۵۷

۴. اولین تبعیدگاه حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله کجا بود؟

الف) عراق ب) ترکیه ج) لبنان د) سوریه

۵. آخرین تبعیدگاه حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله کجا بود؟

الف) ترکیه ب) فرانسه ج) سوریه د) عراق

۶. از نظر پزشکان، علت وفات حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله چه بود؟

الف) مرگ طبیعی ب) سکته قلبی ج) سکته مغزی د) مسمومیت

۷. از نظر امام خمینی رحمه الله، جایگاه آینده حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله چه بود؟

الف) امید آینده اسلام ب) عالم جهان اسلام

ج) قائم مقام رهبری د) عارف

۸. امام خمینی رحمه الله شهادت حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله را چگونه ارزیابی کرد؟

الف) لطف خفی الهی ب) خدشه ای بر روند مبارزه

ج) مصیبتی بزرگ د) پیروزی معنوی

۹. جنازه شهید حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله در کجا دفن شد؟

الف) حرم مطهر امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام ب) حرم مطهر امام حسین علیه السلام

ج) حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام د) حرم مطهر امام جواد علیه السلام

۱۰. حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله در کدام شهر به شهادت رسید؟

الف) کربلای معلی ب) کاظمین ج) نجف اشرف د) سامراء

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله در چه سالی به شهادت رسید؟

۲. جنازه حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله در کجا دفن شد؟

۳. میزان تأثیر شهادت حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله بر روند مبارزه مردم

ایران با طاغوت چگونه بود؟

۴. با مبارزات و فعالیت های سیاسی حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله چه قدر آشنایی دارید؟
۵. بازتاب شهادت حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله در ایران چگونه بود؟
۶. بازتاب شهادت حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله در خارج از ایران چگونه بود؟
۷. حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله از طرف رژیم شاه به کدام کشورها تبعید شد؟
۸. چرا حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله تبعید می شد؟
۹. شهید حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله در سال های تبعید به چه فعالیت هایی مشغول بود؟
۱۰. رفتار شهید حاج آقا مصطفی خمینی رحمه الله با مردم چگونه بود؟

پرسی های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. دلایل بازداشت و تبعید حاج آقا مصطفی رحمه الله از سوی رژیم شاه چه بود؟
۲. اهداف رژیم شاه از به شهادت رساندن حاج آقا مصطفی رحمه الله چه بود؟
۳. اهمیت شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله در آن زمان چه بود؟
۴. برخی از ویژگی های فردی _ شخصیتی حاج آقا مصطفی رحمه الله را نام ببرید؟
۵. برخی از ویژگی های اجتماعی حاج آقا مصطفی رحمه الله را نام ببرید؟

۶. برخی از ویژگی های تدریس حاج آقا مصطفی رحمه الله را نام ببرید؟

۷. شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله چگونه باعث تثبیت رهبری امام خمینی رحمه الله شد؟

۸. شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله چگونه زمینه ساز قیام ۱۹ دی مردم قم شد؟

۹. بازداشت، تبعید و شهادت حاج آقا مصطفی رحمه الله چگونه ماهیت ضد اسلامی رژیم شاه را آشکار ساخت؟

۱۰. دلایل مخالفت امام خمینی رحمه الله با کالبد شکافی حاج آقا مصطفی رحمه الله برای اثبات مسمومیت و شهادت او چه

بود؟

کتاب نامه

* قرآن مجید.

۱. امام خمینی رحمه الله، صحیفه امام، چاپ اول، ۱۳۷۸، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.
۲. امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، چاپ اول، ۱۳۷۱، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات سروش.
۳. امام خمینی رحمه الله، کوثر، چاپ دوم، ۱۳۷۳، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، موسسه چاپ و نشر عروج.
۴. بخش خاطرات بنیاد تاریخ، هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، زیر نظر غلامرضا کرباسچی، چاپ اول، ۱۳۷۱، نشر بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران.
۵. بزی دیزجی (و دیگران)، روزها و رویدادها، چاپ اول، ۱۳۷۷، چاپ مرکز خدمات فرهنگی، انتشارات زهد.
۶. حسینیان، روح الله، ستاره صبح انقلاب (آیت الله سید مصطفی خمینی)، چاپ اول، ۱۳۷۹، تهران، چاپ مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. حوزه، ش ۸۱ _ ۸۲، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶، قم، چاپخانه و انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. خاطرات آیت الله پسندیده رحمه الله، به کوشش محمد جواد مرادی نیا، چاپ اول، ۱۳۷۴، تهران، چاپ موسسه انتشارات سوره، نشر مؤسسه چاپ و انتشارات حدیث.
۹. خمینی، سید مصطفی رحمه الله، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح و تحقیق: محمد سجادی اصفهانی، ۱۳۶۲، چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
۱۰. ربانی خلخالی، علی، شهدای روحانیت شیعه در یک صد سال اخیر، چاپ اول، ۱۴۰۲ ه. ق، قم، انتشارات مکتب الحسین علیه السلام.
۱۱. روحانی، سید محمد، نهضت امام خمینی رحمه الله، چاپ پنجم، ۱۳۸۱، تهران، نشر موسسه چاپ و نشر عروج.
۱۲. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۸۸۸۰، ۱/۸/۱۳۶۸.
۱۳. کمیته علمی کنگره شهید آیت الله سید مصطفی خمینی رحمه الله، شهیدی دیگر از روحانیت،

چاپ دوم، ۱۳۷۶، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج.

۱۴. کمیته علمی کنگره شهید آیت الله سید مصطفی خمینی رحمه الله، مجموعه مقالات کنگره شهید آیت الله سید مصطفی خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۷، تهران، چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر، نشر شاهد.

۱۵. کمیته علمی کنگره شهید آیت الله سید مصطفی خمینی رحمه الله، یادها و یادمان ها از شهید آیت الله سید مصطفی خمینی رحمه الله، چاپ اول، ۱۳۷۶، تهران، چاپ و نشر موسسه چاپ و نشر عروج.

۱۶. گروه تاریخ دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، تاریخ ایران در دوران معاصر، ۱۳۷۳، تهران، چاپ شرکت افست، شرکت چاپ و نشر ایران.

۱۷. واحد پژوهش های تاریخی بنیاد انقلاب اسلامی و نشر ذره، راز توفان، چاپ اول، ۱۳۷۶، تهران، چاپ آزاده، نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

